



دشمنان وحدت ملی را
هدف قرار گرفته اند

خط قرمز حاج قاسم

رهبر معظم انقلاب با اشاره به آشوبگری های تروریست های مسلح در کشور

ملت ایران
مزدوری بیگانگان را
تحمل نمی کند

نیم نگاه

۱/۵ تریلیون دلار شکست



رامین نصیری

کارشناس سیاسی

خیز بزرگ ترامپ برای ممانعت از افول قدرت آمریکا با توسل کردن به قدرت نظامی کلید خورده است. در همین راستا ترامپ چندین و چند سیاست کلی را از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۲۴ آغاز کرده است. اولین اقدام اساسی ترامپ را شاید بتوانیم حمایت بی حد و حصر از جنایات رژیم صهیونیستی بشماریم؛ جایی که هم پیشرفته‌ترین تجهیزات و سامانه‌های راداری و جنگی را در اختیار رژیم قرار داد و هم در مواردی به صورت مستقیم وارد میدان شد.

اسا در ادامه با رافراتر نهاده و به نیابت از رژیم، ایالات متحده در منطقه اقدام به آتش‌افروزی و شروع جنگ مشخصاً با ملت یمن کرد و سپس در اقدامی غیر عقلایی، به سه سلیت هسته‌ای ایران نیز حمله کرد. دومین اقدام ترامپ حرکتی نمایشی و تبلیغاتی بود جایی که نام‌وزارت دفاع ایالات متحده را به وزارت جنگ تغییر داد. و نهایتاً سومین اقدام اساسی ترامپ در بستن بودجه ۱/۵ تریلیون دلاری نظامی برای سال جدید است. بزرگی این عدد زمانی مشخص می‌شود که بدانیم بودجه نظامی آمریکا در سال ۲۰۰۰ تنها ۳۸ میلیارد دلار بوده است و سپس در سال ۲۰۰۴ که همزمان به دو کشور افغانستان و عراق حمله نظامی کرده بود، به عدد حدود ۲۵۰ میلیارد دلار رسیده بود.

خود ترامپ در همین باره گفته است که این بودجه بزرگ به آمریکا اجازه می‌دهد ارتش رویایی را که مدت‌ها منتظرش بوده است را بسازد و با توسل به آن در برابر هر دشمنی محفوظ و ایمن باشد. ترامپ در همین زمینه ادعا کرده است که این افزایش بودجه نظامی به دلیل منابع و درآمدهای سرشار حاصل از تعرفه‌ها بوده است اما واقعیت این است که این افزایش بودجه به دلیل آن است که ایالات متحده اتفاقاً قدرتش کم شده است و دیگر نمی‌تواند با توانمندی و قدرت ۱ تریلیون دلاری از پس پرونده‌های مختلفی که الان دارد بر بیاید. به بیان بهتر ایالات متحده زمانی بودجه یک بخش را زیاد می‌کند که کارآمدی آن بخش با بودجه پیشین پایین باشد فلذا به دنبال تقویت آن با پول پاشی و بستن بودجه سنگین بر می‌آید.

از سوی دیگر این افزایش بودجه نظامی چندین پیام برای بازیگران نظام بین‌الملل نیز دارد. اولین پیام آن این است که بودجه بیشتر به معنای بحران بیشتر، جنگ بیشتر، خونریزی بیشتر است. ایالات متحده با این بودجه هنگامفت نظامی قطعاً به دنبال صلح نخواهد بود بلکه به دنبال آن است که تعداد عملیات‌های نظامی بیشتری را در اقصی نقاط جهان برگزار کند. همچنین این بودجه هنگامت به معنای آن است که قدرت نرم ایالات متحده دیگر کارساز نیست و توان اجماع‌کنندگی ایالات متحده در سطح بین‌الملل هم به محاق رفته است. فلذا ایالات متحده نه از روی قدرت و نه از روی اقتدار بلکه از روی استیصال و از روی شکست و ضعف در حل کردن مسائل و مشکلات خود، به دنبال تقویت توان نظامی رفته است. حال آن که حل شدن نظامی مسائل، بسیار شکننده، کوتاه‌مدت و در عین حال مقدمه‌ای برای موفقیت‌ها و کامیابی‌های ملت‌های آزاده جهان در مقابل ایالات متحده خواهد بود. ان‌شاء‌الله



مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

بازی‌ها، ابزارهایی برای آموزش‌اند که در مسیر جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. بازی‌های استراتژیک فراتر از سرگرمی تلاش دارد تا ذهنیت بازیگران را توسعه داده و آنها را با روندهای حل مسئله و تصمیم‌گیری آشنا نمایند. این بازی‌ها گاه توصیف‌کننده وضعیت‌هایی در صحنه اجتماع هستند که می‌توان با مدل‌سازی، الگویی برای مواجهه با پدیده‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را تداعی کنند و مسیر فهم پدیده‌ها را هموار نمایند.

بازی مافیا و شهروند از جمله بازی‌هایی است که در فهم پدیده‌های امروز جامعه ایرانی بسیار قابل تطبیق و بهره‌برداری است. مافیاهای برای فریب شهروندان از هر ابزاری استفاده می‌کنند و اساس پیروزی خود را بر خطای محاسباتی شهروندانی گذاشته است که به سادگی به پیاده نظام آنها بدل خواهند شد.

شهروندان در حالی که گمان می‌کنند در طرف درست بازی ایستاده‌اند، ناخواسته پشت دست مافیا بازی کرده و به جای حمله به دشمن، منافع خود را تهدید می‌کنند و یکی پس از دیگری فرصت‌ها را از دست می‌دهند در حالی که گمان دارند در مسیر صواب قدم می‌گذارند. شهروندان در این مسیر اشتباه‌انگاه از خواب بیدار خواهند شد که دیگر دیر شده است و مافیا بازی را برده و فرصت جبران از دست رفته است!

امروز جامعه درگیر اغتشاشاتی شده است که رنگ و بوی آشوب و ویرانی در کف خیابان دارد، اما بستر شکل‌گیری آن جنگ شناختی گسترده‌ای است که بخشی از شهروندان را اسیر خود کرده است. مافیا امروز خود را در پس اعتراضات مردمی به گرانی‌ها پنهان کرده است. او به خوبی می‌داند که اگر بخواهد از اهداف خود پرده‌برداری کند، بسیاری از همان‌ها که امروز در کنار آنها قرار گرفته‌اند، از ایشان حمایت نخواهد کرد، لذا مجبور است که خود را در پس مطالبات معیشتی پنهان کند. اما آنچه در میانه راه از تغییر جهت حکایت دارد، تغییر شعار و اتخاذ رویکردهای خشونت‌آمیز

سرمقاله

داستان اغواگری مافیا

است که جز خسارت محض برای این کشور به همراه ندارد! اما متأسفانه بخشی از شهروندان ناگاه آنچنان غرق در خطاب محاسباتی شده‌اند که آگاه‌سازی آنان به این سادگی میسر نیست! واقعا کیست که نداند مسیر تخریب و آتش زدن بر اموال عمومی به حل مشکلات معیشتی کشور نخواهد انجامید؟ کیست که نداند مسیر خشونت جز به تلف شدن بی‌گناهان نخواهد انجامید؟

مافیا برای پیروزی از هر شگرد برای فریب افکار عمومی استفاده می‌کند. خود دستور آتش می‌دهد تا کشته‌سازی کند، از آن‌سو با مظلوم‌نمایی بر هیجانات می‌افزاید تا آتش درگیری‌ها شعله‌ور شود و او در بیرون از معرکه ایستاده است و از معرکه‌ای که خلق کرده لذت می‌برد! فراخوان صادره برای روزهای ۱۹ و ۲۰ دی‌ماه با همین هدف صادر گردید و متأسفانه معرکه خشونت‌آمیزی را فراهم آورد که در این میان جز خسارت برای یک ملت به همراه نداشت. طبیعی است که برای خارج نشینان تمذید این فراخوان‌ها هزینه‌ای ندارد! لذا به سادگی دست به تکرار خواهد زد، هر چند خود به خوبی می‌داند که روز به روز شاهد افول این

دبیر شورای عالی امنیت ملی

دشمنان وحدت ملی را هدف قرار گرفته‌اند

شدت آماده است و این طور نیست که فکر کنیم نیروهای مسلح ما آمادگی لازم را ندارد! حتی از جنگ هم نیروهای مسلح ما آماده تر هستند. اما باید روشنگری کرد تا درگیری در خیابان رخ ندهد چرا که طرفین فرزندان ایران هستند و آسیب دیدن هر کدام برای کشور دردناک است.

وی ادامه داد: سرر خط‌های اغتشاش‌گران را نیروهای امنیتی شناسایی کردند و برخی را هم دستگیر کردند که البته برخی از اینها فریب خورده بودند اما ما مواردی زیادی داشتیم که سلاح‌هایی مانند ژ ۳ و کلت وارد میدان کردند؛ اینها افرادی نیستند که از خانه برای سر دادن شعار بیرون آمده باشند اینها ساماندهی شده هستند.

لاریجانی گفت: وقتی این افراد سریع به سمت مراکز نظامی و انتظامی می‌روند تا سلاح به دست بیاورند یعنی دنبال جنگ داخلی هستند. این رفتارها وضع اقتصادی موجود را هم دچار فراز و فرودهای شدید می‌کند؛ اینکه کشور را در حال اضطراب نشان بدهی همان جنگی است که دشمنان به دنبال آن هستند. ایران اکنون به یک بلوغ رسیده است؛ از نظر نظامی در یک آن ایران با دو حریف بزرگ وارد جنگ شد، هزینه داد اما شکست نخورد و آنها را شکست داد.

بود که نماد هویت ایران را که همان پرچم ایران، مجسمه حاج قاسم، هویت دینی (مساجد و قرآن) است، مورد هدف قرار بدهد و از مردم بگیرد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران اذعان کرد: ما در کشور خودمان ضعف‌هایی داریم و همین اعتراضات بر همین بستر شکل می‌گیرد اما باید این مسئله را از طریق خودش حل کرد؛ دود این اعتراضات به چشم همه ملت می‌رود و مشکل را حل نمی‌کند.

لاریجانی گفت: نباید بگذاریم این صحنه‌ها به وجود بیایند؛ اما وقتی امنیت داخلی یک کشور به هم می‌خورد نیروهای مسلح مجبور هستند که به میدان بیایند تا این غائله را ختم کنند.

لاریجانی گفت: ملت هوشیار هستند اما هدف دشمن این است که جامعه را از انسجام بیندازند و دو گروه جامعه را به جان هم بیندازند؛ دشمنان ملت ایران را نمی‌شناسند و تصور می‌کنند که تنش‌های تروریستی شهری را به وجود می‌آورند و بعد می‌توانند عملیات نظامی کنند! ملت ایران نشان داده است که وقتی کیان ملتش مورد تعرض قرار می‌گیرد تا پای جان می‌ایستد و به سادگی نمی‌شود ملت ایران را جلوی حق قرار داد.

دبیر ششورای عالی امنیت ملی ایران گفت: نکته بعدی این است که نیروی مسلح ما امروزه به

مسلح ما کاملاً آماده هستند و همین حوادثی هم که این روزها رخ داد مهر تأییدی بر آماده بودن نیروهای مسلح بود چرا که سریع وارد میدان شدند و این آشوب را جمع کردند.

لاریجانی بیان کرد: اینجا باید ملت ما توجه داشته باشند؛ آن عامل اصلی را که نقطه قوت ایران در جنگ ۱۲ روزه بود، امروز دشمنان هدف گرفتند؛ ما تردید نداریم که مشکلات اقتصادی داریم و البته تردید نداریم افرادی که روزهای اول به صحنه آمدند واقعاً به مشکلات اقتصادی معترض بودند.

وی گفت: اما باید به این نکته توجه کنیم دشمنان از این بستر برای هدف‌های خودشان استفاده کردند؛ یعنی صحنه اعتراض‌هایی را که بازاریان و کسبه داشتند، تبدیل به جنگ با سلاح گرم؛ کوکتل مولوتف و سه‌راهی کردند؛ اینها یک گروه شبه‌تروریستی شهری هستند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران گفت: حدود ۳ ماه پیش بود که یکی از مسئولان اسرائیلی گفته بود؛ فعلاً ما نیازی نداریم با موشک با ایران جنگ کنیم؛ ما با ساختارهایی که در ایران ایجاد کردیم برای ایجاد یک ماجرای جدید در ایران استفاده می‌کنیم.

لاریجانی با ابراز اینکه دشمن نماد هویت ملی را مورد هدف قرار داد، گفت: دشمن به دنبال این

توافق عادلانه

سید عباس عراقچی با اشاره به جنگ ۱۲ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران گفت: آن‌ها قصد داشتند همان کاری را که در وزنولا کردند، در ایران نیز انجام دهند و گمان می‌کردند می‌توانند ظرف سه روز ایران را وادار به تسلیم کنند اما نتوانستند. وزیر امور خارجه همچنین بیان کرد: ما برای یک توافق عادلانه و شرافتمندانه بر اساس احترام متقابل آمادگی داریم اما اطمینان نداریم که آمریکایی‌ها خواستار چنین چیزی باشند. عراقچی در پایان گفت: بنیامین نتانیاهو از رویای اسرائیل بزرگ خود سخن گفت و همه کشورهای منطقه را تهدید کرد اما با مقاومت سختی در لبنان و ایران رویه‌رو شد.



ارفاق نمی‌کنیم

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای گفت: بدون تردید آشوبگران و اغتشاشگرانی که با اقدامات خود آسایش و امنیت مردم را سلب کرده موجب داغدار شدن تعدادی از خانواده‌ها طی مدت اخیر شدند، خیلی زود نتیجه اعمال خود را خواهند دید. رئیس قوه قضاییه تأکید کرد: ما پیش از این نیز در رابطه با آشوب‌ها و اغتشاشات اخیر اتمام حجت و تأکید کرده بودیم که با توجه به دندان تیز کردن دشمنان خارجی نسبت به وقایع ایران عزیزمان، مجازات عناصر آشوبگر و اغتشاشگر در این دوره، قاطعانه، حداکثری و بدون هیچ‌گونه ارفاق قانونی خواهد بود.



لبنان واحد

شیخ نجیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان با اشاره به اوضاع کنونی لبنان، تصریح کرد: لبنان امروز در قلب طوفان بی‌ثباتی قرار دارد و عامل اصلی این وضعیت، آمریکای سلطه‌گر و رژیم صهیونیستی هستند. آمریکا با حمایت از فساد و حفاظت از سرشاخه‌های آن، از سال ۲۰۱۹ به تخریب اوضاع اقتصادی لبنان پرداخت و امروز نیز بر بسیاری از مفاصل کشور سیطره دارد. وی با بیان اینکه تجاوزات رژیم صهیونیستی به لبنان حتی پس از توافق سال ۲۰۲۴ متوقف نشده است، تأکید کرد: حزب‌الله و مقاومت اسلامی با همکاری دیگر گروه‌ها، حمایت ارتش لبنان و پشتیبانی مردم، کشور را آزاد کردند.



روزنه

پروژه آشوب به مثابه عملیات زمینی

احسان صالحی

خبرنگار

اغتشاشات دی ماه ادامه تهاجم نظامی ۲۳ خرداد است. هدف واضح تهاجم به ایران در بامداد ۲۳ خرداد، سرنگونی جمهوری اسلامی بود. قرار بود با شوک سنگین حمله اولیه، قدرت تصمیم و اقدام متقابل از کشور سلب شود و همزمان هسته‌های خفته وابسته به موساد که با خوشه‌بندی‌های بظاهر مجزا اما در عمل همسو سازماندهی شده بودند، به عنوان پیشران آشوب داخلی عملیات کنند. ماجرا اما با ترتیب مطلوب دشمن متجاوز پیش نرفت. در میدان نظامی با تدبیر رهبری، سازمان رزم کشور به سرعت احیاء و ضربات موشکی ایران روانه سرزمین‌های اشغالی شد. در سطح ملی نیز از همان ساعات اول و با مشاهده جنایت حیرت‌آور رژیم صهیونیستی علیه فرماندهان و دانشمندان محبوب و آحاد مردم بخصوص زنان و کودکان، اجماع و انسجام ملی شب صعودی بی‌سابقه‌ای به خود گرفت.

از فردای توقف جنگ در روز ۳ تیر ۱۴۰۴، حجم انبوهی از تحلیل‌های خارجی متمرکز بر قدرت ایران شد. در این تحلیل‌ها بر روی این واقعیت دست گذاشته می‌شد که ایران سربرآورده از زیر جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی، ایران قبل از آن نیست، برخی از تحلیلگران معاند و مزدوران اجاره‌ای که در جنگ نظامی، اقتصادی و امنیتی علیه ایران نقش مشاور دشمن را دارند، در مقام آسیب‌شناسی ناکامی اربابان خود، این خط تبلیغاتی را آغاز کردند که لازمه هرگونه ضربه کاری به جمهوری اسلامی، تقدم ضربه از درون و ایجاد آشوب است و برای ایجاد آشوب، باید با افزایش فشار اقتصادی، مردم به ستوه آیند چرا که فشار اقتصادی زمینه‌ساز اعتراضات اجتماعی خواهد شد و در اعتراض، می‌توان رخنه و فضای خالی برای کلید زدن آشوب پیدا کرد.

افزایش فشار اقتصادی و تحریم در سه چهار ماه گذشته در کنار برخی بی‌تدبیری‌ها و ضعف‌های آشکار مدیریتی باعث شد که روز ۷ دی، جرقه اعتراضات از بازار تهران زده شود. اگرچه شروع اعتراض بر بستر یک مطالبه اقتصادی بود اما دشمن مترصد برای آشوب و ضربه به انسجام ملی، به صورت پر حجم کار تبلیغاتی برای سوار شدن بر موج اعتراض و تبدیل آن به اغتشاش را آغاز کرد. با وجود فراخوان گسترده که با فعال کردن ظرفیت شبکه‌های اجتماعی به نفع شبکه آشوب انجام شد، گزارش‌های واصله حاکی است حتی یک درصد مردم ایران در سراسر کشور از این اقدام تروریستی حمایت نکردند.

ویژگی آشوب کنونی با وجود کم‌شمار بودن آن، «خشونت» و «تخریب» است. با توجه به مشاهدات میدانی، تیم‌های آموزش دیده، هدایت تخریب و آتش‌افروزی را برعهده داشته‌اند. به نظر می‌رسد این تیم‌ها همان تیم‌ها و هسته‌های آماده اقدام در روز ۲۳ خرداد و پس از تهاجم نظامی دشمن بودند که در آن مقطع، مجال عرض اندام پیدا نکردند.

با تکنیک کامل منطقه اعتراض از اغتشاش، از این به بعد کار به گونه‌ای دیگر است. به تعبیر رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی با فدا شدن صدها هزار خون شریف بر سر کار است بنابراین در مقابل تعدادی تخریبگر وابسته کوتاه آمدن در کار نیست، صحنه به قدری روشن است که هسته‌های وابسته به دشمن هر قدر هم که تلاش کنند نخواهند توانست خود را در تاریکی شب پنهان کنند.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به آشوبگری‌های تروریست‌های مسلح در کشور

ملت ایران مزدوری بیگانگان را تحمل نمی‌کند



ایران از لحاظ سلاح نرم‌افزاری و معنوی از آن دوران قوی‌تر، منسجم‌تر و آماده‌تر است و از لحاظ قدرت سخت‌افزاری هم وضعیت قابل مقایسه با آن روز نیست. به فضل الهی نظام اسلامی روز به روز قوی‌تر شده و توطئه‌های آنها برای از بین رفتن نظام شکست خورده به نحوی که امروز بر خلاف خواست آنها، جمهوری اسلامی در دنیا قدرتمند، سربلند و آبرومند است. اگر حکومتی لیبرال-دموکراسی، سلطنتی و وابسته به این و آن بر ایران حاکم بود، نمی‌توانست مقابسل این فشارها مقاومت کند اما ایسن نظام اسلامی و مردمی توانسته ایران را در علم و فناوری و سیاست‌های بین‌المللی و موارد زیاد دیگر، به پیشرفت‌های بزرگ برساند. ادعای منزوی بودن ایران که از طرف بیگانگان آغاز می‌شود و برخی در داخل نیز از آنها تبعیت می‌کنند، در واقع خودفریبی است، چرا که ایران امروز به عنوان کشوری مستقل، شجاع و دارای آینده در دنیا مطرح است. این را باید توجه داشت که منشأ بسیاری از فعالیت‌ها و پیشرفت‌های کشور را جوانان به انجام رسانده‌اند البته جوانان و عموم مردم همگی در یک سطح نیستند اما در مجموع، قشر جوان بر خلاف دروغ‌گویی‌های دشمن از مهم‌ترین امتیازات ایران است.

تکلیف امروز جوانان

جوان ایرانی در جنگ سلحشور است؛ در سیاست، روشن‌بین است، دشمن‌شناس است، آمریکا را می‌شناسد؛ یک روزی بود که این جور نبود. در امور دینی دارای تقید است؛ اعتکاف مال جوان‌ها است، راهپیمایی‌های بیست‌ودوم بهمن و روز قدس، در ماه رمضان با دهان روزه مال جوان‌ها است؛ عمده اینها هستند، اینها هستند که برنامه‌ریزی می‌کنند. جشن‌های خیابانی برای نیمه شعبان، برای ولادت

از پانزده سال قبل از نوزدهم دی، به رهبری امام عزیزمان آغاز شد. در مدت این پانزده سال، بیانات امام، حکمت امام، سخنرانی‌های امام که بی‌درپی، در طول زمان، به ذهنیت جامعه ما سرازیر میشد. همچنین [طرح] اندیشه اندیشه‌ورزان اسلامی ما در مناطق مختلف کشور با جوان‌ها، در مساجد، در مراکز گوناگون، اینها همه به معارف نهضت قوام بخشید. این درست است؛ یعنی مباحث نظری نهضت اسلامی، در طول پانزده سال، روزبه‌روز در ذهن مردم قوام بیشتری پیدا کرد لکن برای اینکه این گنجینه و ذخیره فکری و نظری به یک تحرک اجتماعی تبدیل بشود، یک حادثه مهم و مؤثر لازم بود. حادثه‌ی قم این نقش را ایفا کرد، نوزدهم دی این نقش را ایفا کرد، آن ذهنیت‌ها را تبدیل کرد به حرکت. البته حادثه قم جرقه نبود، صاعقه بود که از آسمان با اراده الهی فرود آمد. اینکه می‌گویم «صاعقه بود»، دلیلش این است که در طول کمتر از حدود یک سال بعد از نوزدهم دی، در دی‌ماه سال بعد، سلطنت از ایران بکلی ازاله شد. آن روز، ملت ایران نه توپ داشت، نه تانک داشت، نه موشک داشت، سلاح سخت نداشت، امکاناتی نداشت اما پیروز شد؛ چرا؟ در حالی که طرف مقابل، هم توپ داشت، هم تانک داشت؛ تانکش را به خیابان آورد، آتش کرد اما مغلوب شد. ملت ایران پیروز شد، بدون اینکه سلاح سخت در اختیار داشته باشد؛ او مغلوب شد در حالی که سلاح سخت داشت؛ چرا؟ علت این است که به ملت ایران سلاح سخت نداشت اما سلاح نرم داشت؛ سلاح نرم در همه میدان‌ها تعیین‌کننده‌تر است. سلاح نرم ملت ایران چه بود؟ سلاح نرم ملت ایران غیرت دینی بود، غیرت ایمانی بود، احساس مسئولیت و وظیفه‌ای بود که امام بزرگوار به او محول کرده بود و از آنها خواسته بود. امروز ملت سرافراز

در سالگرد قیام تاریخی و پیروز مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶، هزاران نفر از مردم مؤمن و پرشور این شهر با رهبر حکیم انقلاب اسلامی دیدار کردند که در ادامه به بخش‌هایی از این بیانات می‌پردازیم.

جمهوری اسلامی مقابل تخریبگران کوتاه نخواهد آمد

ملت ایران که به برکت نظام جمهوری اسلامی از لحاظ نرم‌افزاری و معنوی و تجهیزات سخت‌افزاری بسیار قوی‌تر از آن روز است، آمریکای متکبر و دچار محاسبات غلط را شکست خواهد داد و نظام مقتدر اسلامی که با خون چندصد هزار شهید شریف روی کار آمده، در مقابل افراد بی‌فکر و اغتشاشگر که دست به تخریب می‌زنند، کوتاه نخواهد آمد. جمهوری اسلامی با خون چندصد هزار انسان شریف روی کار آمده و در مقابل تخریبگران کوتاه نخواهد آمد. جمهوری اسلامی مزدوری بیگانگان را تحمل نمی‌کند و ملت ایران مزدور بیگانه را هر که باشد مر دود می‌داند.

تخریب‌گران برای رضایت ترامپ کار می‌کنند

افرادی هستند که کارشان تخریب است، همچنان که دیشب در تهران و بعضی جاهای دیگر یک مشت تخریبگر آمدند و ساختمان‌هایی متعلق به کشور خودشان را خراب کردند؛ برای اینکه رئیس‌جمهور آمریکا خوش بیاید. ترامپ هم دلش خوش است اما اگر می‌تواند برود کشور خودش را که درگیر حوادث گوناگون است اداره کند. او در جنگ ۱۲ روزه دستش به خون بیش از ۱۰۰۰ تن از ایرانیان آلوده شد و خودش اعتراف کرد که من دستور حمله دادم و در این جنگ فرماندهی کردم؛ بعد همین شخص می‌گوید من طرفدار مردم ایرانم و آدم‌های بی‌توجه و بی‌فکر هم آن را باور و طبق میل او سطل آשغال آتش می‌زنند و از این کار‌ها می‌کنند. آن بابایی (ترامپ) که با نخوت و غرور راجع به همه دنیا حرف می‌زند و قضاوت می‌کند، بداند معمولاً مستبدان و مستکبران عالم از قبیل نمردو، فرعون، رضاخان و محمدرضا پهلوی وقتی در اوج غرور بودند، سرنگون شدند و او هم سرنگون خواهد شد.

روز نوزدهم دی برگ جدا نشدنی

از تاریخ افتخارات ایران

روز نوزدهم دی یک برگ جدانشدنی از کتاب قطور تاریخ افتخارات ایران است؛ نهضت اسلامی

عکس و مکت



ابوعبیده و مادورو در پاکستان/ خیابان‌های پاکستان با تصاویر ابوعبیده و مادورو تریبون ضدآمریکایی شد؛ پاکستانی‌ها با شعار آمریکا بزرگترین تروریست دنیا است.



مردم پای‌کار انقلاب/ مردم ایران بار دیگر نشان دادند که خط فکریشان هیچگاه با اغتشاشگران همراه نخواهد شد و این مردم هستند که حساب اغتشاش‌گران را کف دستشان می‌گذارد.



فرزندان ایران برای پلیس گُل آوردند/ جمعی از نوجوانان یزدی و فرزندان ایران با اهدای گل ترکس به حافظان امنیت در سطح شهر از آنان قدردانی کردند.



پرشور مثل هر سال/ هنوز داغ شهادت حاج قاسم برای مردم ایران تازه است. امسال در ششمین سالگرد حاج قاسم، مردم ایران با حضور پرشورشان در مزار این سرباز وطن، حماسه‌ای دوباره خلق کردند.



شلیک به سمت معیشت مردم/ اغتشاشگران به نام معیشت، معیشت و زندگی مردم را نشانه رفته‌اند. این تصویر نمونه کوچکی از خرابکاری آنان و تخریب اموال عمومی است.



اعتکاف پرشور جوانان و نوجوانان/ امسال یک میلیون و پانصد هزار دانشجو و دانش‌آموز در مراسم اعتکاف شرکت کردند که از این تعداد ۶۰۰ هزار نفرشان دانش‌آموز بودند.

پیشخوان

رسانه‌های ضد ایرانی‌ها به میدان آمدند!



رسانه‌های رسمی وابسته به حکومت‌های امارات و عربستان به‌صورت آشکار به دنبال‌روی از رویکرد فتنه‌افکنانه رسانه‌های ضدانقلاب و رسانه‌های غربی علیه کشورمان می‌پردازند.

این رسانه‌ها، در همسویی آشکار با اغتشاشگران و تروریست‌های مسلح از واژه اعتراضات مردمی برای اقدامات خشونت‌آمیز و ضدبشری آنها استفاده می‌کنند.

رسانه‌های سعودی و اماراتی همچون العربیه، الحدث و اسکای‌نیوز عربی به تبلیغ گسترده ادعاها و تهدیدهای مقامات و رسانه‌های آمریکایی و اروپایی علیه ایران می‌پردازند،

به‌عنوان مثال، شبکه اسکای‌نیوز عربی وابسته به امارات با فردی به‌نام «محمد عباس ناجی» به‌اصطلاح کارشناس مسائل ایران در مرکز الاهرام مصر گفتگو کرد و رویکرد خاص خود را علیه کشورمان در پیش گرفت.

اسکای‌نیوز عربی که حاضر نیست از واژه اغتشاشگر برای کسانی استفاده کند که طی روزهای اخیر با به‌شهادت رساندن شماری از مردم بی‌گناه و نیروهای حافظ امنیت خسارت‌های سنگینی به اموال عمومی و مردمی وارد کردند، این تیر را به‌کار برد: «رسانه‌های ایران، تظاهرات‌کنندگان را مزدور توصیف می‌کنند». این رسانه اماراتی عملاً اغتشاشگران و تروریست‌های مسلح را تظاهرات‌کننده می‌خواند.

اسکای‌نیوز عربی مدعی شد که دامنه اعتراضات در ایران گسترش یافت و وزیر خارجه آمریکا بر حمایت واشنگتن از ملت ایران تأکید کرد.

رسانه‌های سعودی هم هم‌نوا با رسانه‌های ضدانقلاب و رسانه‌های آمریکا و اروپایی به پوشش اغتشاشات و اقدامات تروریست‌های مسلح می‌پردازند و از واژه فریبنده معترضان و اعتراضات برای آنها استفاده می‌کنند.

الحدث وابسته به عربستان هم از واژه اعتراضات و تظاهرات برای اغتشاشات و فعالیت‌های خشونت‌آمیز ضدانسانی تروریست‌های مسلح استفاده کرد.

این رسانه مدعی شد: دامنه اعتراضات مردمی در ایران گسترش یافته است؛ تظاهرات‌کنندگان میدان کاج (در تهران) را پر کردند!

الحدث سعودی در خبری دیگر مدعی شد: تظاهرات‌کنندگان، جاده‌های شهر شیراز را در اعتراض به وخامت اوضاع معیشتی قطع کردند.

رسانه سعودی از واژه «هرج‌ومرج همه‌جانبه در خیابان‌های شهر مشهد در اعتراض به اوضاع وخیم اقتصادی» استفاده کرد تا هم‌نویی خود را با سیاست‌های خصمانه آمریکا و غرب در حمایت از اغتشاشات و اقدامات تروریست‌های مزدور آشکار کند.

گروه جهان

صباح صادق

کاخ سفید اعلام کرد رئیس‌جمهور آمریکا مجموعه‌ای از گزینه‌ها برای به‌دست آوردن گرینلند را بررسی می‌کند و استفاده از ارتش ایالات متحده در این مسیر منتفی نیست. سخنگوی کاخ سفید (کارولین لیویت) تصریح کرد: ترامپ بارها این جزیره استراتژیک را برای بازدارندگی از دشمنان در منطقه قطب شمال یک اولویت امنیت ملی دانسته است. این خبر که بی‌پرده از غلبه زور و قلدرمآیی در روند تصمیم‌گیری آمریکا در برخورد با کشورها دارد نشان می‌دهد که در آمریکا دیگر منطق حق و حقوق کشورها جایگاهی ندارد و این منطق قلدرمآیی است که حرف آخر را می‌زند. به گزارش سی‌ان‌ان، تصمیم دولت ترامپ پس از آن اتخاذ شد که علاقه شخصی رئیس‌جمهور به تصاحب گرینلند بار دیگر شعله‌ور شد. ترامپ پیشتر در جریان ریاست‌جمهوری خود پیشنهاد خرید این جزیره را مطرح کرده بود که از سوی دانمارک رد شد اما با پیروزی مجدد در انتخابات، او بار دیگر این موضوع را احیا و در سخنرانی‌های مختلف از جمله نشست مشترک کنگره صراحتاً اعلام کرد: «فکر می‌کنم آن را به‌دست خواهیم آورد. به هر طریقی آن را به‌دست خواهیم آورد.» وزارت خارجه آمریکا طی ماه‌های اخیر گزارشی از منابع طبیعی گرینلند ارائه کرده است؛ منابعی که شامل عناصر نادر خاکی، نفت و گاز هستند و دسترسی به آنها هزینه‌بر و پیچیده است. از منظر ترامپ، این منابع نه‌تنها ارزش اقتصادی دارند بلکه موقعیت ژئوپلیتیکی گرینلند را به یک دارایی امنیتی تبدیل می‌کنند که می‌تواند در رقابت آمریکا با چین و روسیه نقش کلیدی ایفا کند.

♦ ناتو در مرز فروپاشی؟!

قبل از آنکه کاخ سفید بخواهد پرده از این تهدید احتمالی بردارد رهبران اروپایی پیش‌دستی کرده و به اظهار نظرهایی پرداخته بودند. مته فردرکسن، نخست‌وزیر دانمارک هشدار داده که هرگونه اقدام نظامی آمریکا علیه گرینلند می‌تواند به‌معنای پایان ناتو باشد. این موضع که به‌ویژه با حمایت هم‌زمان فرانسه، آلمان، ایتالیا، لهستان، اسپانیا و بریتانیا همراه شد فراتر از یک واکنش دیپلماتیک احساسی است. گرینلند بخشی از پادشاهی دانمارک و تحت حمایت ناتو، از خودمختاری داخلی برخوردار است و هرگونه تجاوز یا تهدید به استفاده از زور علیه این سرزمین، نه‌تنها یک نقض

آیا گرینلند

به دست آمریکا می‌افتد؟



بود. این مخالفت‌ها نشان می‌دهد حتی در درون آمریکا، سیاست ترامپ در مورد گرینلند با یک اجماع محدود و انتقادات جدی مواجه است؛ مخالفت‌هایی که بر منطق حقوقی، امنیت جمعی و روابط بلندمدت ایالات متحده با متحدان سنتی تأکید دارند.

♦ منطق زور، حقوق کشورها را زیر پا می‌برد

همانطوری که در ابتدا گفتیم این تهدید نمایش تمام‌رخ از غلبه منطق زور و زیرپا ماندن حقوق کشورها در نگاه ترامپ است؛ الگویی که در آن اتحادها نه به‌عنوان تعهدات بلندمدت بلکه به‌مثابه قراردادهای تجاری دیده می‌شوند. اگر یک متحد نتواند یا نخواهد منافع فوری آمریکا را تأمین کند، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. در چنین چارچوبی گرینلند دیگر یک عضو ناتو یا سرزمینی با خودمختاری داخلی نیست بلکه یک دارایی ژئوپلیتیکی است که باید به هر شکل ممکن در اختیار آمریکا قرار گیرد. این منطق که پیش از این در سیاست‌های ترامپ علیه ونزوئلا نیز مشاهده شده بود، به‌وضوح با قواعد حقوق بین‌الملل در تضاد است. ناتو و نظام امنیتی غرب بر اصولی مانند احترام به حاکمیت ملی، حل اختلافات از مسیر دیپلماسی و تعهدات دفاعی متقابل استوار هستند؛ مفهومی که در این سناریو به‌طور کامل زیر سؤال رفته است.

حاکمیت دانمارک بلکه ضربه‌ای به منطق درونی پیمان آتلانتیک شمالی است. هشدار مقامات دانمارکی بازتاب یک بحران بنیادی در اعتماد میان متحدان است: چگونه می‌توان به اتحاد نظامی‌ای متکی بود که رکن اصلی آن (ایالات متحده) می‌تواند به منبع تهدید علیه یکی از اعضا بدل شود؟ کارشناسان اروپایی این هشدار را جدی ارزیابی می‌کنند و آن را نه یک تهدید سیاسی سطحی بلکه نشانه‌ای از بحران طولانی مدت اعتماد میان آمریکا و متحدانش می‌دانند. بسیاری معتقدند اگر آمریکا بتواند به‌راحتی تهدید به اقدام نظامی علیه گرینلند کند، دیگر تضمینی برای تعهدات دفاعی این کشور نسبت به دیگر اعضای ناتو وجود نخواهد داشت. این پرسشی حیاتی برای امنیت اروپا و ثبات نظم بین‌المللی است.

♦ دوقطبی‌سازی آمریکا با یک تهدید

این تهدید علنی کاخ سفید مخالفانی نیز در خود آمریکا هم داشته است. سناتورهای دموکرات و جمهوری‌خواه از جمله روبن گالگو و دان بیکن، اقدامات احتمالی ترامپ علیه گرینلند را محکوم کرده و خواستار احترام به حق تعیین سرنوشت این جزیره و حفظ اتحاد با دانمارک شده‌اند. جان بولتون مشاور پیشین امنیت ملی نیز در اظهاراتی هشدار داد: هرگونه اقدام نظامی علیه گرینلند، اتحاد ناتو را تهدید خواهد کرد و اگر آمریکا دست به اقدام نظامی بزند، این امر به‌معنای پایان ناتو خواهد

♦ آینده ناتو چه خواهد شد؟

گرینلند اکنون به آزمونی جدی برای ناتو تبدیل شده است. مقامات دانمارکی و اروپایی با تأکید بر حاکمیت و تمامیت ارضی، درصدد ترسیم خطوط قرمز روشن هستند. این هشدارها فراتر از یک دیپلماسی معمولی است. آنها نشان می‌دهند اروپا از یک نکته بنیادی نگران است: اگر آمریکا بتواند تهدید به اقدام نظامی علیه قلمرو یک متحد کند، دیگر هیچ تضمینی برای تعهدات خود نسبت به دیگر اعضای ناتو وجود ندارد. تحلیلگران امنیتی معتقدند این بحران بازتابی از تغییر بنیادین در منطق نظم بین‌المللی است؛ تغییری که در آن قدرت‌های بزرگ نه بر اصول و قوانین بلکه بر منطق زور و منافع آبی استوارند. در چنین فضایی، آینده اتحادهای سنتی غرب، امنیت جمعی اروپا و مشروعیت نظم بین‌المللی به‌شدت در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

♦ صدای رهبران اروپا در آمد

رهبران اروپایی با صدور بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که امنیت قطب شمال برای اروپا حیاتی است و گرینلند باید در چارچوب قانون و خودمختاری، توسط مردم آن و دانمارک تعیین سرنوشت شود. آنها ایالات متحده را به‌عنوان شریک ضروری معرفی و تأکید کردند هرگونه تلاش برای اعمال زور، ناقض حقوق بین‌الملل و تعهدات ناتوست. در این بیانیه که به امضای رئیس‌جمهور فرانسه، صدراعظم آلمان، نخست‌وزیر ایتالیا، نخست‌وزیر لهستان، نخست‌وزیر اسپانیا، نخست‌وزیر بریتانیا و نخست‌وزیر دانمارک رسیده، آمده است: گرینلند متعلق به مردم آن است و امنیت در قطب شمال باید جمعی و مبتنی بر اصول منشور سازمان ملل تأمین شود.

♦ تصویری که آمریکا از خودش در جهان نشان داد

ماجرای جوی ترامپ در گرینلند، ادامه‌ای آشکار بر خط مشی آمریکا پس از ونزوئلاست؛ سیاستی که بر منطق زور و منفعت آبی استوار است و نه بر اصول بین‌المللی، اتحادها و پیش‌بینی‌پذیری. واکنش شدید اروپا، هشدار درباره فروپاشی ناتو و مخالفت داخلی در آمریکا نشان می‌دهد این اقدام می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی و امنیتی گسترده‌ای داشته باشد. این بحران نه‌تنها آینده اتحادهای غربی بلکه مشروعیت نظم بین‌المللی و امنیت جمعی در قطب شمال را نیز تهدید می‌کند. اگر ترامپ به منطق زور و اقدامات یک‌جانبه ادامه دهد، نتیجه‌ای جز بی‌ثباتی بیشتر، کاهش اعتماد متحدان و احتمال فروپاشی تعهدات امنیتی نخواهد داشت؛ وضعیتی که می‌تواند سرآغاز تغییرات بنیادین در نظم جهانی باشد.

تحریم کنید

زنلنسیکی با تأکید بر اینکه مذاکرات صلح به نقطه عطف جدیدی رسیده پایان جنگ در نیمه اول سال جاری را رد نکرد. رئیس‌جمهور اوکراین گفت که مسکو باید از طریق تحریم‌ها بیشتر تحت فشار قرار گیرد تا با پایان دادن به جنگ خود موافقت کند. وی مدعی شد: هر دلاری که روسیه از دست می‌دهد، به عنوان یک متجاوز از دست می‌دهد. روز قبل از آن اجلاس کشورهای حامی اوکراین در پاریس متعهد به تضمین‌های امنیتی به کی‌یف در صورت آتش‌بس شده بود. در این نشست برنامه‌هایی برای چگونگی تأمین صلح نظامی در اوکراین نیز مشخص تر شد.



لانه دزدان

فرانک والتر اشتاین‌مایر، رئیس‌جمهور آلمان، سیاست خارجی ایالات متحده تحت ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ را به شدت مورد انتقاد قرار داد و از جهان خواست که اجازه ندهند نظم جهانی به «لانه دزدان» بدل شود. وزیر خارجه پیشین آلمان در اظهاراتی صریح که به اقدامات آمریکا از جمله ربودن رئیس‌جمهور ونزوئلا نیکلاس مادورو اشاره داشت، گفت که دموکراسی جهانی به شکلی بی‌سابقه مورد حمله قرار گرفته است. اشتاین‌مایر با توصیف الحاق کریمه به روسیه و حمله این کشور به اوکراین به عنوان نقطه عطف تاریخی، گفت که رفتار ایالات متحده بیانگر دومین شکاف تاریخی است.



برای غارت

رئیس‌جمهوری آمریکا بر غارت گسترده و همیشگی منابع انرژی متعلق به مردم ونزوئلا تأکید کرد. دونالد ترامپ گفت: ترامپ ۳۰ میلیون بشکه نفت از ونزوئلا تقدیم ما شده که در راه آمریکا است. وی مدعی شد که امور با کسی که ونزوئلا و مردمش را هدایت کند، بر وفق مراد پیش می‌رود. ترامپ ادعا کرد: ونزوئلا بر ثروت‌های نفتی ما سیطره یافته و ما در حال پس گرفتن آن هستیم! ترامپ با اذعان به برنامه دولت آمریکا برای غارت گسترده منابع انرژی متعلق به مردم ونزوئلا گفت: شرکت‌های آمریکایی، ثروت عظیمی را از ونزوئلا به دست خواهند آورد.



بررسی ضرورت انعطاف راهبردی در مواجهه با تحولات و مطالبات اجتماعی

پدافند غیرعامل ملی



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در عصر حاضر، نسبت میان «دولت» و «جامعه» فراتر از یک قرارداد ساده اجتماعی، به رکنی اساسی در دکترین امنیت ملی و ثبات سیاسی بدل شده است. کشورمان در هفته‌های اخیر، دورانی از التهابات و ناآرامی‌های اجتماعی را تجربه کرده است که واکاوی ریشه‌ها، روندها و پیامدهای آن برای هر تحلیلگر مسائل راهبردی، ضرورتی حیاتی دارد. این ناآرامی‌ها که از جرقه‌های اقتصادی در صنوف خاص آغاز شد و به لایه‌های گوناگون اجتماعی تسری یافت، نشان‌دهنده یک تغییر الگوی جدی در رفتارهای اعتراضی است که نیازمند بازخوانی دقیق در لایه‌های حکمرانی است. نکته حائز اهمیت و متمایز در این دوره، کشیده شدن دامنه اعتراضات به شهرهای کوچک و مناطق با بافت سنتی و مذهبی است. تعرض به مراکز هی همچون حوزه‌های علمیه در این مناطق، نشانه‌ای از یک گسست ارتباطی عمیق و نیازمند کالبدشکافی دقیق است تا مشخص شود چگونه یک مطالبه صنفی یا معیشتی، به یک چالش امنیتی با شعارهای ساختارشکنانه تبدیل می‌شود. پرسش بنیادین این است که چگونه می‌توان میان ضرورت‌های سخت اقتصادی و نیازهای روانی-اجتماعی جامعه تعادلی برقرار کرد که ثبات ملی کشورمان آسیب نبیند؟

♦ اقتصاد سیاسی فشار و الزامات مدیریت منابع

واقعیت این است که اقتصاد کشورمان در سال‌های اخیر تحت شدیدترین فشارهای بین‌المللی و جنگ تمام‌عیار اقتصادی قرار داشته است. فعال شدن مکانیسم ماشه و محدودیت‌های فزاینده در فروش نفت و بازگشت درآمدهای ارزی، دولت را در موقعیت انتخاب‌های دشوار و جراحی‌های ناگزیر قرار داده است. در چنین وضعیتی، مدیریت بهینه منابع ارزی و جلوگیری از هدررفت ارز برای کالاهای غیرضروری، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی راهبردی برای حفظ بقای اقتصادی و استقلال سیاسی است. طرح اصلاح اقتصادی جدید و حذف ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی نظیر روغن، تخم‌مرغ، گوشت و لبنیات، پاسخی ساختاری به این تنگنای‌های ارزی و تلاش برای واقعی‌سازی قیمت‌ها و حذف رانت‌های نهفته در ارز دولتی بود.

با این حال، مسئله اصلی که در لایه‌های سیاست‌گذاری مغفول ماند، نه در ضرورت اصل جراحی اقتصادی، بلکه در «زمان‌بندی»، «پیوست رسانه‌ای» و «نحوه تعامل با ذی‌نفعان» نهفته است. هم‌زمانی این جراحی‌ بزرگ با تشدید فشارهای سیاسی و امنیتی خارجی، فضای جامعه را به شدت تحریک‌پذیر و مستعد پذیرش روایت‌های منفی کرده است. در این میان، اعلام تخصیص کالابرگ‌های الکترونیک یک میلیون تومانی به عنوان یک راهکار حمایتی، اگر چه گامی برای کاهش فشار معیشتی بود، اما به دلیل تأخیر در تبیین و ابهامات موجود در سازوکار اجرا، توانست به منزله یک ضربه‌گیر روانی مؤثر در برابر شوک افزایش قیمت‌ها عمل کند. این شکاف میان «تصمیم اقتصادی» و «اقتاع اجتماعی»، فضایی را ایجاد کرد که در آن دغدغه‌های معیشتی به سرعت تغییر ماهیت داده و به بستری برای بروز ناآرامی‌های وسیع تبدیل شدند.

♦ کالبدشکافی یک بحران صنفی

نقطه عزیمت ناآرامی‌های اخیر، از صنف موبایل و در واکنش به تصمیمات ناگهانی در حوزه هزینه ریجستری تلفن‌های همراه کلید خورد. بررسی این مورد خاص، درس‌آموزترین بخش برای سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی کشورمان است. زمانی که سامانه ریجستری برای مدتی غیرفعال می‌شود و سپس با قیمت‌های تصاعدی و بدون بسترسازی قبلی بازگشایی می‌شود، عملاً بازار در

وضعیت شوک و استیصال قرار می‌گیرد. فروشنده و خریداری که برای دارایی و نیاز خود برنامه‌ریزی کرده‌اند، ناگهان با تغییر قواعد بازی در میانه مسیر مواجه می‌شوند. آنچه در این میان مفقود بود، «هنر شنیدن» و «مهارت تعامل» است.

اعتراضات اولیه صنف موبایل، یک کنش مدنی و صنفی بود که انتظار می‌رفت با پاسخگویی اقناعی، شفاف‌سازی دلایل اقتصادی یا بازنگری در نرخ‌های تنش‌زا تعدیل شود. اما اصرار بر تصمیمات خلق‌الساعه و حتی افزایش مجدد قیمت‌ها در برورسانی‌های بعدی سامانه، این پیام مخرب را به جامعه منتقل کرد که «صدای باید بپذیرد». اینجاست که فرد ناراضی احساس می‌کند برای دیده شدن و تأثیرگذاری، باید از مرزهای صنفی عبور کرده و صدای خود را در خیابان و با لحنی تندتر فریاد بزند. در واقع، نقطه شروع بسیاری از ناآرامی‌های اخیر نه نتیجه یک توطئه سازمان‌یافته اولیه، بلکه محصول «ناشنوایی سازمانی» در مراحل آغازین مسئله و تبدیل یک مسئله اداری-اقتصادی به یک بن‌بست سیاسی است. این الگو نشان می‌دهد چگونه بی‌توجهی به بازخوردهای جامعه ذی‌نفعان، می‌تواند هزینه‌های امنیتی گزافی را به کشورمان تحمیل کند.

♦ آسیب‌شناسی نظام تصمیم‌گیری

یکی از آسیب‌های جدی در بدنه مدیریتی و اجرایی کشورمان، تصور نادرست و غیرهوشمند از مفهوم «اقتدار» است. بسیاری از مدیران بر این باورند که عقب‌نشینی از یک تصمیم (حتی اگر آن تصمیم اشتباه، نابهنگام یا هزینه‌زا باشد) به معنای تزلزل در قدرت حاکمیتی و ایجاد رویه‌ای خطرناک برای باج‌دهی به فشارهای اجتماعی است. این نگاه ضلَب، مکانیکی و تک‌صدا به حکمرانی، بزرگ‌ترین مانع در برابر پویایی و هوشمندی ساختار است. در مقابل، یک ساختار ارگانیک و هوشمند، اقتدار واقعی خود را در «انعطاف راهبردی» و «توانایی اصلاح مسیر بر اساس بازخوردها» می‌بیند.

سیستم‌هایی که توانایی دریافت بازخورد از محیط و ذی‌نفعان را دارند، در برابر تکانه‌های بیرونی بسیار پایدارتر از سیستم‌های ضلَب عمل می‌کنند. وقتی یک تصمیم اقتصادی، مانند نرخ ریجستری یا قیمت کالاهای اساسی، لایه‌های وسیعی از جامعه را متأثر می‌کند، پیش‌شرط پایداری و موفقیت آن تصمیم، گفت‌وگو با انجمن‌های صنفی، نخبگان اقتصادی و اقناع افکار عمومی است. مدیری که خود را بی‌نیاز از شنیدن می‌بیند و تصور می‌کند با ابلاغیه‌های یک‌طرفه و طرح کم اهمیت بودن مشکلات می‌تواند امور را پیش ببرد، ناخواسته بستر را برای موج‌سواری جریان‌های معاند فراهم کرده و هزینه‌های امنیتی کشورمان را افزایش می‌دهد. عقب‌نشینی از یک تصمیم‌نپخته، نه نشانه ضعف، بلکه نشانه عقلانیت و احترام به پشتوانه اصلی هر جامعه و کشوری، یعنی مردم است.

♦ تغییر جغرافیای اعتراضات

سرایت ناآرامی‌ها به شهرهای کوچک، سنتی و

مذهبی، حاوی پیام‌های راهبردی بسیار مهمی است که نباید از کنار آن به سادگی گذشت. در کلان‌شهرها، اعتراضات معمولاً آمیخته با انگیزه‌های سیاسی، طبقاتی یا روشنفکری است، اما در مناطقی مانند شهرهای استان ایلام، لرستان، کرمانشاه و حتی خوزستان، پیوند میان معیشت، کرامت انسانی و باورهای مذهبی بسیار تنگاتنگ است. وقتی در چنین مناطقی که پایگاه‌های سنتی حمایت از کشورمان بوده‌اند، ناآرامی‌های تند و حتی خشن رخ می‌دهد، به معنای آن است که فشارهای اقتصادی و احساس دیده نشدن، به هسته سخت جامعه نفوذ کرده و طبیعتاً دشمن هم از این شرایط بهره‌برداری خود را انجام می‌دهد.

این مناطق که همواره در بزرگه‌های تاریخی، پشتوانه استوار امنیت ملی بوده‌اند که نمود آن را در جنگ ۱۲ روزه تحمیلی شاهد بودیم، اکنون تحت تأثیر بی‌ثباتی قیمت ارز و گرانی ناگهانی اقلام معیشتی، احساس نوعی رهاشدگی می‌کنند. این تغییر در جغرافیای ناآرامی‌ها، هشدارزی جدی است که نشان می‌دهد راهبرد مدیریت متمرکز از مرکز بدون توجه به اقتضانات محلی و توان تحمل اقتصادی در مناطق محروم و کوچک بسیار آسیب‌زا است.

♦ رسانه، اقناع و چالش نسل جدید در فضای مجازی

در عصر انفجار اطلاعات و غلبه رسانه‌های نوین، نمی‌توان با ابزارهای رسانه‌ای سنتی و رویکردهای یک‌سویه، افکار عمومی را اقناع کرد. نسل جوانی که حضور پررنگی در ناآرامی‌های اخیر دارد، در بستری از شبکه‌های اجتماعی رشد کرده که «تعامل»، «شفافیت» و «بازخورد سریع» ویژگی‌های ذاتی آن است. این نسل، سکوت مسئولان یا توجیهات کلیشه‌ای و تکراری را نمی‌پذیرد. وقتی مسئولان اقتصادی با زبانی فنی، خشک و از موضع بالا درباره ضرورت‌های کلان طرح‌های اقتصادی صحبت می‌کنند، در حالی که سفره مردم به صورت لحظه‌ای کوچک‌تر می‌شود، یک گسست شناختی و عاطفی عمیق میان طبقه مسئولان و بدنه جامعه رخ می‌دهد.

در واقع سیاست «اعلامی» باید جای خود را به سیاست «اقناعی و مشارکتی» بدهد. گفتن مکرر جملاتی نظیر «چاره‌ای نداریم»، «نمی‌شود» یا «منابع محدود است»، بدون ارائه یک افق روشن، بدون برخورد با مفسدان دانه درشت و بدون مشارکت دادن واقعی مردم و اصناف در فرآیند تصمیم‌گیری، تنها به انباشت نارضایتی منجر می‌شود. در چنین وضعیتی رسانه‌های رسمی و حتی پلتفرم‌های کشورمان باید به تربیونی برای انعقاد نقدها و بازتاب صدای صنوف تبدیل شوند تا خیابان، تنها راه چاره برای شنیده شدن تلقی نشود. البته دقت کنیم که اقناع، یک فرآیند مستمر است، و با یک سخنرانی تلویزیونی پس از اجرای طرح‌های هزینه‌زا محقق نمی‌شود.

♦ حکمرانی شنیداری به مثابه پدافند غیرعامل

هنر شنیدن در حکمرانی، یک رُست سیاسی یا انتخاب تزیینی نیست، بلکه ضرورتی در حوزه

«پدافند غیرعامل» برای حفظ ثبات و اقتدار ملی است. اگر صدای اعتراض در نقطه و در چهارچوب‌های صنفی، تخصصی و قانونی شنیده شود، هرگز به شعارهای تند و اقدامات ساختارشکنانه در خیابان منتهی نخواهد شد. دشمنان کشورمان همواره در کمین هستند تا بر موج نارضایتی‌های برخاسته از سوءمدیریت داخلی سوار شوند و مطالبات به حق مردم را به مسیرهای انحرافی بکشانند. لذا، بهترین راه برای خلع سلاح بدخواهان و خنثی‌سازی سناریوهای براندازی، تقویت «سواد شنیداری» و «ظرفیت نقدپذیری» در میان مسئولان و کارگزاران است. مدیری که اتخاذ هر تصمیم کلان را مشروط به تعامل مستمر با جامعه ذی‌نفعان می‌کند و از بروزرسانی سیاست‌ها یا حتی عقب‌نشینی از تصمیمات نیازمند اصلاح‌واهمه ندارد، بزرگ‌ترین خدمت را به تثبیت امنیت ملی کشورمان انجام می‌دهد. پویایی سیاست‌ها در عصر تحولات سریع، مستلزم آن است که ما «بازخورد اجتماعی» را به عنوان جزئی لاینفک از فرآیند سیاست‌گذاری بپذیریم. یک سیستم پویا، سیستمی است که بتواند با محیط خود تبادل اطلاعات داشته باشد و در برابر خطاهای خود، مکانیسم‌های خوداصلاح‌گر را فعال کند.

♦ توصیه‌هایی برای گذار از بحران

برای عبور هوشمندانه از گرهِهای فعلی و افزایش سرمایه اجتماعی، کشورمان نیازمند تحولی بنیادین در دیپلماسی داخلی و انگاره‌های ارتباطی میان دولت و ملت است که در گام نخست، مستلزم نهادینه‌سازی و به رسمیت شناختن «حق اعتراض صنفی» در چهارچوب‌های قانونی برای جلوگیری از سرریز مطالبات به فضای عمومی و امنیتی است. در کنار این بازسازی نهادی، بازنگری فوری در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خلق‌الساعه ضرورتی حیاتی دارد؛ به گونه‌ای که هیچ سیاستی در حوزه تعرفه‌ها یا قیمت کالاهای اساسی بدون ارزیابی ریسک‌های اجتماعی و مشورت واقعی با تشکل‌های شناسنامه‌دار اجرا نشود تا تجربه‌های تلخی همچون شوک ریجستری موبایل که محصول فقدان سواد شنیداری سازمانی بود، بار دیگر امنیت روانی بازار و ثبات جامعه را به مخاطره نیندازد.

علاوه بر این، ارتقای «سواد ارتباطی» کارگزاران و گذار از زبان تک‌گویه به بیان اقناعی، در کنار تسریع در اجرای دقیق پیوست‌های حمایتی نظیر کالابرگ برای پر کردن حفره‌های معیشتی، از الزامات گریزناپذیر حکمرانی هوشمند در شرایط فعلی است. باید پذیرفت که اقتدار پایدار کشورمان در پیاده‌سازی «دکترین شنیدن» و «انعطاف راهبردی» و توانایی دریافت بازخورد از بطن جامعه نهفته است؛ چرا که مردم والاترین پشتوانه امنیت ملی هستند و ثبات واقعی تنها زمانی محقق می‌شود که ساختار، «هنر شنیدن» را به مثابه یک سازوکار پدافندی برای اصلاح سیاست‌ها و جلب رضایت حداکثری ذی‌نفعان به کار بندد و گفت‌وگو با منتقدان را جایگزین سکوت یا رویکردهای دستوری کند.



دیگران

مانور امنیت‌ساز

سید علی حسینی

کارشناس امنیت ملی



در تبیین آرایش تهدیدهای نوین علیه «امنیت ملی» کشورمان، هیچ مؤلفه‌ای به اندازه تلاش برای تعمیق شکاف میان نظام و بدنه اجتماعی در دستور کار اتاق‌های فکر دشمن قرار ندارد. در چهارچوب یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار، بدخواهان کشورمان با تکیه بر ابزارهای نوین رسانه‌ای و فشارهای حداکثری اقتصادی، به دنبال تبدیل «نارضایتی معیشتی» به «گسست حاکمیتی» هستند. در این راهبرد، دشمن بر روی یک خلل کلیدی حساب باز کرده است و آن، احساس نادیده گرفته شدن از سوی کارگزاران است. واکاوی تحولات اخیر نشان می‌دهد، هرجا پیوند ارتباطی میان مسئولان و ذی‌نفعان گسسته شده، دشمن به سرعت در آن حفره نفوذ کرده و مطالبه‌ای صنفی را به آشوبی ساختارشکنانه پیوند زده است. از این منظر، بازسازی اعتماد عمومی نه یک اقدام صرفاً سیاسی، بلکه یک ضرورت قطعی در مقابله با هر نوع فتنه و خرابکاری به شمار می‌آید.

تجربه هفته‌های اخیر در مواجهه با ناآرامی‌های ناشی از اصلاحات اقتصادی و شوک‌های بازار، یک نقطه عطف تاریخی را پیش روی تصمیم‌سازان قرار داد. بر خلاف ادوار گذشته که رویکردهای انفعالی در حوزه رسانه و خاصه رسانه‌های رسمی و ملی، میدان را برای روایت‌گری مغرضانه رسانه‌های بیگانه خالی می‌گذاشت، شاهد تغییری معنادار در رویکرد رسانه ملی بودیم. حضور میدانی خبرنگاران سیما در کانون تجمعات و بازتاب مستقیم صدای معترضان از صنف موبایل تا افشار نگران از معیشت فراتر از یک اقدام خبری، یک «مانور امنیت‌ساز» بود. این رویکرد شنوایی محور موجب شد تا شهروند معترض احساس کند صدایش بدون واسطه و لکنت به گوش ارکان نظام می‌رسد. همین احساس شنیده شدن، مهم‌ترین عامل تخلیه هیجانات کاذب و تفکیک بدنه معترض از جریان‌های خرابکار و سازمان‌یافته بود. در واقع، رسانه ملی با درک درست ملاحظات رسانه‌ای، توانست به جای انکار صورت‌مسئله، آن را مدیریت کرده و مانع از غلتیدن مطالبات به‌حق به دامن آشوب‌های پرهزینه شود.

راهکار بهینه و کم‌هزینه برای صیانت از امنیت ملی در عصر حاضر، نه در انسداد، بلکه در تسهیل راهکارهای بیان اعتراض نهفته است. حکمرانی هوشمند در کشورمان باید بپذیرد که «گفت‌وگو» با مردم قوی‌ترین ابزار برای خنثی‌سازی نقشه‌های دشمن در تشدید شکاف‌های اجتماعی است. وقتی ساختار سیاسی، خود پیش‌قدم شنیدن نقدها شود، روایت دشمن که بر پایه انسداد راهکارها بنا شده، فرو می‌ریزد. تثبیت رویکرد اخیر رسانه ملی و تسری آن به سایر نهادهای تصمیم‌گیر، می‌تواند به یک مدل بومی از حکمرانی شنیداری منجر شود. مدیری که پیش از اتخاذ هر تصمیم، با جامعه ذی‌نفعان خود وارد گفت‌وگو می‌شود و رسانه‌ای که لایه‌های زیرین اعتراض را پیش از تبدیل شدن به خشونت بازتاب می‌دهد، در حقیقت در حال تقویت ستون‌های ثبات ملی هستند. حفظ مردم به منزله اصلی‌ترین پشتوانه نظام، تنها با ارتقای سواد تعاملی مسئولان و باز نگاه‌داشتن در‌های گفت‌وگو میسر خواهد بود.

یادداشت

چند نکته

برای اثرگذاری کالابریک

گروه بازار

صبح صادق

یکی از تصمیمات مهم رئیس‌جمهور پزشکیان در این روزها تغییر در تخصیص ارز ترجیحی و نیز حرکت دولت به سمت ارز تک‌نرخ است مسئله‌ای که لازم است در آن دو نکته رعایت شود: نخست نظارت کارای دولت بر بازار و قیمت‌ها و جلوگیری از نرخ‌های دلخواهی است؛ دوم در نظر گرفتن راهکارهای آلترناتیو و جایگزین در صورت شکست یا بی‌اثر شدن طرح تخصیص ارز ترجیحی.

این‌دونکته از این‌رو مهم است که دولت باید در بحث نظارت بداند که اگر همچنان بر بازار و نرخ‌های بیقاعده نظارت نداشته باشد و با مافیای گرانفروشی برخورد نکند؛ اثر هر اصلاح اقتصادی در معیشت مردم فی‌الغور محو خواهد شد. به دیگر سخن اهمیت این مطلب در جایی مشخص می‌شود که در فضای نرخ‌های بی‌قاعده؛ حتی بخش زیادی از ارز ترجیحی که دولت در قالب بن کالابریک آن را به مردم می‌دهد نیز عملاً به جیب گرانفروشان سرازیر می‌شود.

مخالفان نظارت بر بازار که در پستوهای تاریک تر «بازار آزاد» بدون چراغ در رفت و آمد هستند نیز باید بدانند که نظارت دولت و قوه قضائیه بر بازار و قیمت‌ها اولاً شرط عقل است، ثانیاً فرمول حکومتی امام علی(ع) در اقتصاد است که عمده مفسران بزرگ نهج البلاغه بر آن صحه گذاشته‌اند و ثالثاً حتی در کشورهای اروپایی نیز شاهدیم که هیچکس حق نرخ‌گذاری دلخواهی را ندارد و در صورت این کار با مجازات‌های سنگینی مواجه می‌شود.

شاید بتوان این انتقاد را هم به دولت چهاردهم کرد که متأسفانه کارنامه قابل اثباتی در بحث نظارت بر بازار ندارد و دیدیم که حتی از ارز ترجیحی که خود به واردکنندگان اعطا می‌کرد آنچنان که باید صیانت نکرد و برخی اقلام وارداتی با ارز ترجیحی اماگران به دست مردم می‌رسید! از همین‌روست که تأکید می‌شود دولت هم باید به نظارت بر بازار تن بدهد و هم حواسش به آلترناتیو طرح تغییر در تخصیص ارز نیز باشد.

برخی معتقدند که کشور در شرایط بحرانی و شبیه جنگ سخنی است باید به این افراد گفت که مگر در دوران جنگ، با نفت هشت دلاری، کشور اداره نشد؟ آن هم در شرایطی که تنوع صادرات امروز را نداشتیم. اگر هم اوضاع کشور را بحرانی ببینیم نیاز دولت به کنترل بازار و قیمت‌ها بیشتر از قبل احساس می‌شود تا اینکه همه چیز به بازار آزاد واگذار شود چرا که این حقیقت، بیشتر از مواقع دیگر احساس می‌شود.

محمدباقر قالیباف نیز به تازگی در یک همایش ضمن درخواست از قوه قضائیه برای نظارت بر بازار گفته است: «در شرایط جنگ اقتصادی، دولت‌ها ناگزیر از دخالت در اقتصاد هستند. اقتصاد آزاد در شرایط عادی معنا دارد، اما در شرایط فشار و جنگ اقتصادی، کنترل بازار و اقتدار اقتصادی ضروری است.» به نظر می‌رسد که اگر دولت و قوه قضائیه بر مبنای وظایف قانونی خود به نظارت بر بازار تن بدهند و با جلوگیری از نرخ‌های بی‌قاعده مشغول حراست از بازه قیمت‌های رقابتی بشوند؛ مردم اثرات ارزانی و نرخ‌های معقول را در کوتاه مدت احساس خواهند کرد و آنگاه است که بن کالابریک دولتی می‌تواند اثرات مهمی در معیشت مردم ایفا کند.

محسن زنگنه عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در گفت‌وگو با صبح صادق

منابع برای افزایش حقوق‌ها وجود دارد



ساحل عباسی

خبرنگار

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفت: وقتی علی‌رغم درخواست و مطالبه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دولت در خصوص میزان حقوقی که به کارمندان و کارکنان خود و برخی نهادهای داده می‌شود روشنگری نمی‌کند، یعنی دولت این اطلاعات را به صورت شفاف به مجلس شورای اسلامی ارائه نمی‌دهد طبیعتاً بدون داشتن اطلاعات کافی نمی‌توان نسخه درستی نیز در این خصوص پیچید

محسن زنگنه عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با صبح صادق در خصوص موضوع افزایش حقوق و دستمزد و چالش‌های پیش‌روی شفاف‌سازی این موضوع برای مجلس در تحمیل فشار به دولت برای بهبود وضعیت معیشتی کارمندان و کارگران به چند نکته مهم اشاره کرد و گفت: یکی از موضوعاتی که شک و تردیدی در آن برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی وجود ندارد و بدان به عنوان یکی از اصلی‌ترین مطالبات مردم توجه ویژه‌ای دارند موضوع افزایش حقوق و دستمزد است اما با جرئت و صراحت می‌توان گفت به علت عدم همکاری دقیق و شفاف دولت با مجلس در این زمینه چالش‌هایی وجود دارد که تاکنون رفع نشده است.

وی در این باره خاطر نشان کرد: وقتی علی‌رغم درخواست و مطالبه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دولت در خصوص میزان حقوقی که به کارمندان و کارکنان خود و برخی نهادهای داده می‌شود روشنگری نمی‌کند، یعنی دولت این اطلاعات را به صورت شفاف به مجلس شورای اسلامی ارائه نمی‌دهد طبیعتاً نمی‌توان در این خصوص نسخه درستی پیچید.

محسن زنگنه تصریح کرد: متأسفانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دلیل عدم همکاری دقیق و شفاف دولت به فایلهای پرداختی حقوق و دستمزد دولت دسترسی ندارند. فایلهای

که عموماً شامل حقوق و دستمزد دستگاه‌ها، سازمان‌ها، قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، نظام شرکت‌ها و بانک‌های دولتی، نهادهای سازمان‌های عمومی غیردولتی و سایر حوزه‌ها می‌شود. طبیعتاً وقتی اطلاعات دقیق و دسترسی در اختیار نمایندگان مجلس نیست آنها نیز نمی‌توانند تصمیم درستی در این حوزه اتخاذ کنند

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: وقتی دولت اطلاعات دقیقی در اختیار نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار نمی‌دهد که درباره آن بتوانیم تصمیم درست و قطعی بگیریم ابزاری برای فشار به دولت در موضوع افزایش حقوق و دستمزد نداریم. به بیان دیگر وقتی دولت در همین حد به ما می‌گوید که قرار است حقوق و دستمزد را در بودجه ۲۵۰۰ همت افزایش دهیم و اگر به این رقم مثلاً ۱۰ درصد اضافه شود این میزان بار مالی دولت افزایش می‌یابد و در حد توان پرداختی دولت نیست این نتیجه حاصل می‌شود آنچه دولتمردان در خصوص حقوق و دستمزد به ما می‌گویند بیشتر به صورت شفاهی و نه کتبی است و این موضوع با سند و مدرک مطرح نمی‌شود که ما بتوانیم بر این اساس راه حل‌ها و پیشنهادات خود را ارائه کنیم، پس لازم به ذکر است که مجلس شورای اسلامی در خصوص نوع و میزان مدل پرداختی دولت به کارکنان خود و سازمان‌های مختلف سندی در اختیار ندارد که از سوی دولت به صورت موثق ارائه شده باشد تا مجلس بر آن اساس به صورت دقیق درباره تعیین نمودن حقوق و دستمزد بتواند تصمیمی اتخاذ کند.

محسن زنگنه خاطر نشان کرد: به نظر می‌رسد دولت حاضر به شفاف‌سازی در عرصه‌های مختلفی نیست که یکی از آنها همین موضوع حقوق و دستمزد است. در واقع در موضوع حقوق و دستمزد اعداد مطرح شده از جمله بار هزینه‌ای و بودجه‌ای روی دوش دولت اعداد کلی است و جزییاتی از آن در اختیار ما نیست که بتوانیم

قضاوت درستی راجع به آن داشته باشیم. علی‌رغم اینکه انتظار می‌رود دولت خود در این موضوع شفافیت لازم را به خرج دهد اما گاهی شاهد بوده‌ایم که آمارهایی از برخی حسابداری نهادهای ارگان‌های دولتی و نیمه دولتی بیرون می‌آید و اخباری درباره میزان حقوق و دریافتی آنها منتشر می‌شود که بعضاً مورد انتقاد مردم قرار می‌گیرد. مردم باید بدانند متأسفانه مجلس به میزان حقوق و دستمزد دسترسی لازم را ندارد لذا نمی‌تواند براساس واقعیت‌های پرداختی به کارکنان دولت تصمیم بگیرد و ورود جدی و اثرگذاری به نفع افرادی که حقوق و دستمزد بالایی از سوی دولت دریافت نمی‌کنند داشته باشد.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی معتقد است: به عنوان مثال چند وقتی است پیگیر این موضوع هستم یعنی برای این موضوع با سازمان امور استخدامی مکاتباتی داشتم اما آنها بیان می‌کنند ما فقط حقوق وزارتخانه‌ها را در اختیار داریم. با اینکه سعی می‌کنند به ما کمک کنند اما فایلهایی که می‌خواهیم به ما داده شود به صورت روشن و شفاف در اختیار ما قرار نمی‌گیرد و یک میانگین یا کلیات برای مجلس ارسال می‌شود.

محسن زنگنه خاطر نشان کرد: متأسفانه دسترسی به حقوق سایر نهادهای مثل قوه قضائیه یا خود مجلس و دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی را نداریم به این موارد ۲ میلیون نفر بازنشستگان کشوری و لشکری را نیز بیافزاید با این حال در بررسی‌های به عمل آمده براساس منابع دولت متوجه شدیم منابع لازم برای افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی حقوق و دستمزد را در اختیار داریم یعنی دولت در منابع خود کم برآوردی کرده است، لذا از نگاه ما با منابع موجود نیز امکان افزایش حقوق‌ها وجود دارد اما به دلیل عدم وجود شفافیت نمی‌توانیم در جزییات این موضوع وارد شویم.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه ادامه داد: البته معتقدم ممکن است پلکانی بودن افزایش حقوق نیز رأی نیاورد. چرا که تاکنون نه کمیسیون تلفیق و نه مجلس، به‌صورت رسمی وارد تصویب

افزایش حقوق نشده‌اند. زنگنه در خصوص همسان‌سازی حقوق بازنشستگان در سال ۱۴۰۵ اظهار داشت: همسان‌سازی حقوق‌ها، تکلیف مشخصی در قانون دارد و دولت باید آن را اجرا کند. در این میان، به نظر می‌رسد اشتباهی صورت گرفته و رئیس سازمان برنامه و بودجه به اشتباه گفت؛ همه ۲۰ درصد افزایش حقوق دارند و بازنشستگان حقوق‌شان ۱۰ درصد بیشتر افزایش پیدا می‌کند که این نادرست است.

این نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی یادآور شد: به نظر می‌رسد مهمترین عرصه‌ای که دولت در آن کم برآوردی دارد موضوع قیمت ارز است، حوزه‌ای که با توسل به آن می‌تواند در موضوع افزایش حقوق و دستمزد به نفع مردم اقداماتی صورت دهد.

وی در این باره تصریح کرد: بین نرخ ارز ترجیحی با نرخ ارز به‌بازار آزاد تفاوت و اختلاف قیمتی بسیار جدی وجود دارد پس عملاً دولت‌های مختلف می‌توانسته‌اند حقوق و دستمزد مردم را به بیش از نرخ‌هایی که تا سال‌های گذشته مقرر شده برسانند و افزایش دهند اما این کار را نکرده‌اند زیرا از مابه‌التفاوت نرخ ارز ترجیحی و به‌بازار آزاد منابع زیادی برای دولت ایجاد شده است بنابراین دولت از طریق این میزان مابه‌التفاوت می‌تواند حتی حقوق‌ها را تا ۴۰ درصد نیز افزایش دهد.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی معتقد است: در موضوع افزایش حقوق و دستمزد برای تحرک در بازار و عرضه بیشتر کالا، بالا رفتن گردش حساب تولیدکننده و بازاری که به واسطه افزایش قدرت خرید مشتری یا مصرف‌کننده نهایی منجر می‌شود باید به صورت جدی وارد شد. وجود رکود تورمی اقتصاد و بازار را از درون دچار چالش‌های اساسی کرده لذا باید با راهکارهای درست، زمینه‌ها را برای تحریک تقاضا و افزایش تولید و عرضه و خرید مردم باز کنیم.

شاخص

جهش صادرات

اخیراً اداره اطلاعات انرژی آمریکا اعلام کرده است علیرغم تحریم‌های بی‌سابقه علیه صنعت نفت کشور، تولید روزانه نفت ایران در شهریور ۱۴۰۴ با جهشی ۲۵۰ هزار بشکه‌ای به بالاترین میزان خود از زمان جنگ ۱۲ روزه رسیده است. این رشد چشمگیر، بیشترین افزایش تولید نفت ایران را در بازه زمانی اخیر نشان می‌دهد. بر اساس این گزارش، تولید روزانه نفت ایران از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در ماه اوت به ۳ میلیون و ۴۵۰ هزار بشکه در ماه سپتامبر افزایش یافته است؛ افزایشی ۲۵۰ هزار بشکه‌ای که پس از جنگ ۱۲ روزه به بالاترین سطح بازگشته است.



منهای نفت

۱۰۰هزار تن

از ابتدای امسال تا پایان آذرماه، ۸۳ هزار تن تخم‌مرغ به بازارهای هدف صادر شده است؛ البته طی یک ماه اخیر صادرات به منظور تنظیم بازار داخلی متوقف شده بود که در این روزها دوباره آغاز شده است. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال حجم صادرات به ۱۰۰ هزار تن برسد. افزایش صادرات تخم‌مرغ علاوه بر افزایش نیروی کار، ارزآوری قابل توجه‌ای را برای کشور به ارمغان خواهد آورد. البته به دلیل افزایش هزینه‌های ناشی از حذف یکپاره ارز، واحدهای تولیدی نیازمند تأمین سرمایه در گردش هستند تا فعالیت خود را افزایش دهند.



افزوده

لات(lot) چیست؟

یکی از مهم‌ترین نکاتی که باید قبل از ورود به هر بازاری به آن توجه داشت، آگاهی از مفاهیم و تعاریف آن بازار است؛ به گونه‌ای که در همه بازارها چه فیزیکی و چه غیر فیزیکی واحدی برای اندازه‌گیری میزان تبادلات و معاملات وجود دارد. در بازار جهانی نیز واحد اندازه‌گیری حجم معاملات لات نام دارد. آشنایی با مفهوم لات از این نظر بسیار مهم است که در میزان ریسک یک معامله و همین‌طور میزان سود یا ضرر احتمالی آن نقش بسزایی دارد؛ به گونه‌ای که چهار نوع لات با عناوین لات استاندارد، مینی‌لات، میکرولات و نانولات وجود دارد.



خوش اخلاق ترین مردم باش

گفتاری از **حجت الاسلام حبیب الله فرحزاد به بهانه مبعث پیامبر اعظم (ص)**



می‌شود، حُسن خلق است. همچنین پیامبر(ص) می‌فرماید: «کسی که اخلاقش نیکوتر است، در روز قیامت در همشینی به من نزدیک تر است.» پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «سزاوارترین مردم به من در روز قیامت کسی است که در دنیا بیشتر از هر کس بر من صلوات بفرستد.» هر کس، کسی یا چیزی را بسیار یاد کند، یا خاطر خواه آن است، یا خاطرخواه خواهد شد. این دو لازم و ملزوم اند. انسان اگر چیزی را دوست نداشته باشد، از آن یادی

پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «کودکان را به خاطر پنج خصلت دوست دارم: اول آن که بسیار می‌گریند؛ دوم آن که با خاک بازی می‌کنند؛ سوم آن که بدون کینه نزاع و دشمنی می‌کنند؛ چهارم آن که چیزی را برای فردا ذخیره نمی‌کنند؛ پنجم آن که می‌سازند، آن‌گاه خراب می‌کنند. چند دسته به پیامبر خدا(ص) نزدیک هستند. یک دسته کسانی هستند که مهر و محبت پیامبر(ص) در دل‌شان زیاد است. در روایات فراوانی آمده است که هر کس محبتش بیشتر است، به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نزدیک‌تر است. محبت وسیله حشر و نشر است. «مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُسِرَ مَعَهُمْ»؛ کسی که گروهی را دوست داشته باشد، با آنان محشور می‌شود.(بحارالأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳) محبّ هر چند در ظاهر سنخیتی با محبوب نداشته باشد، ولی بالاخره به او می‌رسد. یعنی محبت عامل رسیدن محبّ به محبوب و محشور شدن با اوست. محبت علت انضمام است. از دیگر چیزهایی که موجب قرب به پیامبر خدا(ص)

خوشبختی در رشد همه انسان هاست



سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

آفرینش انسان، حکایت امانتی سنگین و حرکتی روبه تعالی است. خداوند متعال در قرآن کریم با صراحت تمام، هدف از آفرینش انسان را عبادت می‌داند: «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) اما این عبادت، مناجات در خلوت نیست، بلکه تربیتی همه‌جانبه در آزمایشگاهی به نام «دنیا» است. آزمایشگاهی که تمام وسایل رشد، هم مادی و هم معنوی، در آن فراهم آمده است. آسمان پرستاره، زمین سرسبز، عقل پویا، فطرت خداجو و پیامبران راهنما، همه و همه ابزار این مسیر تکاملی هستند. پس چرا انسان، این موجود برگزیده، با وجود این همه عطایای بی‌منت، زندگی را بر خود و هم‌نوعانش تلخ کرده است؟ چرا به‌جای بهشت موعود، دوزخ اختلاف، فقر، جنگ و اضطراب ساخته‌است؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ را باید در همان نقطه‌ای جست‌وجو کرد که خلقت از آن آغاز شد: «خود». آفت بزرگ بشر امروز، «خودمحوری مرضی» است؛ اندیشه‌ای که فکر می‌کند سعادت او در انحصار طلبی، انباشت ثروت، قدرت و لذت برای خویش است. او گمان می‌برد دنیا صحنه‌ای برای رقابت است، نه تعاون؛ میدان «من فقط باید برسم» است، نه «همه با هم باید برسیم»! این نگاه، محصول نادانی عمیقی نسبت به سرشت خود و نظام عالم است. انسان وقتی خود را محور جهان ببیند، دیگران را یا دشمن یا ابزار یاریقیی خطرناک می‌پندارد. در چنین منظری، کمک به رشد دیگران نه تنها ارزش نیست، بلکه خطری برای

سه معجزه‌گر

آیت‌الله سیدرضا بهاءالدینی: سه چیز برای حل معضلات و گرفتاری خیلی مؤثر است. اولی، کشتن گوسفند؛ کسانی که تمکن مالی دارند، گوسفند ذبح کنند و به فقرا بدهند. دومی، حدیث کساء است، «و ادفعوا أُمُوجَ البلاءِ بالدَّعاء»، پیامبر اکرم(ص) چندبار قسم خوردند که اگر کسی این حدیث را بخواند، اگر غمگین باشد، غمش برداشته می‌شود، صاحب حاجت حاجتش برآورده می‌شود. سومی هم، چهارده هزار مرتبه صلوات فرستادن است. حالا چهارده هزار مرتبه را چند نفر یا در چند جلسه بفرستند فرقی نمی‌کند.



استفاده از بیت‌المال!

پرسش: چنانچه شخصی نیاز به استفاده از تلفن اداره جهت انجام امور شخصی داشته باشد و مسئول مربوطه نیز با وی هماهنگ باشد، حکم شرعی آن چیست؟
پاسخ: به طور کلی استفاده کارمندان از امکانات بیت‌المال در ساعات رسمی کار به مقدار متعارفی که مورد ضرورت و نیاز است و شرایط کاری بیانگر اذن به کارمندان در این مقدار از استفاده است، اشکال ندارد و همچنین استفاده از امکانات بیت‌المال با اذن کسی که از نظر شرعی و قانونی حق اذن دارد، بدون اشکال است. در نتیجه اگر تصرّفات شخصی انسان در بیت‌المسال به یکی از دو صورت مذکور باشد، چیزی در این رابطه به عهده او نیست، ولی اگر از اموال بیت‌المال استفاده غیر متعارف کند و یا بدون اذن کسی که حق اذن دارد، بیشتر از مقدار متعارف استفاده نماید، ضامن آن است و باید عین آن را اگر موجود باشد به بیت‌المال برگرداند و اگر تلف شده باشد، باید عوض آن را بدهد؛ همچنین باید اجرة‌المثل استفاده از آن را هم در صورتی که اجرت داشته باشد به بیت‌المال بپردازد.

استفتائات رهبر معظم انقلاب

از دوستان می‌گفت: در یکی از محله‌ها رفت و آمد داشتیم. دیدم بچه‌ها، جوان‌ها و مردم می‌آیند و به من سلام می‌کنند. این مسئله برایم غیر عادی بود. تعجب کردم. حس کنجکاوی باعث شد در این باره تحقیق کنم. پس از تحقیق معلوم شد در این کوچه یک روحانی با آداب و با اخلاق اسلامی زندگی می‌کند. از اول صبح تا شب با هر کس رویه‌رو می‌شود سلام می‌کند. این سیره پیامبر خدا(ص) را در این محله عملی کرده تا جافتاده است. ببینید اگر یک سیره را پیاده کنیم، چقدر آثار و برکات دارد... سلام نام خداست. به نیت خدا و به نیت این که سیره پیامبر(ص) جدا یفتد، سلام کنید. وقتی وارد خانه می‌شوید، به خانم و فرزندان‌تان سلام کنید. اگر هم کسی در خانه نیست، بگویید: «اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا مِنْ عِنْدَ رَبِّنَا»؛ چون در قرآن آمده است: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَیْ أَنْفُسِكُمْ تَحِیَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَیِّبَةٌ»؛ این سلام چقدر زیبا و قشنگ است! در حقیقت سلامی از جانب خداست.

خوشبختی در رشد همه انسان هاست

دشمن، برای هدایت گمراه، برای شغای بیمار و برای سربلندی همه انسان‌ها دعا کنیم. این خود، تمرین بزرگی برای فرار از خودمحوری است. راه نجات از رنجی که خود ساخته‌ایم، بازگشت به فطرت ارتباطی و تعاملی خویشن است. قرآن راه ساده این نجات جمعی را نشان می‌دهد. همکاری بر اساس نیکی و پرهیزگاری، نه گناه و تجاوز. این همکاری، زنجیره‌ای از نور است که جامعه را از تاریکی خودخواهی نجات می‌دهد. وقتی من برای موفقیت تو تلاش می‌کنم و تو برای پیشرفت او، در نهایت این چرخه به خود من باز خواهد گشت. جامعه‌ای که بر این اساس بچرخد، دیگر شاهد ثروت‌های بادآورده در کنار فقر تحقیرآمیز نخواهد بود، دیگر شاهد رقابت‌های مخرب نخواهد بود و اضطراب ناشی از ترس از آینده و دیگری، جای خود را به آرامش ناشی از اعتماد و پشتیبانی متقابل خواهد داد.

بنابراین، خوشبختی حقیقی، در جزیره‌ای دورافتاده از دیگران به دست نمی‌آید. خوشبختی در قله‌ای قرار دارد که تنها با هم‌یاری و بالا بردن یکدیگر می‌توان به آن رسید. بیایم این برادری فطری را از زیر خوراه‌ها خودخواهی و غفلت بیرون کشیم. بیاییم مصداق «مُصْلِحِینَ بَیْنَ النَّاسِ» باشیم؛ نه با شعار، که با عمل. با یک کلمه نصیحت به موقع، با یک کمک مادی بی‌آلایش، با یک دعای خالصانه در دل شب برای همه آنان که می‌شناسیم و نمی‌شناسیم. آنگاه خواهیم دید که چگونه آرامش، که گمشده انسان امروز است، نه از طریق انباشت ثروت، که از طریق بخشیدن و مشارکت، به زندگی مسان بازمی‌گردد. چرا که خداوند وعده داده است: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَاثِمًا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

مبارزه با زره تقیه

با توجه به منابع تاریخی در زندگی امام موسی کاظم(ع) سه نکته بیشتر اهمیت دارد به گونه‌ای که راوی می‌گوید من وارد اتاق موسی‌بن جعفر شدم دیدم سه چیز است؛ نخست لباس جنگی است. این لباس را حضرت به صورت نماد آنجا گذاشتند، نپوشیدند. بعد «و سیفٌ مُّعلَقٌ» شمشیری که از سقف یادوار آویخته شده است؛ «و مُصْحَفٌ» و یک قرآن. این موضوع نشان می‌دهد که در اتاق خصوصی حضرت نشانه‌های یک آدم جنگی مکتبی، مشاهده می‌شود. شمشیری که برای جهاد است. لباس خشنی که وسیله، زندگی خوشن‌ت‌بار رزمی و انقلابی است؛ و قرآنی که هدف را نشان می‌دهد.



دین

شماره ۱۲۲۱ | دوشنبه ۲۲ دی ۱۴۰۴

صداق

راز آرامش در دل سختی‌ها

گروه معارف

صبح صادق

شاید به توان ادعا کرد که آرامش و آسوده زیستن گمشده این روزهای جامعه بشری است. مسئله‌ای که بیشتر از آنکه در بیرون از ذهن آدمی و در میان مادیات باشد در درون انسان و در میان ذهن و قلب انسان جاری است. بنابراین می‌توان گفت که آسوده زیستن بیش از آنکه به فراهم بودن امکانات بیرونی وابسته باشد، به نحوه دیدن و تفسیر ما از زندگی گره خورده است. و تفسیر ما از زندگی بر سه اساس آسودگی، تمرین یکی از لوازم مهم این آسودگی، تمرین «ندیدن بدی‌ها» به معنای نادیده گرفتن آگاهانه حواشی فرساینده، خطاهای جزئی دیگران و تلخی‌هایی است که سودی در بازگویی و نشخوارشان نیست. انسانی که مدام چشمش به کاستی‌ها و لغزش‌هاست، آرامش را به دست خود قربانی می‌کند. گاهی گذشتن از برخی بدی‌ها، نه نشانه‌ی سادگی، بلکه علامت بلوغ روانی و قدرت درونی است؛ قدرتی که اجازه نمی‌دهد هر ناملایمתי تعادل روح را برهم بزند.

مثبت‌بینی نه به معنای انکار واقعیت، بلکه هنر دیدن جنبه‌های روشن در دل واقعیت‌های پیچیده است. مثبت‌بینی کمک می‌کند انسان به جای تمرکز افراطی بر آن‌چه ندارد یا آنچه از دست رفته، ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و داشته‌هایش را ببیند و از آنها نیرو بگیرد. چنین نگاهی، امید را زنده نگه می‌دارد و زندگی را از میدان فرسایش روانی به عرصه رشد و معنا تبدیل می‌کند

اینکه امام علی(ع) می‌فرماید: «اَغْضُ عَلَى الْقَذَى وَالْأَلَمِ، تَرْضَ أَبَدًا؛ بر آزارها و رنج‌ها چشم‌پوش، تا همیشه خشنود باشی.» از این رو است که بخش بزرگی از ناآرامی‌های انسان نه از خود درد، بلکه از توقف ذهن بر آن و بزرگ‌کردنش پدید می‌آید.

مسلم است که این حدیث، دعوت به بی‌حسی یا انفعال نمی‌کند بلکه به ما آموزش یک انتخاب هوشمندانه را می‌دهد («اغضاء» یعنی آگاهانه دیدن و آگاهانه گذشتن؛ یعنی انسان بدی را می‌شناسد اما اسیر آن نمی‌شود. چنین نگاهی، همان مثبت‌بینی عقلا نه‌ای است که امام علی(ع) به آن رهنمون می‌شود؛ مثبت‌بینی‌ای که از دل واقعیت عبور می‌کند و به آرامش می‌رسد. رضایت همیشگی، محصول همین مهارت است: مهارت سبک‌کردن بار دل با نادیده گرفتن آنچه ارزش فرسودن روح را ندارد.

در کنار آن، امام علی(ع) در بیانی دیگر می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَنْجِهِ الصَّبْرَ، أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ»؛ کسی که صبر او را نجات ندهد، بی‌تابی و جزع او را به هلاکت می‌کشاند.» این کلام، ادام‌ی همان منطق آرام‌یستی است که در چشم‌پوشی از آزارها مطرح شد. صبر در منطق علوی، تحمل متعلانه نیست، بلکه ایستادگی آگاهانه در برابر فشارهاست. انسانی که صبر را کنار می‌گذارد، به جزع پناه می‌برد؛ و جزع، پیش از آنکه مشکل را حل کند، روح انسان را فرسوده و عقل را از تدبیر تهی می‌کند. در کنار «اغضاء» از بدی‌ها، صبر حلقه مکمل آرامش است؛ چرا که ندیدن برخی تلخی‌ها بدون صبر، دوام نمی‌آورد. جزع، درد را چند برابر و انسان را از مسیر رضایت خارج می‌کند، اما صبر نگاه را متعادل و دل را استوار نگه می‌دارد. در مکتب امام علی(علیه‌السلام)، آسوده زیستن نتیجه کنار هم قرار گرفتن این فضیلت‌هاست: چشم‌پوشی خردمندانه، صبر سنجیده و پرهیز از واکنش‌های شتاب‌زده.

۸ پرونده
شماره ۱۲۲۱ دوشنبه ۲۲ دی ۱۴۰۲
مسابق
مروری بر سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا علیه دولت‌های جهان

شکستن

یک خط قرمز تاریخی

وقتی مصونیت سران دولت‌ها فرو می‌ریزد



یکی از ستون‌های اصلی نظم حقوق بین‌الملل معاصر، اصل مصونیت سران دولت‌ها و مقامات عالی‌رتبه است؛ اصلی که اگر چه در برخی اسناد به‌صراحت نیامده، اما در رویه بین‌المللی، عرف دیپلماتیک و ساختار روابط میان دولت‌ها جایگاهی بنیادین دارد. این مصونیت نه از سر تقدیس قدرت سیاسی، بلکه برای جلوگیری از فروغلتیدن نظام بین‌الملل به هرج‌ومرج و انتقام‌جویی متقابل شکل گرفته است.

تحولات اخیر مرتبط با ونزوئلا و بازداشت رئیس‌جمهور مستقر این کشور، بار دیگر این پرسش اساسی را به میان آورده است که آیا این اصل دیر یا همچنان معتبر است یا جهان وارد مرحله‌ای تازه شده که در آن قدرت نظامی و سیاسی جایگزین قواعد حقوقی می‌شود. اگر پاسخ به این پرسش مثبت باشد، پیامدهای آن بسیار فراتر از یک پرونده یا یک کشور خواهد بود.

در حقوق بین‌الملل کلاسیک، تمایز روشنی میان «مسئولیت کیفری فردی» و «مصونیت مقام رسمی» وجود دارد. حتی در مواردی که رهبران سیاسی به ارتکاب جرایم سنگین متهم شده‌اند، رسیدگی به این اتهامات باید از مسیر نهادهای بین‌المللی معتبر، نظیر دادگاه کیفری بین‌المللی یا سازمان‌کارهای مورد توافق جمعی عبور کند. این مسیرها دقیقاً برای جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی قدرت‌ها طراحی شده‌اند.

دور زدن این سازوکارها و تکیه بر قوانین داخلی یک کشور برای بازداشت یا محاکمه رهبر کشور دیگر، نقطه‌ای است که حقوق بین‌الملل را به‌شدت تضعیف می‌کند. اگر هر دولت بتواند بر اساس تعریف خود از جرم، اقدام به تعقیب رهبران سیاسی سایر کشورها کند، اصل حاکمیت ملی عملاً تهی از معنا خواهد شد و جهان وارد مرحله‌ای از بی‌ثباتی حقوقی می‌شود.

دفاع ایالات متحده از چنین اقداماتی معمولاً بر دو پایه استوار است: اتهامات کیفری سنگین و ادعای تهدید امنیت ملی. اما پرسش اساسی اینجاست که چه کسی مرجع تشخیص این تهدید است؟ در یوردیک مرجع بی‌طرف بین‌المللی، پاسخ این پرسش ناگزیر به نفع قدرتمندترین بازیگر تمام می‌شود؛ امری که با روح حقوق بین‌الملل در تضاد آشکار قرار دارد.

تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که این روند تازه نیست، اما اکنون وارد مرحله‌ای علنی‌تر و پی‌ده‌تر شده است. بازداشت مانوئل نوریگا در پاناما در سال ۱۹۸۹، در زمان خود یک استثنا تلقی می‌شد؛ اقدامی که بسیاری از دولت‌ها آن را نقض آشکار حاکمیت ملی دانستند. با این حال، همان استثنا به‌تدریج به الگویی قابل تکرار تبدیل شده است.

آنچه امروز رخ می‌دهد، صرفاً بازداشت یک رئیس‌جمهور نیست، بلکه تعریف جدیدی از مشروعیت در نظام بین‌الملل است؛ تعریفی که در آن، قدرت نظامی و اقتصادی می‌تواند جایگزین اجماع حقوقی شود. این تحول، پیام‌روشنی برای دیگر کشورها دارد: مصونیت سیاسی، تضمین‌شده نیست و به میزان قدرت و هم‌پیمانی‌های بین‌المللی شما وابسته است.

پیامد چنین برداشتی، افزایش ناامنی ساختاری در روابط بین‌الملل است. رهبران کشورهایی که خود را در معرض فشار قدرت‌های بزرگ می‌بینند، ممکن است به این نتیجه برسند که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. این وضعیت می‌تواند به رفتارهای رادیکال‌تر، امنیتی‌تر و حتی پیش‌دستانه در سیاست خارجی کشورها منجر بشود؛ روندی که خطر درگیری‌های گسترده‌تر را افزایش می‌دهد.

در این میان، نقش نهادهای بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری زیر سؤال رفته است. سکوت یا واکنش‌های خشن سازمان‌هایی که وظیفه پاسداری از نظم حقوقی جهانی را بر عهده دارند، این برداشت را تقویت می‌کند که قواعد بین‌المللی به‌طور گزینشی اجرا می‌شوند. چنین برداشتی، اعتماد به قانون را فرسوده و منطق زور را تقویت می‌کند.

اگر این مسیر ادامه یابد، جهان ممکن است وارد عصری شود که در آن دادگاه‌ها جای خود را به ناوها و تحریم‌ها بدهند و اختلافات سیاسی نه در میز مذاکره، بلکه در میدان قدرت حل‌وفصل شوند. در چنین جهانی، کشورهای ضعیف‌تر بیشترین آسیب را خواهند دید، اما در نهایت، بی‌ثباتی دامن همه را خواهد گرفت.

شکستن خط قرمز مصونیت سران دولت‌ها شاید در کوتاه‌مدت به‌عنوان ابزاری کارآمد برای اعمال فشار سیاسی تلقی شود، اما در بلندمدت هزینه‌ای سنگین برای نظم جهانی به همراه دارد. حقوق بین‌الملل زمانی معنادار که حتی قدرتمندترین بازیگران آن نیز خود را مقید به آن بدانند. در غیر این صورت، آنچه باقی می‌ماند نه نظم، بلکه قانون جنگل در پوشش قانون خواهد بود.



را مخدوش کرده و نظم حقوق بین‌الملل را با چالش جدی مواجه ساخته است.

سیدعباس خادم الحسینی

خبرنگار

اقدام اخیر ایالات متحده علیه ونزوئلا و دستگیری نیکولاس مادورو، اگرچه در نگاه نخست رخدادی شوک‌آور و بی‌سابقه به نظر می‌رسد، اما در بستر تاریخ سیاست خارجی آمریکا، رویدادی آشناست. واکنشکن طی دهه‌های گذشته بارها نشان داده که در مواجهه با دولت‌هایی که آنها را «تهدید» یا «نامطلوب» می‌داند، از مداخله مستقیم نظامی تا بازداشت رهبران سیاسی ابایی ندارد. بررسی این پیشینه تاریخی نشان می‌دهد **ونزوئلا** تازمت‌رین حلقه از زنجیره‌ای قدیمی است.

♦ **پرونده‌سازی حقوقی؛**

وقتی دادگاه جای دیپلماسی را می‌گیرد

در بسیاری از مداخلات آمریکا، پیش از هر اقدام نظامی یا سیاسی، یک مرحله کلیدی وجود دارد: ساخت روایت حقوقی. تشکیل پرونده‌های قضایی علیه رهبران سیاسی کشورهای هدف، ابزاری بوده که واکنشکن از آن برای مشروع جلوه دادن اقدامات خود در افکار عمومی استفاده کرده است.

نمونه بارز این رویکرد را می‌توان در اتهامات مطرح‌شده علیه مانوئل نوریگا در پاناما و نیکولاس مادورو در ونزوئلا مشاهده کرد. در هر مورد، اتهاماتی مانند قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان‌یافته مطرح شد؛ اتهاماتی که امکان معرفی عملیات نظامی به‌عنوان «اجرای قانون» را فراهم می‌کرد.

منتقدان این شیوه معتقدند که چنین پرونده‌هایی بیش از آنکه حقوقی باشند، ابزاری سیاسی دارند. به باور آن‌ها، تبدیل دادگاه به ابزار سیاست خارجی، مرز بین عدالت و قدرت است؟

♦ **عراق ۲۰۰۳؛**

سرنگونی حکومت با ادعای امنیت جهانی

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نمونه‌ای دیگر از مداخله‌ای گسترده‌تر اما با منطق مشابه بود. واکنشکن با ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی، حمله‌ای تمام‌عیار را آغاز کرد

که به سقوط حکومت صدام حسین انجامید. بعدها مشخص شد که ادعای اصلی آمریکا مبنای مستحکمی نداشته است. صدام حسین دستگیر، محاکمه و در نهایت اعدام شد؛ روندی که اگرچه توسط دادگاه عراقی انجام شد، اما تحت نفوذ مستقیم نیروهای اشغالگر صورت گرفت. این تجربه نشان داد که آمریکا در صورت لزوم، حاضر است کل ساختار سیاسی یک کشور را دگرگون کند.

پیامدهای این مداخله هنوز هم ادامه دارد. بی‌ثباتی مژمن عراق، ظهور گروه‌های افراطی و هزینه‌های انسانی و اقتصادی سنگین، نمونه‌ای از تبعات بلندمدت چنین تصمیماتی است. بسیاری از ناظران هشدار می‌دهند که سناریوهای مشابه می‌تواند در سایر نقاط جهان نیز تکرار شود.

♦ **پاناما ۱۹۸۹؛**

اولین الگوی بازداشت یک رئیس‌جمهور

حمله نظامی آمریکا به پاناما در سال ۱۹۸۹ نقطه عطفی در تاریخ مداخلات مستقیم واکنشکن بود. در جریان عملیات موسوم به «هدف عادلانه»، نیروهای آمریکایی وارد پاناما شدند و مانوئل نوریگا، رئیس‌جمهور وقت این کشور را بازداشت کردند. نوریگا بدون هیچ روند قضایی داخلی، مستقیماً به خاک آمریکا منتقل شد.

آمریکا پس اقدام را با اتهاماتی نظیر قاچاق مواد مخدر و تهدید امنیت ملی توجیه کرد. با این حال، بسیاری از تحلیلگران این عملیات را نقض آشکار حاکمیت یک کشور مستقل دانستند. شورای امنیت سازمان ملل نیز این حمله را محکوم کرد، هر چند مخالفت‌ها نتوانست مانع اجرای عملیات‌شود.

الگوی پاناما شباهت‌های قابل توجهی با **آنتیگنا و بلیز**!

ونزوئلا رخ داده دارد؛ از استفاده از پرونده‌های قضایی رای مشروع‌سازی اقدام نظامی گرفته تا انتقال رئیس‌جمهور یک کشور به دادگاه‌های فدرال آمریکا. همین شباهت‌هاست که بار دیگر این سؤال را مطرح می‌کند: آیا تاریخ در حال تکرار است؟

♦ **عراق ۲۰۰۳؛**

سرنگونی حکومت با ادعای امنیت جهانی

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نمونه‌ای دیگر از مداخله‌ای گسترده‌تر اما با منطق مشابه بود. واکنشکن با ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی، حمله‌ای تمام‌عیار را آغاز کرد

ونزوئلا تنها نیست

مرور الگوی مداخله آمریکا از پاناما تا بغداد

نشان می‌دهد که اقدام آمریکا علیه ونزوئلا نه یک استثنا، بلکه بخشی از یک الگوی تاریخی مداخله است. الگویی که همواره با شمار امنیت و قانون آغاز می‌شود، اما پیامدهای آن سال‌ها باقی می‌ماند. آینده نشان خواهد داد که ونزوئلا نیز به یکی دیگر از این فصل‌های پر هزینه تاریخ سیاست خارجی آمریکا تبدیل خواهد شد یا نقطه‌ای برای تغییر این مسیر خواهد بود.



بین‌المللی عمدتاً به صدور بیانیه‌های کلی بسنده کرده‌اند؛ بیانیه‌هایی که تأثیر عملی چندانی بر روند تحولات نداشته است. این وضعیت، پرسش‌های جدی درباره کارآمدی نظام تحلیلگران هشدار می‌دهند که تداوم این سکوت، می‌تواند به تضعیف مشروعیت ساختارهای جهانی بینجامد. در جهانی

که قواعد آن به‌طور گزینشی اجرا می‌شود، قدرت جای‌قانون را می‌گیرد و کشورها بیش از پیش به سمت رفتارهای یک‌جانبه سوق داده می‌شوند.

♦ **جمع‌بندی**

مرور تجربه‌های پاناما، عراق، افغانستان، لیبی و دیگر کشورها

واکنشکن بارها دولت‌های چپ‌گرا یا مستقل را تهدید می‌کند. منافع خود دانسته است.

در بسیاری از این موارد، آمریکا به جای مداخله نظامی آشکار، از ابزارهای چپ‌ون تحریم اقتصادی، حمایت از مخالفان مسلح و عملیات اطلاعاتی استفاده کرده است. نتیجه این سیاست‌ها اغلب بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در کشورهای هدف بوده است.

ونزوئلا در این چارچوب، یک استثنا نیست؛ بلکه ادامه همان سنتی آمریکاست که هرگونه استقلال سیاسی در نیم‌کره غربی را خطری بالقوه تلقی می‌کند.

♦ **ونزوئلا؛**

بازگشت به سیاست‌های قدیمی در جهان جدید

تحولات اخیر در ونزوئلا نشان می‌دهد که آمریکا بار دیگر به سیاست‌های سخت‌گیرانه گذشته بازگشته است. دستگیری رئیس‌جمهور یک کشور، آن هم در شرایطی که جهان به سمت چندقطبی شدن حرکت می‌کند، پیامدهایی فراتر از یک بحران دو جانبه دارد.

روسیه، چین و برخی کشورهای منطقه این اقدام را نشانه‌ای از بازگشت سیاست «زور محور» آمریکا می‌دانند. از نگاه آنها، این رفتار می‌تواند نظم شکننده جهانی را بیش از پیش متزلزل کند.

ونزوئلا امروز به نمادی از یک پرسش بزرگ‌تر تبدیل شده است: آیا آمریکا همچنان خود را مجاز می‌داند که در هر نقطه‌ای از جهان، بر اساس تعریف خود از تهدید، دست به اقدام یک‌جانبه بزند؟

♦ **سکوت نهادهای بین‌المللی؛**

بحران مشروعیت در نظم جهانی

یکی از وجوه مشترک مداخلات آمریکا، واکنش محدود یا کم‌اثر نهادهای بین‌المللی است. در بسیاری از موارد، شورای امنیت سازمان ملل یا به دلیل وتوی آمریکا و متحدانش، یا به دلیل شفاف‌های عمیق سیاسی، نتوانسته اقدام مؤثری در برابر این مداخلات انجام دهد.

در پرونده‌هایی مانند پاناما، عراق و اکنون ونزوئلا، نهادهای

کو دستور شکل گرفت و روابط دیپلماتیک عملاً وارد دوره‌ای سرد و پرتنش شد.

♦ **شکست گفت‌وگو میان کاراکاس و واشنگتن**

روابط آمریکا و ونزوئلا تنها در سطح سیاست‌های کلان و اختلافات ایدئولوژیک متوقف نماند، بلکه در سال‌های اخیر به مرحله‌ای رسید که دیپلماسی رسمی عملاً از معنا تهی شد. قطع روابط دیپلماتیک، اخراج متقابل دیپلمات‌ها و عدم پرسسیت شناختن دولت مادورو، نشانه‌هایی روشن از فروپاشی کانال‌های گفت‌وگو میان دو کشور بود.

ایالات متحده با پرسسیت شناختن رهبران مخالف دولت ونزوئلا به‌عنوان «رئیس‌جمهور حقوقی»، عملاً وارد مرحله‌ای از دیپلماسی فشار و تحقیر سیاسی شد. این اقدام، از نگاه کاراکاس، نشانه دخالت مستقیم در امور داخلی کشور،

بلکه تلاشی آشکار برای بی‌اعتبارسازی حاکمیت ملی ونزوئلا بود.

در چنین فضایی، هرگونه امکان مذاکره سزاندۀ از میان رفت و جای آن را تهدید، تحریم و فشار رسانه‌ای گرفت. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که حذف دیپلماسی، مسیر قابل را هموار کرد و شش‌راستی را پدید آورد که به نهایت به اقدامات بی‌سابقه اخیر انجامید.

♦ **تحریم‌ها؛ ابزار فشار واشنگتن**

پس از مرگ چاوز و روی کار آمدن نیکولاس مادورو، سیاست آمریکا از مهار نرم به فشار حداکثری تغییر یافت. تحریم‌های اقتصادی، بانکی و نفتی به‌تدریج شدت گرفت و هدف اصلی آن، تضعیف دولت مرکزی ونزوئلا و ایجاد نا رضایتی اجتماعی عنوان شد.

آمریکا تحریم‌ها را با ادعای «نقض حقوق بشر» و «عدم برگزاری انتخابات آزاد» توجیه می‌کرد، اما دولت ونزوئلا این اقدامات را جنگ اقتصادی می‌دانست. پیامد این تحریم‌ها، کاهش شدید درآمدهای نفتی، تورم افسارگسیخته و بحران معیشتی گسترده در این کشور بود.

منتقدان آمریکا معتقدند تحریم‌ها بیش از آنکه دولت را هدف بگیرند، مردم عادی ونزوئلا را تحت فشار قرار داده‌اند. با این حال، واکنشکن همچنان این ابزار را یکی از مؤثرترین راه‌های تغییر رفتار یا حتی تحقیر حکومت در کاراکاس می‌داند.

♦ **ونزوئلا در مدار قدرت‌های شرقی**

در واکنش به فشارهای فزاینده واشنگتن، ونزوئلا به‌تدریج سیاست خارجی خود را به سمت همکاری با قدرت‌های غیر غربی سوق داد. گسترش روابط با روسیه، چین و ایران، نه صرفاً یک انتخاب سیاسی، بلکه راهبردی برای بقا در برابر تحریم‌ها و انزوا ی بین‌المللی بود.

این همکاری‌ها از حوزه اقتصادی و انرژی فراتر رفت و به عرصه‌های نظامی، فناوریانه و مالی نیز کشیده شد. قراردادهای نفتی با چین، همکاری‌های دفاعی با روسیه و تبادلات مالی خارج از نظام دلار، از جمله اقداماتی بود که خشم آمریکا

را بیش از پیش برانگیخت.

از نگاه واکنشکن، ونزوئلا دیگر تنها یک دولت سرکش نبود، بلکه به گرگ‌ه‌گاهی

برای نفوذ رقبای ژئوپلیتیکی آمریکا در نیم‌کره غربی تبدیل شده بود. همین برداشت، جایگاه ونزوئلا را از یک مسئله منطقه‌ای به یک چالش راهبردی در معادلات قدرت جهانی ارتقا داد.

♦ **از جنگ سرد جدید تا تقابل مستقیم**

ونزوئلا در سال‌های اخیر روابط خود را با روسیه، چین و ایران گسترش داده است؛ اقدامی که خشم واکنشکن را دوچندان کرده. از منظر آمریکا، ونزوئلا به پایگاهی برای نفوذ رقبای ژئوپلیتیکی در نیم‌کره غربی تبدیل شده است.

ایس هم‌پیمانی‌ها، تقابل آمریکا و ونزوئلا را از یک اختلاف دو جانبه فراتر برده و آن را به بخششی از یک جنگ سرد جدید جهانی تبدیل کرده است. در چنین چارچوبی، برخورد با مادورو صرفاً بر خود با یک رئیس‌جمهور نیست، بلکه پیامی برای دیگر دولت‌های مخالف نظم مورد نظر واکنشکن محسوب می‌شود. تحولات اخیر نشان می‌دهد که دشمنی دیرینه آمریکا و ونزوئلا اکنون وارد مرحله‌ای شده که پیامدهای آن می‌تواند فراتر از مرزهای این کشور باشد؛ مرحله‌ای که آینده آن همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.



تقویم انقلاب

روند اجرایی شدن طرح لیبک

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

تقویم تاریخی دوران هشت سال دفاع مقدس طرح‌های خیلی خوب و جامع که در سرنوشت عملیات‌ها مؤثر بودند ارائه شد و عملیاتی شد که یکی از مهم‌ترین آنها در سال ۱۳۶۲ در دستور کار قرار گرفت به نام «طرح لیبک یا خمینی» بود در دستور کار قرار گرفت که مرحله اول آن فراخوان و ثبت‌نام بود در مباحث خیلی با توضیحی مختصر ارائه شده، اما در روزهای پایانی دی‌ماه سال ۱۳۶۲ اجرایی شدن آن توسعه بیشتری یافت. لازم به یادآوری است که سپاه براساس تقسیم‌بندی کشور به ۱۱ منطقه تقسیم‌بندی شده بود که همه مناطق ۱۱گانه کشوری مشارکت کردند و از اول سال ۱۳۶۲ همه مناطق مقاومت شهری تبدیل به پایگاه‌های سپاه شد و هر پایگاه مسئولیت اجرایی طرح لیبک را عهده‌دار شده بود که در ابتدا در فراخوان و ثبت‌نام فعال شدند و کلیه نیروهای داوطلب و بسیجی براساس ستخصص و سابقه جبهه «کدبندی» شدند تا در دسته‌های مربوط به کارگیری شوند. در ادامه چند اقدام دیگری باید انجام می‌گرفت که از مهم‌ترین آنها سازماندهی جدیدی بود. که پایگاه در حد ظرفیت سلسله مراتب گردان گروهان، دسته مشابه گردان‌های یگان‌های رزم سامان گرفت برخی از پایگاه‌ها و شهرها اگر ظرفیت جذب نیروهایش بالا بود تبدیل به تیپ می‌شد؛ مثلاً در شهری، در حد ۳ گردان سامان گرفت تبدیل تیپ به نام حضرت عبدالعظیم(ع) شد، یا در تهران که دارای چند پایگاه بود، هر پایگاه در حد یک گردان، یا ۲ گردان داشت مثلاً پایگاه‌های شمیرانات، اسلامشهر، مقداد، مالک اشتر، ابوظر، سلمان، عمار یاسر، بهشتی، فیروزکوه، دماوند و.. تشکیل شد، علاوه بر سازماندهی که پایگاه‌ها موفق شدند در حال انجام بود، می‌بایست برای اقدامات بعد هر پایگاه در اطراف شهرها یک مکان شناسایی و تجهیز می‌شد، تانیروهای سازماندهی شده بر مبنای گردان بتواند به تمریناتشان ادامه دهند، تست‌های آموزشی انجام بگیرد و نقاط ضعف‌ها و قوت‌ها شناسایی شود و هم بتواند به مانور و نمایش‌های رزمی خود را تجربه کنند بر خی از پایگاه‌ها به دلیل نارسایی‌ها و کوتاه بودن وقت موفق نشدند مکان شناسایی شده را تجهیز کنند؛ با این وجود، در تهران ۸ پایگاه آماده به کار شدند، در بین اینها پایگاه ابوظر در جنوب تهران با بهره جستن از امکانات راه‌آهن از همه آماده بود.

فرماندهی که در ابوظر عهده‌دار اجرای این طرح بود عنصر ورزیده، مجرب که در عملیات‌های متعدد در جنگ شرکت کرده بود جانباز شده بود در رأس این طرح قرار گرفته بود به نام شهید علیرضا نوری، مسئولان سپاه تهران هم که بیشتر با او آشنا شدند به او اعتماد کردند و گردان‌های سازماندهی شده پایگاه‌های دیگر تهران را تحت پوشش ایشان قرار دادند و حکم فرماندهی لشکر ابوظر را پذیرفتند، در یک انسجام کامل و خیلی خوب به سمت هدف پیش می‌رفت چون شهید علیرضا نوری از مسئولان وزارت راه بود، پاسدار شده بود، در وزارت راه و آهن خیلی به او اعتماد داشتند و از واگذاری هرگونه امکانات دریغ نکردند.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

در شماره پیشین ماجرای ورود «میرحسین موسوی» به انتخابات ۱۳۸۸ را از زبان «اسحاق جهانگیری» شرح دادیم. انتخاباتی که صندوق‌های آن پس از اعلام نتایج به دستور سران فتنه به آتش کشیده شد و آنها حاضر به پذیرش نتیجه انتخاب مردم نشدند. ادعای تقلب در خاطرات اسحاق جهانگیری و در کتاب خاطراتش با عنوان «در اندیشه ایران» اینگونه بیان شده است:

«در دوره اعتراض‌ها به انتخابات ۸۸ آقای اژه‌ای وزیر اطلاعات بود، از دفتر ایشان با من تماس گرفتند و قرار ملاقاتی را هماهنگ کردند. این تماس قبل از خطبه‌های نماز جمعه رهبری در خرداد ۸۸ بود، من آن چند روز بیرون تهران و در سفر بودم روز شنبه ۳۰ خرداد ماه به دیدار آقای اژه‌ای رفتم. در آن جلسه ایشان گفت که در مجمع تشخیص بحث شده که هر کس ادعایی درباره تقلب دارد تا آخر بررسی شود. شما هم در جایی گفته‌اید در انتخابات تقلب شده است. اگر مستنداتی در این مورد دارید در اختیار من بگذارید تا پیگیری شود.

من و جمعی از دوستان در کرمان بعد از زلزله بم خیریه‌ای راه انداخته بودیم. آقای «مهدی نواب» که پیشتر معاون من در وزارت صنایع نیز بود، در سرکشی به خیریه متوجه تعرفه‌هایی شده بود که در دست مردم بم بود و در خانه‌ها می‌نوشتند. من ماجر را برای مهندس موسوی تعریف کرده بودم و به آقای اژه‌ای هم گفتم علاوه بر آن دوستی از جیرفت با من تماس گرفت و گفت که چند نفر از مدیران شهرستان یک صندوق رأی را به خانه یکی از مدیران شهرستان می‌برند و زمانی که مشغول نوشتن تعرفه‌ها بودند، یکی که با آنها همدل نبود با یکی از دوستانش تماس می‌گیرد و به دادستان خبر می‌دهد و این افراد را همانجا در حال نوشتن تعرفه‌ها دستگیر می‌کنند. این موارد را به آقای اژه‌ای گفتم و ایشان نیز یادداشت کردند. واقعیت این است که من هنوز این موارد را که اتفاقاً در این انتخابات کم نبود، در نتیجه انتخابات

اعتقادی به تقلب در انتخابات ندارم!

برشی از خاطرات اسحاق جهانگیری درباره حوادث سال ۱۳۸۸



می‌گویم؛ همچنین شورای نگهبان این گونه نشان داده بود که اکثریت آن حامی احمدی‌نژاد است و علاوه بر مواضع حمایت‌گونه برخی اعضا، در اجتماع انتخاباتی احمدی‌نژاد در مصلاى تهران دو نفر از اعضای این شورا آقایان غلامحسین الهام و ابراهیم عزیزی شرکت کردند که آقای الهام سخترانی هم کرد. این تخلفات به نظرم موضوعات مهمی هستند که باید به آنها به عنوان زمینه‌های وقایع سال ۱۳۸۸ نگاه شود.

علاوه بر این‌ها یکی از موضوعات دیگری که به بحران‌های پس از انتخابات ۸۸ دامن زد، شیوه تخریبی احمدی‌نژاد در تبلیغات انتخاباتی بود و از ابتدا همان راهی را رفت که در انتخابات ۸۴ در پیش گرفته بود. احمدی‌نژاد مجدداً با حمله به هاشمی‌رفسنجانی و خانواده او، رقبای اصلی انتخابات‌اش را برآمده از جریان آقای هاشمی دانست و مجدداً تلاش کرد دوگانه انتخابات ۸۴ را احیا کند. در این مسیر نیز روش‌هایی غیر اخلاقی را در مناظره‌ها به کار بست که به شدت یافتن فضای قطبی شده انتخابات دامن زد.»

پای صندوق را از بین می‌برد و جمع‌بندی من این است که در انتخابات ایران تقلب تعیین‌کننده اتفاق نمی‌افتد.

به نظرم باید به موضوع تخلفات قبل از تبلیغات و در زمان تبلیغات توجه دقیق‌تری شود. مثل ماجرای سود سهام عدالت که در آستانه انتخابات توزیع شد و تخلف بود و در ادامه درباره‌اش

تعیین‌کننده نمی‌دانستم و نمی‌دانم در همین جمع کوچک در شهر جیرفت پنج نفر که رفیق هم بودند نتوانستند در یک صندوق دست ببرند و یک نفر که مخالف بود بساط را به هم زد. در جریان انتخابات افراد متنوعی از مسئولان صندوق و معتمدین محلی و نماینده کاندیداها در پای صندوق‌ها حضور دارند، لذا امکان تقلب گسترده

♦ **در جریان انتخابات افراد متنوعی از مسئولان صندوق و معتمدین محلی و نماینده کاندیداها در پای صندوق‌ها حضور دارند، لذا امکان تقلب گسترده پای صندوق را از بین می‌برد و جمع‌بندی من این است که در انتخابات ایران تقلب تعیین‌کننده اتفاق نمی‌افتد.**

♦ **مواضع حمایت‌گونه برخی اعضا شورای نگهبان، در اجتماع انتخاباتی احمدی‌نژاد در مصلاى تهران دو نفر از اعضای این شورا آقایان غلامحسین الهام و ابراهیم عزیزی شرکت کردند که آقای الهام سخترانی هم کرد. این تخلفات به نظرم موضوعات مهمی هستند که باید به آنها به عنوان زمینه‌های وقایع سال ۱۳۸۸ نگاه شود.**

♦ **یکی از موضوعات که به بحران‌های پس از انتخابات ۸۸ دامن زد، شیوه تخریبی احمدی‌نژاد در تبلیغات انتخاباتی بود... با حمله به هاشمی‌رفسنجانی و خانواده او، رقبای اصلی انتخابات‌اش را برآمده از جریان آقای هاشمی دانست و مجدداً تلاش کرد دوگانه انتخابات ۸۴ را احیا کند.**

دهلیز

در خدمت تل آویو

مروری بر روابط رژیم دیکتاتوری پهلوی با رژیم صهیونی

در دستان خود قبضه کرده و بنا را بر این گذاشته بود که روابط خود را با اسرائیل بیش از پیش گسترش دهد. هویدا نیز در این مسیر مشتاق بود و در پی توسعه مناسبات میان دو کشور برآمد؛ برای مثال، هنوز چیزی از نخست‌وزیری هویدا نگذشته بود که صحبت از معامله نفت میان ایران و اسرائیل به میان آمد. هویدا در به نتیجه رسیدن این معامله مؤثر بود و به همین دلیل عنوان شد که دولت اسرائیل در ازای خدمت هویدا، زمینی را در فلسطین به او واگذار خواهد کرد. البته این روابط همان گونه که گفته شد به صورت پنهانی و پوشیده بود و طرفین تمام تلاش خود را به خرج می‌دادند تا مسائل فی مابین‌شان رسانه‌ای نشود. با این حال، در برخی مواقع نشریات خارجی از این ارتباط پرده برمی‌داشتند؛ برای مثال، مجله آلمانی «هوپی» در یک مصاحبه با هویدا از او سؤال کرد که در صورت بروز منازعه جدید میان اعراب و اسرائیل، آیا ایران نیز به تحریم نفتی اعراب می‌پیوندد یا اینکه قصد دارد راه خود را از کشورهای عربی جدا کند. هویدا در پاسخ گفت: «ما در تحریم نفتی گذشته اعراب هیچ دخالتی نداشتیم و در آن شرکت نکردیم و رویکردمان در آینده نیز به همین شکل خواهد بود.» او در ادامه استدلال کرد که نفت یک کالا‌های اقتصادی است و نباید از آن به صورت یک حربه سیاسی استفاده کرد. او با قاطعیت گفت که در صورت بروز بحران جدید در خاورمیانه، صادرات نفت ایران بی‌وقفه ادامه پیدا خواهد کرد و در این مسیر خللی وارد نخواهد شد.»

پس از اینکه رژیم صهیونی در سال ۱۹۴۸م به کمک کشورهای غربی تأسیس شد، دولت وقت ایران آن را به صورت دفاکتو به رسمیت شناخت. این موضع دولت ایران در دوره نخست‌وزیری (ساعد مراغه‌ای) و با حمایت کامل «محمدرضا پهلوی» اتخاذ شد. این روند با به قدرت رسیدن «محمد مصدق» تغییر کرد و ایران شناسایی خود را از این رژیم پس گرفت. باین حال، با کودتا علیه محمد مصدق و قدرت گرفتن دوباره محمدرضا پهلوی روابط ایران و صهیونیست‌ها بار دیگر برقرار و حتی گسترش پیدا کرد. این روابط هر چند ابتدا تا حدودی مکتوم و پوشیده بود، به‌تدریج با گسترش مناسبات دوجانبه به حالت آشکار درآمد و شاهد همکاری دو کشور در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بودیم.

هر چند بخش قابل توجهی از این وضعیت، ناشی از قدرت روزافزون شاه در معادلات پیچیده قدرت در ایران بود؛ اما نباید از سهم نخست‌وزیران وقت نیز غافل شد. این امر به‌ویژه درباره «امیرعباس هویدا» مصداق پیدا می‌کند که از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ش نخست‌وزیر بود.

«ابراهیم ذوالفقاری» در کتاب «قصه هویدا» می‌نویسد:

«روابط ایران و اسرائیل در دهه ۱۳۳۰ش و بعد از کودتا علیه دولت مصدق دوباره جان گرفت. در واقع هنگامی که هویدا به نخست‌وزیری برگزیده شد روابط دو کشور احیا شده بود و روند رو به پیشرفتی را نشان می‌داد؛ به‌خصوص که شاه با حوادث خونین خرداد سال ۱۳۴۲ش قدرت را

حافظه

گنج اروپا

مروری بر حضور استعمارگران اروپایی در قاره آمریکا



در مقابل، جوامع بومی آمریکا که تمدن‌هایی با دانش نجومی، کشاورزی و معماری پیشرفته داشتند، به‌طور کامل در هم شکستند. جمعیت‌شان به دلیل بیماری‌های همه‌گیری، کار اجباری در معادن و خشونت‌های نظامی به‌شدت کاهش یافت. فقر، گرسنگی و فروپاشی ساختارهای اجتماعی، میراث طولانی مدت این استعمار خونین بود. حتی امروز، بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین همچنان با پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این دوران سه‌قرنی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و به بازگشت به وضعیت پیش از استعمار نزدیک نشده‌اند. تخمین زده می‌شود که در طول سی سده حکومت استعماری، معادل شش میلیارد دلار (بر اساس ارزش طلا و نقره در قرن بیستم) از خاک این قاره بیرون کشیده شده است. رقمی که تنها بخشی از زیان‌های جبران‌ناپذیر تمدن‌های بومی را نشان می‌دهد.

در پی کشف قاره آمریکا به دست اروپاییان در اواخر سده پانزدهم

میلادی، بخش‌های وسیعی از آمریکای لاتین تحت سلطه اسپانیا قرار گرفت و در پی آن، تمدن‌های باستانی پیشرفته‌ای، چون مایا، آزتک و اینکا با فجایع عظیمی روبه‌رو شدند. شهر مکزیکو، پایتخت امپراتوری آزتک-در سال ۱۵۲۱ (نه ۱۵۱۵) به تصرف کشیش و فاتح اسپانیایی، «هرنان کورتس» درآمد و این رویداد پایان‌بخش تمدنی شکوفا بود که نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیچیده‌ای داشت. همچنین، امپراتوری اینکا در منطقه کنونی پرو در سال ۱۵۳۲ (نه ۱۵۳۰) به دست فرانسیسکو پizarو تسخیر شد. این تسخیرها تنها فتح‌های نظامی نبودند، بلکه آغازگر دورانی از غارت بی‌رحمانه، نابودی فرهنگ‌ها، کشتار جمعی و اسیری‌گری گسترده بود.

اسپانیایی‌ها با هوس طلا و نقره، به‌طور گسترده‌ای معادن مناطق تسخیر شده را بهره‌برداری کردند. بین سال‌های ۱۵۰۳ تا ۱۶۶۰، حدود ۱۸۵ هزار کیلوگرم طلا و ۱۶ میلیون کیلوگرم نقره از آمریکا به اروپا منتقل شد. این جریان گنج، اروپا را شگفت‌زده کرد و اسپانیا را به قدرتمندترین قدرت سیاسی و اقتصادی قاره اروپا در قرن شانزدهم بدل کرد. با این حال، این ثروت‌های غارت‌شده تنها به اسپانیا محدود نماند؛ بلکه از طریق تجارت، جنگ‌ها و وام‌ها، به کشورهای دیگری مانند انگلستان، فرانسه و هلند نیز راه یافت و به رشد سرمایه‌داری اولیه در اروپا کمک کرد.

خوانشی از اهداف مداخله‌جویانه آمریکا در بحران‌سازی برای ونزولا

سلطه بر انرژی و برتری طلبی بر رقبا

داخلی، بلکه استقلال‌طلبی انرژی و سیاست خارجی این کشور است. ونزولا با تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی خود، از جمله همکاری‌های گسترده با روسیه و چین، تلاش کرد وابستگی تاریخی به آمریکا را کاهش دهد. چنین رویکردی، از دیدواشنگتن تهدیدی برای نظم مطلوب وهژمونی منطقه‌ای آمریکا تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، ونزولا به نمادی از مقاومت در برابر الگوی لیبرال-سرمایه‌داری مورد حمایت آمریکا تبدیل شد.

به‌طور کلی جایگاه ژئوپلیتیکی و انرژی‌محور ونزولا در سیاست خارجی آمریکا یک موضوع چندلایه است که شامل استقلال انرژی، تهدید نظم منطقه‌ای، فشار اقتصادی و امنیت انرژی می‌شود. تحلیل این ابعاد نشان می‌دهد، اقدامات آمریکا صرفاً واکنشی به بحران داخلی ونزولا نیست، بلکه بخشی از راهبرد کلان هژمونیک برای کنترل انرژی و مقابله با حضور رقبای جهانی است.

♦ روایت آمریکایی برای مشروع‌سازی مداخله

یکی از اصلی‌ترین توجیهات ایالات متحده برای اقدامات خود در قبال ونزولا، طرح ادعاهایی درباره «مبارزه با قاچاق مواد مخدر» و «جرایم سازمان‌یافته فراملی» بود. این روایت، در ظاهر رنگ‌وبوی حقوقی و امنیتی دارد و تلاش می‌کند اقدام آمریکا را در چارچوب نظم بین‌المللی و حفظ امنیت جهانی تعریف کند. با این حال، بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد، این ادعایش از آنکه در واقعیت‌های میدانی ریشه داشته باشد، کارکردی سیاسی و تبلیغاتی ایفا می‌کند. «جنگ با مواد مخدر» از دهه‌های پایانی قرن بیستم به یکی از مفاهیم محوری سیاست خارجی آمریکا در آمریکای لاتین تبدیل شد و در بسیاری از موارد، نه برای حل ریشه‌های مسئله مواد مخدر، بلکه برای گسترش نفوذ امنیتی و نظامی واشنگتن در کشورهای منطقه به کار گرفته شد. تجربه کشورهایی چون کلمبیا، بولیوی و پاناما نشان می‌دهد، مداخلات آمریکانه تنها به کاهش پایدار قاچاق مواد مخدر منجر نشد، بلکه در برخی موارد به بی‌ثباتی سیاسی و تشدید خشونت انجامید. این سابقه تاریخی زمینه‌ای مهم برای فهم رفتار آمریکا در قبال ونزولا فراهم می‌کند؛ الگوی رفتاری واشنگتن نشان می‌دهد هرگاه نیاز به مشروعیت‌بخشی به فشار یا مداخله وجود داشته، مفهوم مواد مخدر به مثابه بهانه‌ای قابل فروش در افکار عمومی مورد استفاده قرار گرفته است.

در پرونده ونزولا، ادعاهای مطرح‌شده عمدتاً

مجتبی گلشاهی کارشناس سیاسی

اگرچه تحولات سیاسی و امنیتی اخیر در ونزولا یکی از مهم‌ترین رخدادهای ژئوپلیتیکی در آمریکای لاتین طی سال‌های اخیر است، از نظر اندیشه حکمرانی آمریکایی، ترامپ تصویری بدون روتوش از آمریکای واقعی را با این تحولات در منظر و مسرّای مردم دنیا قرار داده است که ارزش تأمل در ابعاد آن کمتر از پیامدهای ژئوپلیتیکی این سلطه‌جویی یکجانبه نیست؛ تصویری دوگانه از بسط هژمونی و قدرت عریان آمریکا از طریق زور و سلطه به اسم صلح و خدمت به مردم ونزولا و آمریکا! ترامپ بدون ملاحظه ساختارهای حقوقی و بین‌المللی و حتی آنچه طی دو و نیم قرن حیات آمریکایی به اسم مکتب لیبرال-سرمایه‌داری به دنیا عرضه کرده‌اند، دزدانه و زورگویانه وارد حریم حقوقی کشوری دیگر می‌شود و رئیس‌جمهور آن را بازداشت و به آمریکا منتقل می‌کند؛ این است آمریکای بدون نقاب!

♦ ژئوپلیتیک و انرژی ونزولا نزد آمریکا ونزولا در نظام بین‌الملل معاصر تنها یک کشور بحران‌زده آمریکای لاتین نیست؛ بلکه بازیگری با ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و راهبردی گسترده است. مهم‌ترین عامل این جایگاه، برخورداری این کشور از بزرگ‌ترین ذخایر اثبات شده نفت جهان است. این واقعیت ونزولا را به نقطه‌ای حساس در معادلات انرژی و امنیت اقتصادی قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا تبدیل کرده است. اهمیت این کشور صرفاً به حجم نفت محدود نمی‌شود، بلکه نوع نفت آن و سازگاری آن با زیرساخت‌های پالایشی آمریکا، این کشور را به یک عنصر کلیدی در امنیت انرژی و هژمونی اقتصادی واشنگتن بدل کرده است. در دهه‌های گذشته، شرکت‌های نفتی آمریکایی نفوذ گسترده‌ای در صنعت نفت ونزولا داشتند، اما با روی کار آمدن دولت‌های مستقل، به ویژه دوران هوگو چاوز و سپس نیکلاس مادورو، این نفوذ محدود شد. ملی‌سازی صنعت نفت و تلاش دولت ونزولا برای کاهش وابستگی اقتصادی به آمریکا، عملاً منافع واشنگتن را با چالش جدی مواجه کرد و نوعی رقابت مستقیم بر سر منابع انرژی شکل داد. مسلماً، مسئله انرژی تنها بعد اقتصادی ندارد؛ از منظر آمریکا، مشکل اصلی ونزولا نه صرفاً بحران‌های

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۶۰

امید به آینده

امیر قلی‌زاده

کارشناس سیاسی

امروز اگر بخواهیم مبتنی بربرآیند نظرات کارشناسان اقتصادی به بررسی وغور در چیستی و چرایی مشکلات اقتصاد ایران بنشینیم، می‌توانیم بگوئیم اقتصاد ایران با مشکلاتی نظیر مشکلات ساختاری، تحریم‌ها، تورم مزمن و رشد اندک مواجه است. البته مشکلات ساختاری اضلاع و اجزائی نیز دارد که ناکارآمدی در زیرساخت‌های انرژی، کمبود سرمایه‌گذاری، مشکلات بازار کسب و کار و فساد و رانت ذی‌نفعان از جمله چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران هستند. در کنار این مشکلات، قطعاً نمی‌توانیم به معضل اساسی تحریم‌ها اشاره نکنیم. تحریم‌های بین‌المللی به ویژه تحریم‌های یک‌جانبه و سلطه‌جویانه آمریکا، دست‌رسی ایران به بازارهای جهانی و منابع مالی را محدود کرده و بر رشد اقتصادی تأثیر منفی گذاشته است اما این طور نیست که اقتصاد کشور را بتواند به گل بنشاند؛ چرا که جامعه ایران از حیث منابع و تنوع در حوزه‌های درآمدی اقتصادی و توانایی خودمدیریتی و خوداتکایی در ساحت امنیت غذایی و غیره دارای ظرفیت‌ها و موقعیت‌های کم‌نظیری است و الا دشمنان با فشارهایی که تاکنون وارد کرده‌اند بارها می‌توانستند برای ایران مشکلات اساسی درست نمایند. اما مهم‌تر از این مسائل، این است که ما با دشمنی فریب‌کار و غدار طرف هستیم که در دهه اخیر ما را هدف طراحی شلدت‌ترین و پیچیده‌ترین رژیم تحریمی تاریخ بشریت، موسوم به فشار حداکثری و جنگ ترکیبی قرار داده است که هدفش از این جنگ ترکیبی، فروپاشی اقتصاد و تجزیه

اظهارات علنی خود با تأکید بر ضرورت مقابله با نفوذ قدرت‌های خارجی در نیمکره غربی، عملاً بازگشت به سیاست‌های کلاسیک سلطه‌محور آمریکا را تأیید کرد.

ونزولا به چند دلیل به چالشی جدی برای دکترین مونروئه تبدیل شده بود. نخست، پیوندهای راهبردی این کشور با روسیه و چین، که به معنای حضور فعال قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حیاط خلوت سنتی آمریکاست. دوم، الگوی حکمرانی مستقل و ضدآمریکایی ونزولا که می‌تواند الهام‌بخش سایر کشورهای منطقه باشد. لذا آمریکا با اعمال سلطه و زور در ونزولا، عملاً پیام هشداری به سایر بازیگران منطقه‌ای و رقبای بزرگ فرامنطقه‌ای خود فرستاد که خروج از مدار نفوذ آمریکا یا ورود بدون هماهنگی به آن هزینه‌بر خواهد بود. در واقع، یکی از مهم‌ترین ابعاد راهبرد آمریکا در ونزولا، تلاش برای مهار نفوذ روسیه و چین است. در سال‌های اخیر، این دو قدرت جهانی با سرمایه‌گذاری‌های گسترده اقتصادی، نظامی و فناوریانه، جای پای خود را در آمریکای لاتین تقویت کرده و ونزولا را به یکی از مهم‌ترین شرکای خود در منطقه آمریکای لاتین تبدیل کرده بودند.

♦ پیامدهای یکجانبه‌گرایی آمریکا

تحولات اخیر ونزولا را نمی‌توان صرفاً در چارچوب بحران داخلی، سوءمدیریت اقتصادی یا ادعاهای حقوق بشری آمریکا تحلیل کرد؛ بلکه مداخلات آمریکا تلاشی هدفمند برای بازتعریف نظم منطقه‌ای و تثبیت هژمونی در نیمکره غربی است. مسلماً، یکجانبه‌گرایی آمریکا در این چارچوب، پیامدهای مهمی خواهد داشت؛

اولاً، ثبات منطقه‌ای را تضعیف خواهد کرد، زیرا کشورهای آمریکای لاتین که با فشارهای مستقیم و مداوم روبه‌رو هستند، در اتخاذ سیاست‌های مستقل دچار محدودیت خواهند شد. ثانیاً، مشروعیت نظم بین‌المللی موجود رفتار چالش‌هایی خواهد شد؛ زیرا اعمال تحریم‌ها و مداخلات خارج از چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی، الگویی برای کشورها ایجاد می‌کند که قدرت‌ها می‌توانند بدون پاسخگو بودن به قواعد بین‌المللی عمل کنند. ثالثاً، این رویکرد، زمینه‌ساز بی‌ثباتی‌های گسترده‌تر و افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیکی در نیمکره غربی خواهد شد و کشورهایی، مانند ونزولا را مجبور می‌کند که برای بقا و حفظ استقلال خود، به سمت اتحاد با قدرت‌های دیگر، نظیر روسیه و چین حرکت کنند، که خود چرخه‌ای از رقابت و فشار متقابل ایجاد می‌کند.

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۲۵

مسئله فهم مصلحت!

این خطا را می‌توان به‌وضوح در برخی خوانش‌ها از تاریخ اسلام مشاهده کرد. وقتی توجیهات ناروایی که برای غصب خلافت‌امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) ارائه شد، «مصلحت» نامیده می‌شود، طبیعی است که مصلحت در برابر یکی از بزرگ‌ترین حقایق تاریخ اسلام قرار گیرد. اما پرسش بنیادین اینجاست: آیا این توجیهات واقعاً مصلحت بودند، یا صرفاً نسام مصلحت را بر خود گذاشته بودند؟ همین پرسش، ما را به نقطه‌ای کلیدی می‌رساند. اگر آن توجیهات مصلحت بودند، پس سکوت امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) پس از شهادت حضرت زهر(اسلام‌الله‌علیها) چه بود؟ آیا این سکوت، که برای حفظ امت اسلام و جلوگیری از فروپاشی جامعه‌نوپای اسلامی صورت گرفت، در برابر حقیقت قرار داشت یا عین تحقق حقیقت در شرایط خاص تاریخی بود؟ اگر مصلحت ذاتاً قربانگاه حقیقت است، باید این مصلحت‌اندیشی علوی را نیز نفی کرد؛ نتیجه‌ای که حتی منتقدان سرسخت مصلحت هم حاضر به پذیرش آن نیستند. نمونه‌ی مشابه را در صلح امام حسن(علیه‌السلام) می‌بینیم؛ جایی که برخی یاران، این تصمیم را برناتفتند و حتی امام خود را با تعبیری تند خطاب کردند، زیرا گمان می‌کردند حقیقت در پای مصلحت ذبح شده است. در نهایت، اگر این دوربشه مصلحت‌سنجی‌های نادرست و عدم فهم دقیق مصلحت، اصلاح نشود، دوگانه‌انگاری میان مصلحت و تفکر انقلابی همچنان بازتولید خواهد شد. حال آنکه در منطق حکمرانی اسلامی، مصلحت نه در برابر حقیقت، بلکه تجلی عقلانی همان حقیقت در سطح جامعه است؛ مصلحتی که اگر درست فهم شود، نه تنها قربانگاه حقیقت نیست، بلکه ضامن بقای آن است.

۱۱

خرد

شماره ۱۲۲۱ | دوشنبه ۲۲ دی ۱۴۰۴

صداقت

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۶۹

حرکت از فرضیه به عمل

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

در بررسی مبحث «پیشرفت و هویت» در اندیشه شهید صدر، گفته شد که بارزترین ویژگی‌های پیشرفت و هویت نزد شهید صدر در هفت ویژگی فکری خود این شهید عزیز و نابغه نهفته است که عملاً مشخصه مکتب فکری ایشان هم هست. دو تا از این ویژگی‌ها، یعنی روش‌شناسی تفکر و کل‌نگری و بالندگی نظری بررسی شد. در ادامه به تبیین ویژگی‌های دیگر که برخی پاسخ مسئله پیشرفت و بخشی دیگر به پاسخ به مسئله هویت برمی‌گردد، می‌پردازیم.
قبل از پرداختن به ویژگی‌ها، تذکر نکته مهمی در خصوص شهید صدر لازم است؛ شهید صدر تلاش کرد قه‌را وارد زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم‌نماید.

۳-حرکت از فرضیه به عمل‌گرایی؛ سومین ویژگی فکری شهید صدر اهتمام‌وی به حرکت از فرضیه به عمل بود. منظور از نگاه عملیاتی یا بعد عملی، گذار اندیشه دینی از مطالعات صرفاً نظری به مطالعات عملی است و این نیز یک نکته ضروری است. زیرا اکثر متفکران پیشرفت‌گرا از قرن نوزدهم تا امروز، اندیشه اسلامی ما را تخطئه می‌کنند که در انتزاع و خارج از قلمروواقعیت غرق‌شده‌است. گویی متفکر مسلمان پیدا شده‌ای از خانه‌اش نشسته و مشکلی را فرض کرده که ممکن است اصلاً در بیرون وجود نداشته باشد و سپس شروع به حل آن می‌کنند. در حالی که الان نه آن مشکل وجود دارد و نه ما به آن راه‌حل نیاز داریم. اگر مثالی واقعی بزینم فضا روشن‌تر می‌شود. بعضی مطالعات فقهی مربوط به بانک وجود دارد که نویسندگان آن، به‌دنبال بررسی یک معامله بانکی خاص هستند. پس مثلاً هفت فرضیه برای آن در نظر می‌گیرند و شروع به حل این فرضیه‌ها می‌کنند. در حالی که اگر کمی به خود زحمت می‌دادند و به بانک می‌رفتند، امروز فقط یکی از آن فرضیه‌های ابداع‌شده را پیدا می‌کردند. پس چرا باید خود را به هفت فرضیه‌ای که وجود ندارد مشغول کنم و از توان و امکانات‌مان برای حل مشکلی که در واقعیت امروز مسلمانان وجود ندارد، تلاش کنم؟ به فرض هم که بعدها چنان فرضیاتی پیدا شود، نسلی از فقها می‌آیند و به آن می‌پردازند.^(۱)

شهید سیدمحمدباقر صدر می‌خواهد ذهن مسلمان را از این مرحله انتزاعی که می‌خواهد مشکلاتی را که وجود خارجی ندارد حل کند، به مرحله عملی منتقل کند. حتی اصول‌دین و علم‌کلام را ببینید که استاد شهید چگونه می‌خواست آن را در ساختار اجتماعی و زندگی اجتماعی بکشاند. ببینید چگونه ایشان در مقدمه‌کتاب «فلسفه ما» سعی کرده آن را در زندگی میدانی ما بگنجانند، آنجا که می‌گوید: «بینش وجودی برای ما معیاری است که از طریق آن می‌توانیم واقعیت‌زندگی اجتماعی، سیاسی و شخصی خود را تغییر دهیم». دقیقاً از همین نقطه، نگاهی می‌اندازیم به دغدغه استاد شهید نسبت به اولویت‌ها، که شهید مرتضی مطهری نیز درباره آن صحبت کرده‌اند. ما از عدم تعادل در ساماندهی اولویت‌ها رنج می‌بریم. شهید مطهری این را با مثالی توضیح داده است: یک نفر دارد به زیارت امام حسین(ع) می‌رود و در مرز عراق و ایران، دروغی می‌گوید تا به او اجازه عبور از مرز را بدهند. او به‌خاطر یک مستحب، حرامی مرتکب می‌شود. در اینجا تعادل اولویت‌ها به‌هم می‌خورد. منابع در دفتر نشر به موجود است.

نکته گرام

مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و

اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری: در جلسه س‌ساعته رئیس‌جمهور در بانک مرکزی با حضور تعدادی از مدیران عالی اجرایی که تا پاسی از شب ادامه یافت راهکارهای عملیاتی تضمین امنیت غذایی و معیشت مورد بررسی قرار گرفت. دکتر پزشکیان با قوت در میانه میدان حاضر است و جای هیچ نگرانی در تأمین، توزیع و قیمت کالا‌های اساسی نیست.

برونو رودریگز، وزیر خارجه کوبا: رئیس‌جمهور آمریکا، با نشان دادن چهل کامل خود از کوبا و تکرار طوطی‌وار دستور کار دروغ‌های سیاستمداران و سایر گروه‌های ذی‌نفع، به مردم ما توهین و آنها را تهدید می‌کنند. رئیس‌جمهور آمریکا در اظهارات خود سیاست‌های جنایتکارانه‌ای را که مبتنی بر محاصره اقتصادی و فشارهای اقتصادی علیه کوبا است، نادیده می‌گیرد. مردم شجاع ما، از ملت در برابر هر گونه تجاوز امپریالیستی دفاع خواهند کرد. برای این سرزمین، ما آماده‌ایم جان خود را فدا کنیم.

کريل ديمتريف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور روسیه در امور سرمایه‌گذاری خارجی: در مورد گرینلند، به نظر می‌رسد که تصمیمی گرفته شده است: آیا کانادا کشور بعدی است؟

دفتر امور بشردوستانه سازمان ملل متحد در سودان: خشونت‌های سودان، وضعیت انسانی را برای ساکنان محاصره شده در شهر کرفان تشدید کرده است. نیروهای واکنش سریع حدود ۶۰۰ زن را که برخی از آنها به همراه فرزندان‌شان هستند، در زندان کوریا در شهر نیالا در ایالت دارفور جنوبی بازداشت کرده‌اند.

شیرنگار کانال ۱۵ تلویزیون رژیم صهیونیستی: اسرائیل باید اعتراضات در ایران را سازمانده‌ی و به جلو هدایت کند؛ باید از آشوب حمایت و پشتیبانی کنیم و سپس جنگی تمام‌عیار که منتظرش بودیم را علیه ایران راه بیندازیم.

حسین کازرونی، فعال رسانه: خط خبری رژیم صهیونی عمدتاً متناقض است: تهدید، پیام اطمینان، و ابهام. نه برای انصراف از جنگ، بلکه برای کنترل زمان و شکل آن. مسئله امروز «آیا جنگ می‌شود؟» نیست؛ «چگونه و با چه غافلگیری‌ای؟» است.

محسن شمس‌ی‌زاده، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه: روزنامه نیویورک تایمز در مطلبی ادعا کرده که آقای عراقچی روز پنج‌شنبه جلسه‌ای با رسانه‌ها داشته و در مورد اهمیت وضعیت بقا صحبت کرده و رسانه اسرائیلی اینترنت‌نشال هم این را با تیر بزرگ پردازش کرده است. ظاهراً برخی طرف‌های غربی اصرار دارند از هر موضوع پیش پا افتاده‌ای بهانه‌ای برای دروغ‌پردازی و التهاب‌سازی درست کنند. اینکه وزیر یا سخنگو جلسات مرتب و دوره‌ای در رابطه با موضوعات سیاست خارجی با اصحاب رسانه و خبرنگاران داشته باشند امر کاملاً معمول و مرسوم است.

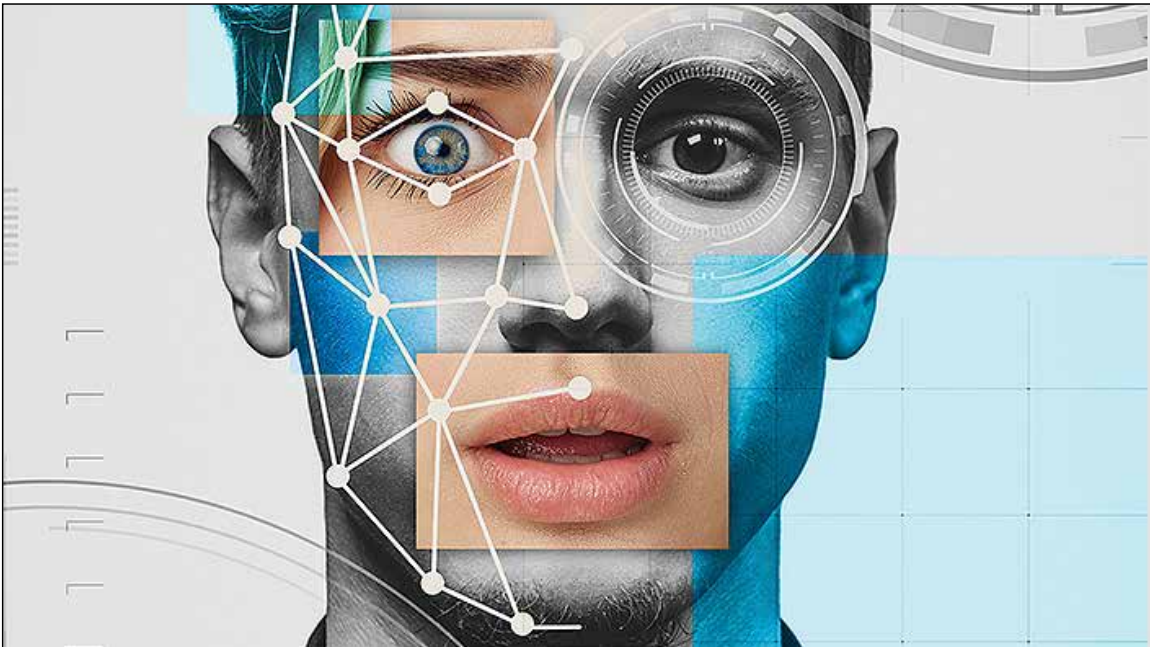
سنا‌تور ایریس اسپرانگر، مقام محلی برلین: در روزهای گذشته بالغ بر پنجاه هزار مشترک آلمانی با قطعی برق مواجه شدند و بازگردانی جزئی برق بدان مناسبت که حدود ۳۸۰۰۰ خانه و بیش از ۲۰۰۰ کسب‌وکار در برخی مناطق همچنان بدون برق هستند.

حسین خان‌بابا‌زاده، فعال رسانه: وقتی مردم معترض با اغتشاشگران همراهی نمی‌کنند عوامل دشمن دز خشونت را بالا می‌برند تا به خاطر شهادت مدافعان امنیت و یا هلاکت آشوبگران مسلح و یا کشته‌سازی توسط خودشان اخبار برجسته و جامعه نگران شود؛ ترامپ قمارباز هم از جریان اغتشاشگر حمایت کرده است.

دیپ‌فیک‌ها و تولد جنگ علیه واقعیت

ترور حقیقت

در عصر هوش مصنوعی



است.

تجربه مقابله با حملات سایبری به زیرساخت‌های صنعتی و خدماتی کشور نشان داده که ایران، از مرحله انفعال عبور کرده و امروز به یک بازیگر فعال و بازدارنده در حوزه سایبری تبدیل شده است. این بازدارندگی، نه تنها در دفاع از سامانه‌های حیاتی، بلکه در ارسال این پیام راهبردی به دشمنان نیز مؤثر بوده که هزینه ماجرایی در این حوزه، کم نخواهد بود.

با این حال، باید توجه داشت که هیچ هکری به‌تعمای جایگزین یک ارتش کلاسیک نمی‌شود. اشغال سرزمین، دفاع فیزیکی و حفظ مرزها همچنان نیازمند قدرت سخت است. واقعیت این است که حمله سایبری می‌تواند زمینه‌ساز شکست بدون نبرد مستقیم شود؛ یعنی تضعیف روحیه عمومی، ایجاد بی‌ثباتی در مدیریت کشور و اختلال در تصمیم‌سازی، پیش از آنکه حتی یک درگیری نظامی شکل بگیرد.

امروز بسیاری از قدرت‌های بزرگ جهان، در کنار نیروهای زمینی، هوایی و دریایی، یگان‌های سایبری را به‌عنوان رکن چهارم قدرت خود تعریف کرده‌اند. ایران نیز با درک درست این واقعیت، تلاش کرده است دفاع سایبری را به بخشی جدایی‌ناپذیر از دکرترین امنیت ملی تبدیل کند.

در نهایت، پرسش اصلی این نیست که «هکر خطرناک‌تر است یا ارتش؟»، بلکه پاسخ روشن است: جنگ‌های آینده، ترکیبی از هر دو خواهند بود. مسلم است که در دنیای امروز، گاهی یک خط کم‌دی می‌تواند کاری کند که یک لشکر از انجام آن ناتوان باشد؛ به‌ویژه اگر کشوری هوشمندانه از پیش‌خود را برای این میدان آماده کرده باشد.

می‌شد، اما امروز معادلات قدرت به‌سرعت در حال تغییر است. ورود فناوری به‌عرصه منازعات، شکل جدیدی از نبرد را رقم زده که در آن، گاهی یک هکر می‌تواند تأثیری بگذارد که یک یگان نظامی کلاسیک از انجام آن ناتوان است. این واقعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه بخشی از تجربه زیسته جهان معاصر است.

در سال‌های اخیر، حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی کشورها از شبکه برق و آب گرفته تا سامانه‌های بانکی، حمل‌ونقل و ارتباطات نشان داده که بدون شلیک حتی یک گلوله نیز می‌توان یک کشور را دچار اختلال جدی کرد. در چنین وضعیتی، امنیت ملی دیگر فقط به مرزهای جغرافیایی محدود نیست، بلکه به شبکه‌ها، داده‌ها و سامانه‌های هوشمند نیز گره خورده است.

تفاوت جنگ سایبری با جنگ کلاسیک در این است که در این میدان، مرز و یونفرم معنا ندارد و مهاجم می‌تواند هزاران کیلومتر دورتر، ضربه‌ای دقیق و کم‌هزینه وارد کند. همین ویژگی موجب شده که جنگ سایبری به یکی از ارکان اصلی «جنگ ترکیبی» تبدیل شود؛ جنگی که در آن، رسانه، اقتصاد، عملیات روانی و فناوری هم‌زمان به‌کار گرفته می‌شوند.

جمهوری اسلامی ایران نیز طی سال‌های گذشته، به‌خوبی این تغییر ماهیت تهدیدها را درک کرده و سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی در تقویت توان سایبری دفاعی و بومی‌سازی زیرساخت‌های حیاتی دیجیتال انجام داده است. شکل‌گیری مراکز تخصصی، تربیت نیروی انسانی متخصص و حرکت به‌سوی استقلال در حوزه فناوری اطلاعات، بخشی از راهبرد کلان کشور برای صیانت از امنیت ملی در میدان جدید نبرد بوده

به منزله ابزار جنگ اطلاعاتی و آشفته‌سازی رسانه‌ای بهره‌برداری شود. برای نمونه، چین اعلام کرده است نیروهای ضداین کشور از فناوری دیپ‌فیک برای تولید و پخش فیلم‌های جعلی استفاده کرده‌اند که به ایجاد رعب و گمراهی عمومی انجامیده است.

تهدید دیپ‌فیک‌ها برای امنیت ملی چند وجه دارد که از جمله آن می‌توان به تضعیف اعتماد عمومی، دستکاری دیدگاه سیاسی، بحران‌های دیپلماتیک و در نهایت جنگ‌های اطلاعاتی اشاره کرد.

مهم‌ترین مشکل در برابر این تهدید، سرعت گسترش محتوای جعلی و دشواری تشخیص آنهاست. ابزارهای فنی برای تشخیص دیپ‌فیک‌ها در حال توسعه هستند، اما هم‌زمان فناوری‌های تولید نیز روزبه‌روز بهتر می‌شوند، که این رقابت به یک «جنگ فناوری» میان جعل‌کنندگان و مدافعان حقیقت تبدیل شده است.

برای مقابله با این چالش، نیاز به آموزش عمومی، به‌کارگیری ابزارهای تشخیص هوشمند و تقویت رسانه‌های معتبر است تا هم افراد و هم نهادها بتوانند حقیقت را از جعلی تشخیص دهند و از خطرهای اطلاعات جعلی در امنیت ملی جلوگیری کنند. در عصر هوش مصنوعی، خطر واقعی نه فقط در اتفاقات جهان، بلکه در نحوه روایت و بازتاب آنهاست؛ جایی که دیپ‌فیک‌ها می‌توانند حقیقت را مخدوش کنند و به تهدیدی جدی برای امنیت ملی تبدیل شوند.

♦ آیا یک هکر می‌تواند

از یک ارتش خطرناک‌تر باشد؟

تا چند دهه پیش، قدرت کشورها با شمار تانک‌ها، هواپیماها و موشک‌های‌شان سنجیده

پژواک

هک تلفن

جدیدترین افشاکری گروه حنظله



گروه هکری «حنظله» اسامی ۱۵ نفر از افسران اطلاعات شنود سیگنالی (SIGINT) رژیم صهیونی را منتشر کرد و ۵۰ هزار دلار پاداش برای لو دادن آنها تعیین کرد. پیشتر گروه حنظله با انتشار چندین پست در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق)، اعلام کرده بود به تلفن همراه «آیلت شاکد» وزیر دادگستری سابق رژیم صهیونیستی نفوذ کرده است. این گروه همراه با این اعلام، مجموعه‌ای از تصاویر و ویدئوها را منتشر کرد که به گفته آنان، از تلفن همراه هک شده شاکد استخراج شده است.

خبر خوب

۲۴۰۰

راه‌اندازی سایت فایو جی در ایران



در حال حاضر، ۲ هزار و ۴۰۸ سایت نسل پنجم شبکه تلفن همراه فایو جی در سراسر کشور ایجاد شده است. استان‌های تهران، خراسان رضوی، قزوین، خوزستان و فارس بیشترین تعداد این سایت‌ها را دارند. بر اساس تخمین اتحادیه اروپا، افزایش ۱۰ درصدی نفوذ 5G می‌تواند حدود ۳ درصد رشد سالانه در تولید ناخالص داخلی (GDP) ایجاد کند. این فناوری بستر ایده‌آلی برای اینترنت اشیا، شهرهای هوشمند و تحول صنعتی است.

نرم افزار

خانواده امن

راهکار بومی برای مراقبت هوشمند



سامانه ایرانی «خانواده امن» یکی از راهکارهای بومی حوزه مراقبت دیجیتال است که با هدف افزایش امنیت کاربران به‌ویژه کودکان و نوجوانان در فضای مجازی معرفی شده است. این نرم‌افزار امکان مدیریت و نظارت بر فعالیت‌های برخط، محدودسازی دسترسی به محتوای نامناسب، کنترل زمان استفاده از اینترنت و گزارش‌گیری از رفتارهای پرخطر را برای والدین فراهم می‌کند. طراحان این سامانه معتقدند «خانواده امن» علاوه بر ابزارهای فنی، با ارائه محتوای آموزشی در حوزه سواد رسانه‌ای تلاش می‌کند.

یادداشت

شیش ماهه و توقف نبض طنز!

مهدی امیدی

خبرنگار

سریال «شیش ماهه»، جدیدترین کار مهران مدیری در تلویزیون، پیش از آنکه تداعی گر بازگشت یک کم‌دین صاحب‌سبک به دوران اوج باشد، تصویری صریح و نگران‌کننده از یک «انقطاع فرهنگی» است؛ گسستی عمیق میان هنر مندی که روزگاری نبض خنده جامعه را در دست داشت، با واقعیت‌های جاری و زیرپوستی ایران امروز. مدیری که در دهه‌های گذشته با تیغ تیز طنز اجتماعی، زبان گویای عموم مردم بود و با آثاری چون «شب‌های برره» و «مسرد هزارچهره»، کژتابی‌های اجتماعی و فرهنگی را به چالش می‌کشید، اکنون در حصار تنگ جهانی فانتزی، استیلیزه و به‌شدت «شیک‌زده» گرفتار شده است.

پیرنگ اصلی «شیش‌ماهه» بر پایه یک ضرب‌الاجل زمانی بنا شده است؛ کشمکشی خانوادگی- اقتصادی که شخصیت‌ها را در دوراهی حفظ یا فروپاشی موقعیت مالی‌شان قرار می‌دهد. مشکل از جایی آغاز می‌شود که این ظرف دراماتیک، با محتوایی پر شده که بیش از «قصه»، «ویترین» است. شخصیت‌های سریال، نه نمایندگان صنف یا طبقه‌ای شناسنامه‌دار در جامعه، بلکه موجوداتی انتزاعی از طبقه نوکِسه و مرفه هستند که دغدغه‌های‌شان در سایه خانه‌های مجلل، پوشش‌های پرزرق‌وبرق و اکسسوری‌های گران‌قیمت‌رنگ می‌یازد. مدیری که «شیش ماهه» به‌جای آنکه از دوربین خود برای اصلاح یا «بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی» استفاده کند، آن را به سمت «ستایش ناخواسته تجمل» چرخانده است.

فیلمنامه سریال از خفنه‌های منطقی عمیقی رنج می‌برد. شخصیت‌ها گویی در خلأ حرکت می‌کنند؛ کنش‌های آنها فاقد علیت دراماتیک است و تصمیمات‌شان نه از دل پیرنگ، بلکه از سر ضرورت پر کردن زمان اییزود صادر می‌شود. ریتم کند و فرساینده اثر، تماشاکر را به‌سرعت خسته می‌کند؛ چراکه کم‌دی موجود، نه محصول «تضاد موقعیت»، بلکه حاصل لودگی‌های کلامی است که تاریخ انقضای آنها سال‌هاست به‌سر آمده است.

اما شاید ناگسوار و قابل‌تأمل‌ترین بخش «شیش‌ماهه»، نگاه ابزارِی و ویترینی به جایگاه «زن» باشد. در این سریال، زنان نه به منزله کنشگران اجتماعی یا شخصیت‌هایی با هویت مستقل، بلکه صرفاً به مثابه عناصری تزئینی برای تلطیف‌قاب تصویر حضور دارند. الگوی حاکم بر طراحی چهره، گریم‌های غلیظ و خارج از عرف، و پوشش‌های استیلیزه، عملاً زن ایرانی را به یک «مانکن» تقلیل داده است. این تصویر فانتزی و بزرگ‌کرده، فرسنگ‌ها با هویت زن مسلمان و ایرانی- که در قامت مادر، همسر، استاد دانشگاه یا کارگر چرخ تولید کشور را می‌چرخاند- فاصله دارد. در جهان «شیش‌ماهه»، زن تا زمانی اعتبار دارد که مطابق با استانداردهای زیبایی‌شناختی دیکته‌شده به وسیله کاتالوگ‌های مد رفتار کند. این رویکرد، علاوه بر تبعات فرهنگی مخرب، تیشه به ریشه درام نیز می‌زند؛ زیرا شخصیتی که از عمق روانی تهی شده و صرفاً به یک «شیء» زیبا تبدیل شود، توان ایجاد کنش و پیش‌برد داستان را نخواهد داشت. این نگاه موزه‌ای به انسان، نشان‌دهنده غلبه تفکر مادی‌گرایانه بر جهان‌بینی فیلمساز است.

در روزگاری که مخاطب، تشنه صداقت، واقع‌گرایی و بازنمایی صحیح زیست ایرانی است «شیش‌ماهه» نه یک بازگشت، بلکه یک «نقطه تاریک» و هشدارِی جدی برای مدیریت فرهنگی کشور است. مدیری که زمانی نبض لبخند مردم را در دست داشت، اکنون در پله‌ای از خودشیفتگی هنری گرفتار شده و گویی فراموش کرده است که اعتبار هنرمند، نه از زرق‌وبرق لوکیشن‌های شمال شهر، بلکه از پیوند با ریشه‌های اصیل مردم کوچه‌بازار می‌آید.



سینمای ایران و نبرد واقعیت‌ها!

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



سینما در دنیای امروز، همراه با هنر، جذابیت و سرگرمی، امتداد قدرت سخت در ساحت «قدرت نرم» است. هالیوود دهه‌هاست که با وارونه‌نمایی تاریخ، شکست‌های مفتضحانه یانکی‌ها را به حماسه‌های ماندگار بدل می‌کند. آنها از «سقوط شاهین سیاه» در موگادیشو که یک شکست خفت‌بار بود، شاهکاری بصری می‌سازند تا غرور ملی‌شان ترک برندارد؛ اما در این سوی میدان، بخش اعظم سینمای ما درگیر آپارتمان‌نشینی، واگویه‌های شبه‌روشنفکری و سیاه‌نمایی‌های جش‌نواره‌پسند شده و از بازنمایی «واقعیت قدرت» ایران بازمانده است.

امروز ضرورت تولید اثر درباره جنایات و کودتاهای آمریکا علیه ملت ایران، نه یک انتخاب، بلکه یک «فریضه رسانه‌ای» است. از کودتای ۲۸ مرداد تا جنایت شلیک به هواپیمای مسافربری در خلیج فارس؛ از تحریم دارویی بیماران، تا ترور و حمایت از ترور و جنگ علیه

ایرانیان و... اینها سوژه‌هایی هستند که سینمای ما به شکلی نابخشودنی نسبت به آنها دچار نوعی «لالی مصلحتی» شده است! چرا نباید چهره کریه تروریسم نظامی و اقتصادی آمریکا و تأثیر سوء آن بر زندگی مردم، دستمایه درام‌های تکان‌دهنده قرار گیرد؟

اما فراتر از بازنمایی مظلومیت، ما نیازمند «سینمای اقتدار» هم هستیم. سینمایی که «شکست‌های هیمنه آمریکا» را به رخ بکشد. مثل ماجرای زمین‌گیر شدن نظامیان آمریکایی در طَبس. در این میان، یکی از طلایی‌ترین و در عین حال مغفول‌مانده‌ترین سوژه‌ها برای خلق یک تریلر سیاسی-نظامی تراز اول، ماجرای بازداشت ملوانان آمریکایی به دست نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دی‌ماه سال ۱۳۹۴ است.

تصور کنید دوربینی را که از نمای نزدیک، لرزش دست‌ها و هراس نهفته در چشمان تفنگداران دریایی ایالات متحده را ثبت می‌کند. همان‌هایی که با پیشرفته‌ترین تجهیزات و ادعای آقایی بر اقیانوس‌ها، در برابر قایق‌های تندرو وواراده پولادین پاسداران انقلاب، چاره‌ای جز تسلیم ندیدند. لحظه زانو زدن نظامیان آمریکایی در پهنه

برداشت

گفت‌وگو با مسعود شجاعی طباطبایی درباره رویداد «ترور آن‌لاین»

شلیک قلم به دیکتاتوری دیجیتال



بین‌المللی بالایی به این رویداد بخشیده است.

نام «ترور آن‌لاین» هوشمندانه انتخاب شده است؛ چرا این عنوان را برگزیدید و هدف اصلی‌تان از این رویداد چیست؟

این عنوان در واقع عصاره پیمای است که ما به دنبال انتقال آن هستیم. هدف اصلی ما افشای تناقض آشکار دنیای غرب در بحث آزادی بیان است. آنها از یک سو توهین به مقدسات و پیامبران الهی را تحت لِسوای آزادی‌بیان مجاز می‌شمارند، اما از سوی دیگر، اجازه انتشار یک تصویر ساده از فرماندهان مقاومت را نمی‌دهند. این رویکرد دوگانه و «ترور شخصیت و تصویر» در فضای مجازی، هسته اصلی این نمایشگاه است.

بسیاری معتقدند جوایز رویدادهای هنری در ایران قدرت رقابت با جشنواره‌های بزرگ جهانی را ندارد. در «ترور آن‌لاین» وضعیت چگونه است؟

ما می‌دانیم که پشت رویدادهای جهانی، اتاق فکرهای جدی و حمایت‌های مالی کلان قرار دارد، اما ما با «وجدان و فطرت» هنرمندان سروکار داریم. با این حال، سعی کردیم جوایز را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کنیم. برای نفرات اول تا سوم در هر بخش به ترتیب ۲۰۰۰، ۱۵۰۰ و ۱۰۰۰ یورو به همراه تندیس در نظر گرفته شده و چندین جایزه ۵۰۰ یورویی نیز به برگزیدگان ویژه تعلق می‌گیرد تا انگیزه‌ای برای تداوم این مسیر باشد.

به عنوان سؤال آخر، خروجی این آثار قرار است تنها در گالری‌ها به‌مانند پرنامه گسترده‌تری دارید؟

برنامه ما فراتر از یک نمایشگاه فیزیکی است. علاوه بر نمایشگاه آنلاین در پایگاه (artimag.ir)، به دنبال خروجی‌های ترکیبی، مانند تبدیل پوسترها به موشن گرافیک و پویانمایی هستیم تا برد رسانه‌ای بیشتری داشته باشند. همچنین با همکاری شهرداری، اکران‌های شهری و نمایشگاه‌های دوره‌ای را در دستور کار داریم. هرچند بضاعت ما در حوزه تجسمی محدود است، اما معتقدیم همین تلاش‌ها هم می‌تواند در برابر هجمه رسانه‌ای دشمن، کاری بزرگ و اثرگذار رقم بزند.

به تجربیات شخصی خودتان در این زمینه اشاره کردید؛ آیا هنر می‌تواند در برابر این انسداد دیجیتال بایستد؟

بله، شخصاً تجربه کرده‌ام که حتی یک اشاره کوتاه به جبهه مقاومت در فضای مجازی منجر به شناسایی دیوایس و مسدودسازی کامل می‌شود. اما هنر تجسمی، به‌ویژه کارتون و گرافیک، زبانی بین‌المللی دارند. این هنرها مرزها را درمی‌نوردند و پیام‌شان جهانی است. ما با همکاری «مکتب حاج قاسم» و همفکری استادانی، چون مسعود نجابتی، به این نتیجه رسیدیم که باید با همین زبان بین‌المللی به مقابله با سایبر تروریسم و بیوتروریسم برویم. هنر منندان ما توانمندی بالایی در این جنگ رسانه‌ای دارند و نباید ساکت بنشینند.

قبیله عشق

اشرار، امنیت نمی‌آورند



«شهید علیرضا پرکاس»، یکی از شهدای مرزبانی است، کسی که به دور از هیاهوهای این نیای پر زر و زور، پا در میدان مبارزه با اشرار می‌گذارد و در نقطه صفر مرزی حافظ شرافت و اقتدار میهن می‌شود و در این راه جان شیرین را تقدیم حضرت حق می‌کند. و حال، حاج میرحسین حاج غلامعلی، پدر دلسوخته او از فرزندش می‌گوید: «علیرضا خیلی با ایمان بود، نماز و روزه‌اش ترک نمی‌شد، با همه مردم خوش‌رفتار بود و در کل به چیزی که به خدا و قرآن می‌گفت عمل می‌کرد. خیلی مودب و سر به زیر بود. همه اقوام و فامیل به پاکی این پسر را قبول داشتند. مهمان‌نواز و مهربان بود. از بس عزیز و مهربان بود که وقتی شهید شد کسی باور نمی‌کرد همه برای جای خالی‌اش گریه می‌کردند. علیرضا از همان بچگی خیلی دوست داشت وارد نظام شود و به کشورش خدمت کند، شهدا را خیلی دوست داشت و در یادواره‌های شهدا فعالیت زیادی داشت؛ وقتی کاری که متعلق به شهدا بود را به علیرضا می‌سپردند با جان و دل کار می‌کرد اصلا خستگی نمی‌فهمید به قول خودمان خستگی را خسته کرده بود. ولایتی بود و عاشق رهبر معظم انقلاب، گوش به فرمان ایشان بود و در نهایت هم فدای رهبری و کشورش شد... سال ۱۳۶۳ وارد نیروی انتظامی شد، بعدها هم فرمانده پاسگاه جکیگور شد. با اینکه فرمانده بود؛ اما با زیردستانش مهربان بود و هوای آنها را داشت، همه همکاریش از رفتار خوب و جوانمردانه او می‌گویند، از خاطرات خوبی که با او داشتند، آنها از شهادت پسرم خیلی ناراحت شدند، حتی بیشتر از من که پدرش بودم. می‌دیدم که موقع شهادت او چقدر گریه و بی‌تابی می‌کنند. از دست دادن چنین فرمانده‌ای برای آنها خیلی سخت بود، هر کاری می‌کنم که سوز این داغ از دلم کم شود، نمی‌شود. خیلی دوستش داشتم.

عزیز از دست دادن خیلی سخت است مخصوصاً اگر خیلی دوستش داشته باشی؛ علیرضا چشم و چراغم بود اما با این حال خدا را شاکرم که چنین فرزندی به من داد، او امانت خدا در دست ما بود و من هم او را به خدا تحویل دادم و امیدوارم مورد قبول حق واقع شود. از زمانی که پسرم شهید شد هر سال برای او مراسم سالگرد برگزار می‌کنم، داغ علیرضا برای ما همیشه تازه است انگار که او تازه به شهادت رسیده است، علیرضای من شهید راه دفاع از وطن بود، او خودش را برای مردم و سربلندی میهنش فدا کرد، جوانان و نوجوانان کشورم بدانند که اشرار و گروه‌های تروریستی امنیت مردم را از بین می‌برند و کاری جز خرابکاری انجام نمی‌دهند. آنها بهترین جوانان این کشور را به شهادت می‌رسانند که پسر بنده نمونه‌ای از این جوانان برومند است.»

فرمانده مرزبانی فراجا تأکید کرد که دیگر امنیت در منطقه جنوب شرق تنها با اسلحه و پاسگاه مرزی تعریف نمی‌شود، بلکه نیازمند «سازماندهی سرمایه‌های اجتماعی مردمی» است.

سردار احمدعلی گودرزی، فرمانده مرزبانی، در تشریح رویکرد تحول‌آفرین برای برقراری امنیت پایدار در جنوب شرق کشور تأکید کرد که دیگر امنیت در این منطقه تنها با اسلحه و پاسگاه مرزی تعریف نمی‌شود، بلکه نیازمند

مسابقات قرآنی با حضور ۱۷۷ هزار نفر

در اختتامیه مسابقات قرآنی حلقات تربیتی صالحین استان خوزستان اعلام شد که این استان با ثبت‌نام ۱۷۷ هزار نفر، رتبه اول کشور را در این دوره از رقابت‌ها کسب کرده است.

سردار شاهوارپور در این مراسم با اشاره به وقوع یک جهش بسیار خوب در حوزه قرآنی مساجد استان خوزستان، گفت: این موفقیت مروهون همت و پیگیری‌های نماینده ولی فقیه، طلاب، ائمه جمعه و جماعات، اساتید صالحین و مجموعه معاونت تعلیم و تربیت سپاه است.

وی با بیان اینکه استان خوزستان در این مسابقات رتبه اول کشور را کسب کرده است، افزود: ۱۷۷ هزار نفر در این مسابقات قرآنی ثبت‌نام کردند که از این میان افراد ممتاز و برتر در بین اساتید، سرمربیان، مربیان و حافظان توسط داوران انتخاب شدند.

سردار شاهوارپور با تأکید بر استقبال ویژه خوزستان از مباحث تربیتی و معنوی، یادآور شد: حوزه تربیتی باید با تلاش، پیگیری و پشتیبانی روز به روز بهتر شود چرا که انس با قرآن و استفاده از معانی عمیق آن می‌تواند تربیت‌ساز، انسان‌ساز و کاهنده آسیب‌های اجتماعی باشد.

وی داوری و امتیازبندی این مسابقات را کاری بزرگ، وقت‌گیر و ظریف توصیف کرد و اضافه کرد: در این مراسم با حضور نمایندگانی از معاونت تعلیم و تربیت کشوری و اساتید، از برترین‌ها تقدیر به عمل آمد.

«سازماندهی سرمایه‌های اجتماعی مردمی» است.

به گفته سردار گودرزی، تثبیت امنیت در این منطقه حیاتی، پیش‌نیاز اساسی برای شتاب گرفتن چرخه توسعه و مقابله مؤثر با تهدیداتی نظیر قاچاق سازمان‌یافته و نفوذ تروریستی است.

وی با اشاره به چالش‌های امنیتی موجود، راهکار را در ترکیب دو بال اساسی دانست

۵۰۰ سری جهیزیه هزاران لبخند

فرمانده قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه ازدواج آسان یکی از مؤلفه‌های مهم امنیت، نشاط اجتماعی و رونق تولید ملی است، گفت: توزیع جهیزیه نه‌تنها یک اقدام حمایتی، بلکه حرکتی راهبردی در مسیر حل مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود.

سردار حزنی، فرمانده قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در آیین رمایش توزیع ۵۰۰ سری جهیزیه در استان کرمان گفت: وقتی برای ۵۰۰ زوج جوان جهیزیه تهیه می‌شود، به این معناست که ۵۰۰ یخچال، ۵۰۰ ماشین لباسشویی و سایر اقلام تولید داخل سفارش داده می‌شود. این موضوع باعث می‌شود کارخانه‌های ایرانی از یک شیف‌ت کاری به دو یا حتی سه شیفت برسند و این یعنی اشتغال‌زایی، حمایت از کارگر ایرانی و تحقق عملی منویات رهبر معظم انقلاب در حوزه تولید. فرمانده قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه‌با ارائه آماری از عملکرد استان کرمان در حوزه تأمین جهیزیه افزود: تاکنون ۱۷ هزار و ۸۴۵ سری جهیزیه در این استان توزیع شده است که نشان‌دهنده تلاش گسترده دستگاه‌های اجرایی و نهادهای انقلابی است. با این حال، برای پوشش کامل مددجویان بهزیستی و همچنین اقشار نیازمند خارج از پوشش کمیته امداد و بهزیستی، به ۱۲ هزار سری جهیزیه دیگر نیاز داریم تا بتوانیم یک مرحله بزرگ و یکپارچه توزیع را اجرا کنیم.

فرمانده مرزبانی فراجا

حضور مردم امنیت جنوب شرق را محقق کرده است

و گفت: «به کارگیری فناوری‌های نوین برای پوشش ضعیف‌های جغرافیایی» و «سازماندهی سرمایه‌های اجتماعی مردمی برای خنثی سازی تهدیدات انسانی» این دو بال هستند.

سردار گودرزی تصریح کرد: «مرزبانی هوشمند باید به جای آنکه صرفاً یک نهاد حاکمیتی باشد، به یک مرکز هماهنگ‌کننده و خدمت رسان تبدیل شود که ظرفیت مردمی را

برترین پیمانکار ایران

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) موفق شد در جشنواره «چرخ صنعت» رتبه اول حوزه روابط عمومی‌های برتر کشور را کسب کند.

نخستین جشنواره «چرخ صنعت» با هدف بررسی و ارزیابی آثار رسانه‌ای مرتبط با پروژه‌های صنعتی کشور، به میزبانی سازمان مدیریت صنعتی کشور و با همکاری وزارت صمت در تهران برگزار شد.

در این جشنواره، آثار بیش از ۳۵۰ عکاس و مستندساز از سراسر کشور مورد داوری و ارزیابی قرار گرفت. روابط عمومی قرارگاه‌سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) با ارسال مجموعه‌ای از آثار رسانه‌ای درباره پروژه‌های مهم و ملی از جمله پالایشگاه مهر خلیج فارس، راه‌آهن چابهار- زاهدان، خط انتقال آب طالقان، کارخانه مس سونگون و بندر پارسیان، توانست نظر هیئت داوران را جلب کرده و رتبه نخست این جشنواره را از آن خود کند.

این موفقیت، نشان‌دهنده نقش مؤثر و حرفه‌ای روابط عمومی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در انعکاس دستاوردهای صنعتی و عمرانی کشور و روایت رسانه‌ای دقیق از پروژه‌های کلان ملی است.

قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) سالهاست با بهره‌گیری از دانش روز جهانی و با عزم اراده جوانان ایرانی پیچیده‌ترین پروژه‌های عمرانی و صنعتی کشور را در بالاترین استانداردها ساخته و با تمام توان در کنار تمام دولت‌های برای آبادانی و توسعه ایران اسلامی بوده است.

راهیان پیشرفت

مکانیزه TBM و فرآیندهای فنی مرتبط با حفاری تونل به‌صورت تخصصی برای دانشجویان تشریح شد.

گفتنی است پروژه حفاری خط دو مترو اصفهان به طول ۷۰۷۴ متر، با استفاده از دستگاه حفاری مکانیزه TBM مدل S۵۲۵ با قطر ۹/۴ متر، شامل عملیات حفاری تونل، احداث دسترسی‌های جانبی و تولید قطعات بتنی پیش‌ساخته تونل مکانیزه (سگمنت)، توسط



شناسایی، سازماندهی و هدایت کند.»

وی افزود: راهبرد «سازماندهی سرمایه‌های اجتماعی مردمی برای خنثی سازی تهدیدات انسانی» از طریق سه محور عملیاتی دنبال می‌شود نخست عتمادسازی و مشارکت مستقیم به‌عنوان راهبرد نرم، در ثانی توسعه و رفاه اجتماعی- اقتصادی به‌عنوان راهبرد زیربنایی برای کاهش فقر و در نهایت توانمندسازی و آموزش مرزنشینان.

حضور نیم‌میلیونی در سالگرد حاج قاسم

فرمانده سپاه ثارالله استان کرمان با اعلام حضور بیش از نیم‌میلیون نفر در اجلاسیه ششمین سالگرد شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی گفت: این حضور گسترده، که با همراهی مردم از سراسر کشور و ۳۰ کشور جهان رقم خورد، بار دیگر نشان داد ملت ایران همچنان وفادار به مکتب ولایت، مردم‌داری و راه شهید سلیمانی است.

سردار نظری فرمانده سپاه ثارالله استان کرمان در مراسم اجلاسیه ششمین سالگرد شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی گفت: آماری که گرفتیم نشان داد نیم میلیون نفر در مراسم شرکت کردند. همه کارهایی که انجام شد و خدماتی که به مردم داده شد، توسط خود مردم و برای مردم بود. این بزرگ‌ترین افتخار و دستاورد چنین مراسمی است؛ امسال بیش از ۴۰۰ موبک درخواست داشتند که ۲۷۲ مورد گزینش شد. اگر مسیر گسترش یابد، می‌توان از میدان آزادی تا گلزار شهدای کرمان موبک‌ها را برپا کرد. این نشان‌دهنده عشق، شناخت و بصیرت مردم نسبت به مکتب سلیمانی است؛ و از تمام دستگاه‌هایی که در این ایام کمک کردند، شایسته تقدیر می‌کنم.

سردار نظری بیان داشت: در این شش سال، در همه برنامه‌ها و مناسبت‌ها دیده‌ایم که مردم در کنار مسئولان، گوش به فرمان رهبرشان پای کار هستند.

مؤسسه خرا هلدینگ راه و شهرسازی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در حال اجراست. همچنین این پروژه شامل ۴۲۰ متر تونل سنتی جهت اتصال خط دو به خط یک متروی شهری است که به‌صورت هم‌زمان با تونل مکانیزه در حال اجرا می‌باشد. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، پیش‌بینی می‌شود با تلاش شبانه‌روزی تیم‌های مهندسی و اجرایی، عملیات این پروژه تا خردادماه سال ۱۴۰۶ به بهره‌برداری برسد.

خبر

۴۳۸ جهیزیه

سپاه نینوا و بسیج استان گلستان از ابتدای امسال تاکنون ۴۳۸ سری جهیزیه بین زوج‌های جوان گلستانی توزیع کرده‌اند. این اقدام در راستای کمک به ازدواج جوانان، حمایت از تولید ملی و حمایت از جوانی جمعیت صورت گرفته و از جمله برنامه‌های مستمر این قرارگاه در تحقق منویات رهبر معظم انقلاب است. گفتنی است درین این نوع‌روسان افرادی بودند که بیش از یک‌سال در انتظار تأمین جهیزیه بوده که بتوانند به خانه بخت بروند توزیع شد. از طرفی ترویج ازدواج آسان و کم‌هزینه، راهکار اساسی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده و اشتیاق جوانان به این امر پسندیده است.

۵۲۵۹ خدمت درمانی

در ششمین سالگرد بزرگداشت سردار دل‌ها، جهادگران بسیج جامعه پزشکی رفسنجان و گروه جهادی شهدای مس سرچشمه با فعالیت شبانه‌روزی در قالب سه شیفت از ۹ تا ۱۳ دی‌ماه، موفق شدند ۵۲۵۹ خدمت تخصصی و عمومی به زائران گلزار مطهر شهدا ارائه کنند. اهم خدمات شامل ویزیت عمومی و تخصصی، اعزام و ارجاع بیماران، تزریقات، پانسمان، اقدامات تروما و شستشو، نوار قلب، اکسیژن‌تراپی، بخیه، تست قند خون، معاینه و شستشوی چشم، سونوگرافی و اکوکاردیوگرافی، خدمات مامایی و مراقبت‌های ویژه بانوان و توزیع داروی رایگان بود. این طرح با همکاری گروه جهادی شهدای مس سرچشمه، سازمان بسیج جامعه پزشکی استان کرمان اجرا شد.

سیل مهربانی

فرمانده ناحیه مقاومت بسیج شهرستان سیریک از تداوم خدمات‌رسانی به آسیب‌دیدگان سیل اخیر در این شهرستان خبر داد. سرهنگ دوم پاسدار مجید حبشی با اشاره به وقوع سیل اخیر در شهرستان سیریک اظهار داشت: بر اثر این حادثه تعدادی از روستاهای بخش مرکزی دچار خسارت شدند. وی ادامه داد: در این مرحله و با توجه به سفر اخیر فرمانده محترم سپاه امام سجاد(ع) به مناطق سیل‌زده شهرستان، تعداد ۱۰۰ دستگاه آب‌گر مکن به ارزش تقریبی یک میلیارد تومان حمایت و پشتیبانی فرمانده سپاه امام سجاد(ع) تهیه و جهت توزیع میان مردم شریف و سیل‌زده شهرستان سیریک در نظر گرفته شده است.

روی خط

جوانان مامعتکفین هستند نه ارادل کف خیابان

۰۹۱۲۰۰۰۳۷۵۲ /وقت آن رسیده که دولت، مجلس و دستگاه قضایی و مراکز اطلاعاتی، آستین همت را بالا بزنند و با عوامل و افراد و جریانات مرموزی که عرصه معیشت را بر مردم تنگ کرده‌اند برخوردی جدی و شیمان‌کننده‌داشته‌باشند.

۰۹۱۶۰۰۰۷۱۸۸ / خواهشاً کسی فکر نکند که این افرادی که به خیابان‌ها آمدند تمام جوان‌ها و نوجوان‌های ایران زمین هستند امسال یک میلیون پانصده‌زار دانش‌آموز و دانشجو راهی اعتکاف شده‌اند عددی که تمام اغتشاشگران وارادل کف خیابان در آن گم هستند.

۰۹۱۲۰۰۰۱۳۴۷ / حفظ نظام، اطاعت از ولایت فقیه و صیانت از کشور سه رکن اصلی وصیت شهداست و همه ما وارثان خون شهدا هستیم و تا آخرین قطره خون خود با خانواده با چنگ و دندان از این نظام الهی حمایت می‌کنیم.

۰۹۳۷۰۰۰۴۰۰۴ / خداوند بر درجات فرمانده شهیدم آقا مهدی زین‌الدین بیفزاید و ان‌شاءالله شفیعمان باشد، رتبه ۴ پزشکی بود... معتقد بود کسی که از نظر علمی بالاتر باشد، می‌تواند مؤثرتر باشد. می‌گفت: اگر جنگ تمام نشود و شهید نشوم، اولین کاری که می‌کنم، ادامه تحصیل است. دانش‌آموزان عزیز این شهدا باید الگوی شما باشد.

۰۹۳۷۰۰۰۵۱۶۷ / حرف من با این جوان‌ها و نوجوان‌هایی که چند ماه پیش حملات وحشیانه رژیم صهیونی را دیده‌اند و به این زودی فراموش کرده‌اند و به کف خیابان آمده‌اند این است که درست نگاه کنید که در زمین چه کسی بازی می‌کند.

۰۹۲۱۰۰۰۳۰۲۱ / دولت به جای کالا برگ که عملاً اِرا نه پول نقد است؛ کالا برگ اجناس ضروری مثل گوشت و روغن و برنج بدهند.

۰۹۱۵۰۰۰۷۴۸۴ / درد مردم، خط قرمز است. سوءاستفاده از این درد برای بی‌ثبات‌سازی کشور، خط دشمن است. مواظب باشیم نادیده گرفتن هر کدام از این دو، یا مردم را تحقیر می‌کند یا دشمن را تطهیر.

۰۹۳۸۰۰۰۲۷۹۳ / وقتی ترامپ مستقیماً برای حمایت از آشوب‌گران توثیت می‌زند یعنی همین الان صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها دور دوم نبرد را آغاز کردند و سعی دارند با پیاده نظامشان سیستم امنیتی، انتظامی را مختل کنند. پس نباید همیشه منتظر اقدام دشمن بود و سپس اقدام کرد. گاهی باید دست به عملیات پیش‌دستانه زد.

۰۹۱۷۰۰۰۶۲۹۹ / دزدیدن رئیس‌جمهور قانونی یک کشور مستقل توسط کاندست‌های آدم‌با در هیت حاکمه آمریکانه تنها پیروزی نظامی یا سیاسی به شمار نمی‌آید بلکه یک شکست و اقتضاح سیاسی و تمدنی است که به تدریج آشکار خواهد شد؟

۰۹۱۳۰۰۰۷۳۷۰ / در کنار همه اشکالات معتمد به دولت باید کمک کرد. کافی است شرایط پیچیده‌ای را که در آن قرار داریم خوب درک بکنیم.

۰۹۱۴۰۰۰۶۷۸۰ / بنده اقتصاد نخوانده‌ام و بنابر تجربه می‌گویم آقای همتی که کارنامه مردودی در دولت آقای روحانی دارد چگونه مجدداً می‌خواهد به اقتصاد کشور ثبات بدهد؟ ای کاش مسئولی پاسخ این سؤال را می‌داد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

جهان باید در مقابل ترامپ و نتانیاهو بایستد



سردار محسن رضایی با بیان اینکه ترامپ و نتانیاهو با شرارت و ایجاد فتنه در سراسر نقاط جهان خطر ر خداد جنگ جهانی سوم را افزایش می‌دهند اظهار داشت: ملت غیور و مقدر ایران در هر شرایطی با قدرت و افتخار و با تکیه بر خدا و توسل به امام عصر(عج) و به پشتوانه خون شهدا می‌ایستد و سر نتانیاهو را به سنگ خواهد کوبید و ترامپ و آمریکا را شکست خواهد داد.

سردار سرلشکر محسن رضایی در آیین بزرگداشت عملیات کربلای پنج که در شهرستان شهریار برگزار شد ضمن گرامیداشت یاد و خاطره امام و شهدای ایران و اسلام، با یادآوری تلاش‌های متعدد ملت ایران برای کسب استقلال خاطر نشان کرد: انقلاب مشروطه حرکت بزرگی بود، اما پس از مدتی از مسیر خارج شد و به مقصد نرسید و پس از آن هم نهضت‌هایی همچون ملی شدن صنعت نفت انجام شد که آن هم به هدف منظور نرسید تا اینکه در انقلاب اسلامی ملت ایران در برابر سیل حوادث و توطئه‌ها از غائله‌های تجزیه‌طلبی و ترور ایستادند و از دل این ایستادگی، سازمان‌های اطلاعاتی شکل گرفت و تبدیل به درختی تناور شد که امروز سری‌ترین اسناد فعالیت اتمی رژیم صهیونی را به داخل ایران می‌آوردند.

دکتر محسن رضایی گفت: پس از شکست در جنگ ۱۲ روزه دشمنان با هدف ایجاد اختلاف بین مردم و نظام، فشارهای سنگین اقتصادی وارد کرده‌اند تا با سسوار شدن بر اعتراضات مردم ایجاد اغتشاش و آشوب کرده و کشته‌سازی کنند تا هم اعتراضات به نتیجه نرسد و هم کشور دچار آشوب شود. امروز ما با دشمنان نژادپرستی، چون ترامپ و نتانیاهو روبه‌رو هستیم که بدنبال جنگ جهانی سوم هستند

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: در اروپا بین روسیه و اروپا، در شرق آسیا بین چین و ژاپن و کره شمالی و کره جنوبی ایجاد تنش کرده‌اند و سازمان‌های جهانی اگر جلو ترامپ و نتانیاهو را نگیرند، جنگ جهانی سوم رخ خواهد داد و، اما این احق‌ها نمی‌دانند اگر جنگ جهانی سوم رخ دهد اثری از آنها نخواهد ماند.

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه عنوان کرد

مترجمان حرف‌های دشمن!



جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه، در «سومین همایش سراسری نماز ستاد فرماندهی کل سپاه» که با حضور فرماندهان عالی‌رتبه، سرداران و روحانیون برگزار شد، ضمن تبیین جایگاه بنیادین نماز در مکتب اسلام، به تشریح ابعاد عبادی، سیاسی، نظامی و تربیتی این فریضه الهی پرداخت.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طیبی فر، جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه در ابتدای سخنان خود با اشاره به جایگاه بی‌بدیل نماز در آیات و روایات اظهار کرد: نماز از ارکان اصلی مکتب ماست که بیش از ۵۰ آیه در قرآن کریم و حدود ۱۱ هزار و ۵۰۰ روایت در کتاب وسائل الشیعه بر اهمیت آن تأکید دارند. جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه، نماز جماعت را یک رزمایش و عملیات نظامی توصیف کرد و گفت: نماز جماعت تمرین انسجام، نظم و اطاعت از فرماندهی است. اقتدا به یک امام عادل و هماهنگی کامل در رکوع و سجود، درس صفت‌بندی نظامی در برابر دشمنان و پیروی از فرمانده است. جلو افتادن یا عقب ماندن عمدی از امام، موجب بطلان جماعت می‌شود که این خود درسی بزرگ برای ولایت‌مداری و حرکت هماهنگ با رهبری است.

وی در تبیین گروه‌های انحرافی (غیر المغضوب علیهم و لا الضالین) گفت: مغضوب علیهم کسانی هستند که حق را شناختند اما علیه آن جنگیدند. امروز مصداق این افراد کسانی هستند که در شرایط جنگی و در حالی که دشمن دانشمندان و فرماندهان ما را هدف قرار داده، بیانه‌هایی صادر می‌کنند که ترجمه حرف‌های نتانیاهو و ترامپ است. همکاری‌کنندگان با دشمن و تکرار‌کنندگان سخنان بیگانگان، در زمره مغضوبین هستند

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: ضالین، کسانی که دچار سرگردانی و عدم انسجام فکری هستند. روزی انقلابی‌اند و روزی دیگر سر سفره دشمن می‌نشینند. این افراد گاهی مسئولیت‌های بزرگ می‌گیرند اما در بزنگاه‌ها تبدیل به سران فتنه می‌شوند.

سردار وحیدی، جانشین فرمانده کل سپاه

طوفان الاقصی محصول مقاومت شهید سلیمانی است



جانشین فرمانده کل سپاه با اشاره به عملیات «طوفان الاقصی» گفت: این عملیات رژیم صهیونی را به شوک عظیمی فرو برد و نتیجه مقاومتی است که شهید سلیمانی پایه‌گذار آن بود.

سردار «احمد وحیدی» جانشین فرمانده کل سپاه در مراسم گرامیداشت ششمین سالگرد شهادت سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در مصلای امام علی(ع) کرمان، اظهار داشت: فکر شهید سلیمانی ادامه دارد، شهید ما، شهید هر عصر و نسلی است؛ برای جوان‌ها، برای همه طیف‌ها و اقشار، و برای زمان‌های مختلف. این شهید عزیز، وحدت‌جو و وحدت‌گرا بود و هست که امروز هم همچنان حول این شهید و یاد آن شهید، جمع می‌شوند؛ چراکه او رنگ خدایی دارد و این نقطه وحدت است.

جانشین فرمانده کل سپاه با اشاره به حضور گسترده مردم در مراسم بزرگداشت شهید و مراسم اعتکاف، پاسخ روشنی به تحرکات داخلی داد و گفت: خیرگزاری‌های خارج جی می‌خواهند چند نفر که دچار اغتشاش ذهنی شده‌اند و تحت تأثیر افکار غلط و وارداتی دشمن قرار گرفته‌اند، آنها را مردم ایران معرفی کنند؛ نه، مردم ایران این نیستند. مردم ایران در یک و نیم میلیون اعتکاف شرکت کردند و بیش از ۵۰ هزار نفر در مراسم شهید ما حضور داشتند و این نشان‌دهنده استحکام هویتی و معنوی مردم ماست.

وی بارد این ادعا که پس از شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی جبهه مقاومت تضعیف شده‌است، تأکید کرد: برخی تلاش می‌کنند چنین القا کنند که بعد از شهادت شهید سلیمانی در حوزه‌های مختلف ضعیف شده‌ایم، در حالی که این گونه نیست و ما نه‌تنها ضعیف نشده‌ایم، بلکه قوی‌تر هم شده‌ایم.

دیدار با علمای اهل سنت



عقلانیت و مقاومت ایفا کرده‌اند..

وی با اشاره به عملکرد گروه‌های تکفیری از جمله داعش، خاطر نشان کرد: «این جریان‌های

انحرافی با حمایت مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های غربی و صهیونیستی، امنیت و وحدت امت اسلامی را هدف قرار داده‌اند. هدف آنان ایجاد تفرقه در

اردوی سه روزه علمای اهل سنت استان هرمزگان با حضور ۴۰ نفر از علمای شاخص این استان و به همت قرارگاه مدینه منوره نیروی زمینی سپاه، با هدف تحکیم وحدت اسلامی، تقویت گفت‌وگو میان جہاد تبیین و توسعه تعاملات فرهنگی در حرم مطهر رضوی برگزار شد. در این برنامه معنوی که با حضور مسئولان عالی دینی و فرماندهان نظامی همراه بود، علمای اهل سنت بر همدلی و انسجام امت اسلامی و ضرورت روشنگری در برابر جنگ نرم و شناختی دشمنان تأکید کردند.

سردار سفیدچیان فرمانده قرارگاه مقدم مدینه منوره نیروی زمینی سپاه، با اشاره به جایگاه برجسته علما در بصیرت‌بخشی جامعه گفت: «علمای اهل سنت همواره از ارکان اصلی جریان‌سازی فکری و گفت‌وگو سازی انقلاب اسلامی در جامعه بوده‌اند و نقشی محوری در ترویج معارف اسلامی بر مبنای

خبر

معارفه در سازمان بسیج

مراسم تکریم و معارفه مسئول سازمان بسیج اساتید، طلاب و روحانیون با حضور جمعی از مسئولان و اعضای این سازمان برگزار شد. در این مراسم، حجت‌الاسلام محمدی‌شاهرودی پس از سال‌ها مسئولیت در این سازمان، جای خود را به حجت‌الاسلام عباسعلی اینانلوفر به عنوان مسئول جدید این سازمان واگذار کرد. حجت‌الاسلام شاهرودی در سخنانی، از تلاش‌های همکاران خود در طول دوران مسئولیت در سازمان بسیج اساتید، طلاب و روحانیون تشکر کرد و حجت‌الاسلام اینانلوفر نیز ضمن تقدیر از زحمات مسئول پیشین این سازمان، بر تقویت فعالیت‌های بسیج در راستای خدمت به نظام اسلامی تأکید کرد.

پاسخ‌گویی مؤثرتر

مراسم تکریم و معارفه مسئول نمایندگی ولی فقیه در امور وابستگان سپاه، فرصتی برای بازخوانی نقش مهم این جایگاه در تقویت پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان خانواده بزرگ سپاه بود. در این آیین، از خدمات و تلاش‌های «حجت‌الاسلام دهقانی» که در دوره مسئولیت خود با رویکردی اخلاق‌محور و دغدغه‌مند، پاسخگویی نیازهای فکری و معنوی سپاه بود، قدردانی شد. در ادامه، «حجت‌الاسلام محمدنقی زحمتکش» به‌عنوان مسئول جدید معرفی شد؛ این جابه‌جایی، نشانه‌ای از پویایی ساختارهای فرهنگی و تلاش برای پاسخ‌گویی مؤثرتر به مطالبات روز سپاه است؛ مسیری که تداوم آن می‌تواند سرمایه اجتماعی این نهاد را بیش از پیش تقویت کند.

تجلیل از سربازان متأهل

همایش تجلیل و جلسه اخلاق و مشاوره کارکنان وظیفه سپاه حضرت قمربنی هاشم(علیه‌السلام) استان چهارمحال و بختیاری با هدف حمایت از ازدواج، فرزندآوری و جوانی جمعیت برگزار شد. سردار علی افضلی، فرمانده سپاه، با اشاره به استقبال خانواده‌های سربازان متأهل، این برنامه را فرصتی برای تقویت انس و بصیرت افزایی عنوان کرد. حجت‌الاسلام محمدرضا محمدی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه، نیز در سخنانی خانواده را یکی از نعمات الهی دانسته و از نقش آن در ایجاد تمدن سخن گفت. از دیگر برنامه‌های همایش، زیارت شهدای گمنام و بازدید از موزه دفاع مقدس بود.

صادق

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی
سر‌دبیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زارعی،

عزیز‌غضنفری، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان،

علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد

دبیر‌تحریر:یه‌سیدفخرالدین‌موسوی

مدیر‌فنی: محمد‌صالح‌نادری

نگارش‌و‌ویرایش:محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظر‌چاپ:سعید‌قاسمی

چاپ:مرکز چاپ‌سپاه:۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن:۰۱۱۰و۰۱۱۰۴۶۰۷۷۴۶(۰۲۱)

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمبر:۰۷۷۴۸۸۴۶

سامانه پیامک:۰۳۳۰۳۰۰۹۹۰

شماره ۱۲۲۱ | دوشنبه ۲۲ دی ۱۴۰۴

کتابه

طعم صلوات



یک روز که پیغمبر از گرمی تابستان

همراه علی می‌رفت در سایه نخلستان

دیدند که زنبوری با شعر و سرود آمد

بر دامن پیغمبر آهسته فرود آمد

بوسید عبایش را دور قدمش پر زد

بر خاک کف پایش صد بوسه دیگر زد

پیغمبر از او پرسید: "آهسته بگو جانم

طعم عسلت از چیست؟ هر چند که می‌دانم

زنبور جوابش داد: چون نام تو می‌گویم

گل می‌کند از نامت صد غنچه به کندویم

تا یاد تو را هر شب چون گل به بغل دارم

هر صبح که بر خیزم در سینه عسل دارم

از قند و شکر، بهتر خوش‌تر ز نبات است این

طعم عسل از من نیست طعم صلوات است این

افشین علا

به عشق فکر کنیم

به عشق فکر کنیم و حکومت کهنش

به لاله‌های شهید و به صبح سینه زنش

چگونه دل بکنیم از جوانی و شورش؟

که خانه دل ما هست تا ابد وطنش

چرا به تن نکنم آفتاب مستی را

که در غیاب محبت، شفاست پیرهنش

به فکر مسکن گنجشک‌های عاشق‌باش

پناهگاه جوان نیست جز لباس تنش

از عشق می‌شود آیا سرود با غم نان

شنیده می‌شود آیا چنین کسی سخنش؟

شهید نیست هر آن کس که اهل آشوب است

کسی که رح ندارد به جان هموطنش

به هر زگی ندهم شور پاکبازی را

به عشق فکر کنیم و شکوه مرد و زنش

مباد خاک وطن را به غیر بفروشم

همیشه مفتخرم من به دوست داشتنش

مریم‌پسحاق

صبحانه

اندیشه ثروتمند

سخاوت دنیا به اندازه باور تو وسعت می‌گیرد؛ دنیا نه فقیر است، نه ثروتمند. این ذهن توست که انتخاب می‌کند، دستت را به سمت چه چیزی دراز کنی و چه چیزی را طلب کنی. پس همیشه بهترین‌ها را بخواه، چون کلید خوشبختی در باور توست.

ایرانمرد

خط قرمز حاج قاسم

دوقطبی‌های کاذب در برابر عظمت نگاه او رنگ بپازند.

در دنیایی که بسیاری برای کسب کرسی‌های قدرت مسابقه می‌گذارند، سلیمانی درس بزرگی از «شناخت وظیفه» داد. برای او میز و مقام اصالتی نداشت. او می‌دانست کجای این پازل باید بایستد تا بیشترین خدمت را به امنیت و عزت این مرز و بوم بکند. وقتی زمزمه‌هایی برای دعوت او به ریاست‌جمهوری شنیده می‌شد، او بی‌اعتنا به زرق‌وبرق ظاهری مناصب سیاسی، لباس رزم را از تن در نیاورد. او معتقد بود باید در جایی ایستاد که «مؤثر» بود، نه لزوماً جایی که «نام‌آور» باشد. حکمرانی میدانی او نشان داد که برای حل معضلات کشور، باید در میدان عمل بود. رمز نفوذ کلام و محبوبیت افسانه‌ای او اما در «اخلاص» نهفته بود. حاج قاسم سال‌ها در گمنامی و پشت پرده مجاهدت کرد. او حقیقتاً باور داشت که «باید به بلوغی برسیم که نباید دیده شویم» و «آن کس که باید ببیند، می‌بیند». همین اخلاص، کارهای او را برکت داد و او را که از دیده شدن گریزان بود، به دیده‌شده‌ترین و محبوب‌ترین چهره تاریخ معاصر ایران تبدیل کرد.

تلخند



سلامت

مرهم خانه

زهر احسینی

کارشناس تغذیه

در همه فر هنگ‌ها شیوه‌های شناخته شده در مان‌های خانگی وجود دارد که گاهی مؤثر است و از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌شود. درمان‌های خانگی شیوه‌های معمولی هستند که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. هیچ وقت داروهای تجویزی مادر بزرگ‌ها را دست کم نگیرید! برخی از این داروها تأثیر بسیار خوبی روی دردهای روزمره از قبیل بی‌خوابی، روماتیسم، زکام، سوختگی یا تب دارند، آن هم به شیوه‌ای کاملاً طبیعی و بدون اینکه سلامتی تان را به خطر بیندازند. در طول تاریخ بسیاری از مردم بر این باور بوده‌اند که شیوه‌های درمانی عجیب و غیر معمول خانگی در درمان بیماری‌ها کاربرد دارند، اگرچه برخی از این روش‌ها با استانداردهای مدرن تطابق ندارند و قابل قبول نیستند، اما اثر گذاری برخی از این روش‌های درمانی خانگی پذیرفته شده است. در دنیای امروز، بسیاری از افراد به دنبال روش‌های جایگزین برای درمان بیماری‌های مختلف هستند. درمان‌های خانگی و استفاده از داروهای گیاهی، به عنوان گزینه‌های طبیعی و در دسترس، محبوبیت زیادی پیدا کرده‌اند. با این حال، مهم است بدانیم که هر درمان خانگی لزوماً بی‌خطر نیست و می‌تواند عوارض جانبی جدی به همراه داشته باشد. متأسفانه، تصور رایج مبنی بر بی‌ضرر بودن درمان‌های خانگی، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. بسیاری از افراد بدون آگاهی کافی از عوارض جانبی و تداخلات دارویی، به مصرف خودسرانه گیاهان دارویی و روش‌های درمانی خانگی روی می‌آورند. این امر نه تنها بیماری آنها را بهبود نمی‌بخشد، بلکه عوارض جدی و حتی مرگ را نیز به دنبال دارد. بنابراین، قبل از اقدام به هرگونه درمان خانگی، ضروری است اطلاعات کافی پذیرفته شده است. در دنیای امروز، آوری د و پزشکی خود مشورت کنید. استفاده از درمان‌های خانگی برای بیماری‌های جدی مانند سرطان، می‌تواند یک اشتباه بزرگ باشد. در حالی که برخی از افراد ادعا می‌کنند درمان‌های طبیعی می‌توانند سرطان را درمان کنند، هیچ مدرک علمی معتبری برای اثبات این ادعا وجود ندارد.

صادقانه

محبت علی (ع)

رسول الله (ص) می‌فرمایند: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد، خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید نماز را واجب کردم، ولی این تکلیف را از معذور و مجنون و طفل برداشتم و روزه را واجب کردم ولی آن را برای مسافر الزامی نکردم و حج را واجب کردم، ولی آن را از گردن نیازمند ساقط کردم. دوست داشتن علی بن ابی‌طالب(ع) را واجب کردم و محبتش را بر تمام اهل آسمان و زمین الزام کردم بدون آنکه رخصتی در آن باشد.»
بخارا الانوار، ج ۴۰، ص ۴۷

غیر رسمی

اگر تحریم نبودیم....



بارها افراد خیر خواه و دلسوز گفته‌اند و بنده هم تأیید می‌کنم که تحریم در موارد بسیاری به سود کشور است. به سود ملت ایران است، این را افراد دلسوز و علاقه‌مند و مطلع بیان می‌کنند. بله، تحریم یک مشکلاتی را ایجاد می‌کند؛ تحریم مبادلات بانکی، تحریم نفتی و غیره ممکن است یک مشکلاتی را به وجود بیاورد اما در نهایت به نفع کشور است.

یکی از مسئولین کشور می‌گفت که در یک جلسه‌ی خارجی، یک نفر از سیاستمداران خارجی به ما می‌گفت آقا! شما در دوران تحریم توانستید این همه سلاح‌های مدرن تولید کنید؛ خیلی توانایی شما بالا است؛ با اینکه تحریم بودید توانستید یک چنین کارهای بزرگی انجام بدهید؛ اگر تحریم نبودید، چه کار می‌کردید. این آقا می‌گفت: به او گفتم اگر تحریم نبودیم، این کارها هیچ کدام انجام نمی‌گرفت؛ در دست هم گفتم. تحریم موجب می‌شود که ما به خودمان مراجعه کنیم، دنبال تولید [برای تأمین] نیازها از درون خودمان باشیم، ابتکارات خودمان را شناسایی کنیم، بشناسیم.

بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۸/۰۲/۰۴

حسن ختام

زیباترین بهار ما را دریاب!

سلام عزیز جان‌های عاشق، ای که آمدن و رسیدنت وعده‌ای است شیرین برای هر که مهر شما را در میان سینه می‌پروراند. در میان آشوب این روزها، پناهی جز شما نداریم، جهان‌مان خالی نیست و دستان پرمهرتان را کنارمان می‌بینیم، ما همان شمع رو به بادیم که دستان‌تان می‌رسد و نجاتش می‌دهد از تمام شدن. روزهای زیادی است که به درگاه او که شنوا و بینای این رنج‌دیرین است «نشکو الیک فقد نبینا» بوده‌ایم، هم او که از آسمان‌ها نظاره‌گر لحظه‌های سرد و خالی زندگی ماست و انگار صبر تمام شده‌مان را دارد محک می‌زند!

در روزها و شب‌های سوت و کور اما شلوغ‌مان؛ صدای بی‌رقم مظلومانی که گوش فلک را کر می‌کند، تاب و قرارمان را برده؛ اما گره کور همه این تلخی‌ها به دستان مبارکتان باز خواهد شد، کاش برسید و کاش به حساب بباییم با آنها که با شمایند؛ می‌دانید ما را از نبودن و رفتن باکی نیست، اما الهی تمام نشود عمرمان بی‌دیدار روی شما و کاش خودتان را برسانید به این زمستان دنیا، ای بهار روشن! عهد ما با شما این است؛ چه باشیم و چه نباشیم، جان‌مان پیشکش جان پاک مردی از تبار شما خواهد بود و این خون در رگ مانده، تحفه‌ای است برای او و بودن او که تمام سرمایه ماست و عزت‌مان را از وجود با صلاحتش داریم. نگاهمان به اوست که نگاهش به شماست....

